



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق
علیه
السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

اخلاق زندگی (۱)

مجموعه متن‌های برنامه‌ای برای
گروه‌های خانواده و اجتماعی

زهرا علی‌پور



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اخلاق زندگی (۱) : مجموعه متون برنامه ای برای گروه های خانواده و اجتماعی

نویسنده:

زهرا علی پور

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	اخلاق زندگی (۱)
۹	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۱	فهرست مطالب
۲۰	دیباچه
۲۲	پیش گفتار
۲۵	فصل اول: بایسته های اخلاقی
۲۵	اشاره
۲۹	صبر در زندگی
۳۰	بخشودن
۳۱	بردباری
۳۲	خوش رویی
۳۴	آسان گیری
۳۵	رازداری
۳۷	احترام به دیگران
۳۸	توبه و بازگشت
۳۹	آینده نگری
۴۰	یاد خدا
۴۱	اقامه نماز
۴۲	کنترل زبان
۴۵	وفای به عهد
۴۷	ارتباط با خویشان
۵۰	شهوت گریزی

۵۱	مشورت
۵۲	سخن پسندیده
۵۳	خویشتن داری
۵۴	وقار و متانت
۵۵	کسب و کار حلال
۵۶	رفق و مدارا
۵۸	تغافل
۶۰	احسان و نیکی کردن
۶۲	جوان مردی
۶۳	حفظ آبرو
۶۴	حساب رسی اعمال
۶۵	حق گرایي
۶۷	هدف مندی
۶۸	صداقت
۷۰	استقامت در زندگی
۷۱	پوزش خواهی
۷۲	رعایت ادب
۷۴	گزیده گویی
۷۵	پندآموزی
۷۷	استفاده از تجربه ها
۷۸	نظم و برنامه ریزی
۸۰	خوش خلقی
۸۱	پرهیز از شنیدن سخنان بیهوده
۸۳	نگاه آخرتی به دنیا
۸۵	اندیشیدن
۸۷	دانش اندوزی

۸۸	میانه روی
۹۰	پرهیز از تک روی
۹۱	مسئولیت پذیری
۹۳	پاک دلی
۹۵	عزتمندی
۹۶	پرهیز از بدهکاری
۹۷	دنیاگریزی
۹۹	زهدورزی
۱۰۰	اخلاص
۱۰۲	بندگی خدا
۱۰۳	میانه روی در معیشت
۱۰۶	خدمت به هم نوع
۱۰۸	محبت به دیگران
۱۱۱	خیرجویی
۱۱۲	قناعت ورزی
۱۱۳	شرم و حیا
۱۱۵	کنترل سخن
۱۱۶	مردم دوستی
۱۱۸	انصاف ورزی
۱۱۹	تشکر از دیگران
۱۲۱	فصل دوم: ناشایسته های اخلاقی
۱۲۱	اشاره
۱۲۳	دخالت در امور دیگران
۱۲۴	چشم چرانی
۱۲۸	بدگمانی
۱۳۰	بخل ورزی

- ۱۳۲ دروغ گویی
- ۱۳۳ طمع کاری
- ۱۳۵ بدگویی
- ۱۳۷ آرزوهای دست نیافتنی
- ۱۳۸ زیاده روی در شوخی
- ۱۴۰ هم نشینی با بدان
- ۱۴۱ مردم آزاری
- ۱۴۳ جدال
- ۱۴۴ عیب جویی از دیگران
- ۱۴۵ شهرت طلبی
- ۱۴۷ تنبلی
- ۱۴۸ ریاکاری
- ۱۵۰ لهوگرایی
- ۱۵۱ تکبر و لجاجت
- ۱۵۳ نیرنگ و فریب کاری
- ۱۵۴ خرافه گرایی و فال زنی
- ۱۵۵ نجوا کردن و بلند صحبت کردن
- ۱۵۷ حسادت
- ۱۵۸ زیاده طلبی و بلندپروازی
- ۱۵۹ خشم
- ۱۶۱ سرزنش کردن دیگران
- ۱۶۲ سخن چینی
- ۱۶۳ ناسپاسی و کفران نعمت
- ۱۶۶ کتاب نامه
- ۱۶۹ درباره مرکز

اخلاق زندگی (۱)

مشخصات کتاب

سرشناسه: علی پور، زهرا، ۱۳۵۶ -

عنوان و نام پدیدآور: اخلاق زندگی (۱) / نویسنده زهرا علی پور؛ تهیه کننده مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر: قم: دفتر عقل، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۱۳۰ ص.

فروست: مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما؛ ۱۳۸۷.

شابک: ۱۸۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۶۱-۹۳-۷

یادداشت: عنوان روی جلد: اخلاق زندگی (۱): مجموعه متن های برنامه ای برای گروه های خانواده و اجتماعی.

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۲۹] - ۱۳۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان روی جلد: اخلاق زندگی (۱): مجموعه متن های برنامه ای برای گروه های خانواده و اجتماعی.

موضوع: اخلاق اسلامی

شناسه افزوده: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره: BP۲۴۷/۸ع/۸۶الف ۳ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۱

شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۸۴۶۱۳

ص: ۱

اشاره

فهرست مطالب

فهرست مطالب ۱

دبیاچه ۱

پیش گفتار ۳

فصل اول ۶

بایسته های اخلاقی ۶

صبر در زندگی ۷

بخشودن ۸

بردباری ۹

خوش رویی ۱۰

آسان گیری ۱۲

رازداری ۱۳

احترام به دیگران ۱۵

توبه و بازگشت ۱۶

آینده نگری ۱۷

یاد خدا ۱۸

اقامه نماز ۱۹

کنترل زبان ۲۰

وفای به عهد ۲۳

شہوت گریزی ۲۸

مشورت ۲۹

سخن پسندیدہ ۳۰

خویشتن داری ۳۱

وقار و متانت ۳۲

کسب و کار حلال ۳۳

رفق و مدارا ۳۴

تغافل ۳۶

احسان و نیکی کردن ۳۸

جوان مردی ۴۰

حفظ آبرو ۴۱

حساب رسی اعمال ۴۲

حق گرای ۴۳

هدف مندی ۴۵

صداقت ۴۶

استقامت در زندگی ۴۸

پوزش خواهی ۴۹

رعایت ادب ۵۰

گزیدہ گویی ۵۲

پندآموزی ۵۳

استفاده از تجربه ها ۵۵

نظم و برنامه ریزی ۵۶

خوش خلقی ۵۸

پرهیز از شنیدن سخنان بیهوده ۵۹

ص: ۵

نگاه آخرتی به دنیا ۶۱

اندیشیدن ۶۳

دانش اندوزی ۶۵

میانہ روی ۶۶

پرهیز از تک روی ۶۸

مسئولیت پذیری ۶۹

پاک دلی ۷۱

عزتمندی ۷۳

پرهیز از بدهکاری ۷۴

دنیاگریزی ۷۵

زهدورزی ۷۷

اخلاص ۷۸

بندگی خدا ۸۰

میانہ روی در معیشت ۸۱

خدمت به ہم نوع ۸۴

محبت به دیگران ۸۶

خیرجویی ۸۹

قناعت ورزی ۹۰

شرم و حیا ۹۱

کنترل سخن ۹۳

مردم دوستی ۹۴

انصاف ورزی ۹۶

تشکر از دیگران ۹۷

فصل دوم ۹۹

ناشایسته های اخلاقی ۹۹

دخالت در امور دیگران ۱۰۰

چشم چرانی ۱۰۱

بدگمانی ۱۰۵

بخل ورزی ۱۰۷

دروغ گویی ۱۰۹

طمع کاری ۱۱۰

بدگویی ۱۱۲

آرزوهای دست نیافتنی ۱۱۴

زیاده روی در شوخی ۱۱۵

هم نشینی با بدان ۱۱۷

مردم آزاری ۱۱۸

جدال ۱۲۰

عیب جویی از دیگران ۱۲۱

شهرت طلبی ۱۲۲

تنبلی ۱۲۴

ریاکاری ۱۲۵

لهوگرایی ۱۲۷

تکبر و لجاجت ۱۲۸

نیرنگ و فریب کاری ۱۳۰

خرافه گرایی و فال زنی ۱۳۱

نجوا کردن و بلند صحبت کردن ۱۳۲

حسادت ۱۳۴

زیاده طلبی و بلندپروازی ۱۳۵

ص: ۷

خشم ۱۳۶

سرزنش کردن دیگران ۱۳۸

سخن چینی ۱۳۹

ناسپاسی و کفران نعمت ۱۴۰

کتاب نامه ۱۴۳

دبیاچه

دبیاچه

نوشتار پیش رو از سری پژوهش‌هایی است که با نام اخلاق زندگی، در شماره‌های (۱) و (۲) و (۳) در قالب پیام‌های برنامه ای، توشه فرهنگ‌سازان را فراهم می‌آورد. مجموعه اخلاق زندگی (۱) می‌کوشد تا در راه تهذیب نفس و اخلاق اجتماعی گامی اساسی بردارد. نفس همان حقیقت آدمی است که از آن به «من» تعبیر می‌شود. بر اساس آموزه‌های قرآنی، کسی که نفسش را از آلودگی‌ها پاک‌سازد و آن را به شایستگی تربیت کند، رستگار خواهد شد و در مقابل، کسی که نفسش را با ناپاکی‌ها درآمیزد، از رستگاری محروم می‌شود. بنابراین، در حکمت عملی، بحثی پیرامون پیراستن از کژی‌ها و خُلق‌های ناپسند مطرح است.

همان‌گونه که جسم از سلامت لذت می‌برد و هنگام بیماری احساس رنج می‌کند، روح نیز از بیماری‌های خاص احساس درد و فسردگی می‌کند با این تفاوت که بیماری‌های جسمی با مرگ پایان می‌یابد، ولی درد و رنج و بیماری‌های روحی، پس از مرگ افزایش می‌یابد. انسان بیمار روحی، در زندگی این دنیا، پیوسته به آتش پستی‌های درون خود می‌سوزد و در آخرت گرفتار عذاب الهی می‌شود.

اگر آدمی از سلامت روحانی خود غفلت ورزد، زنگارهای اخلاق و کردار ناشایست، آن را تیره و تار می‌سازد و او را از سلامت دنیوی و سعادت اخروی خارج می‌سازد. حال آنکه با مراقبت از نفس و دور نگه داشتن آن از پلیدی و ناشایستگی‌ها، نفس، پاک و ناب می‌ماند و به نیکی پرورش می‌یابد. بنابراین، بر آدمی است که در همه حال، نگاهبان نفس سرکش باشد.

این رسالت انسانی، در گستره مسئولیت پاسبانی از اخلاق اجتماعی، بر دوش رسانه ملی سنگین تر است. از وظایف اصحاب رسانه است که با تهیه برنامه‌های اخلاقی، گامی مؤثر در راه تهذیب خلق و خوی اجتماعی بردارد و جامعه را از زشتی‌های اخلاق و رفتار بر حذر دارند. بدین منظور، پژوهشگر ارجمند خانم زهرا علی پور کوشیده است، فضیلت‌ها و رذیلت‌های اخلاقی را بازنمایی و محتوای برنامه‌های رسانه را در این موضوع آماده‌سازی. امید است ره‌آورد پژوهشی ایشان، به بهره‌برداری برنامه‌سازان ارجمند برسد و روزی به کار آید که «لا ینفع مال و لا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم».

فوریت‌های پژوهشی

اِنَّهٗ ولی التوفیق

اداره کل پژوهش

پیش‌گفتار

پیش‌گفتار

آدمی در پرتو پیراستن نفس از صفات ناپسند و آراستن آن به صفت‌های زیبا و اخلاق نیکو، به خیر و سعادت دست می‌یابد و آراستگی به فضایل اخلاقی، تنها راه در امان ماندن از خواسته‌های هلاکت‌بار نفسانی است. اکنون پرسش این است که اخلاق اسلامی چیست و چگونه راه کمال و سعادت را می‌نمایاند؟

آشکار شدن عقاید فرد در عمل، اخلاق فردی یا اجتماعی را شکل می‌دهد. بر فرهنگ عمومی هر جامعه، اصول اخلاقی ویژه‌ای حاکم است که هنجارهای یکسان و مشترک و پذیرفته شده آن جامعه را نشان می‌دهد و خروج از آن، به معنای اخلاق ضداجتماعی است.

آنان که با رعایت اصول اسلامی روابط انسانی برقرار می‌کنند، از جایگاه اجتماعی خوبی برخوردارند؛ باایمان، مردم دوست و خیرخواهند؛ آهنگ باطنی شان موزون است؛ در مسیر الهی گام برمی‌دارند و در مرتبه‌های بالا «تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ» هستند و برای همه به دلیل انسان بودنشان، هم‌کیش بودنشان و برادر و برابر بودنشان، ارزش قائلند. اینان با بال‌های اندیشه و عمل تا اوج بلندمرتبگی پر می‌گشایند و دست در دست هم و کنار یکدیگر به سوی جهانی بزرگ‌تر و باشکوه‌تر پیش می‌روند.

طیران مرغ دیدی، تو ز پای بند شهوت

به در آی تا ببینی طیران آدمیت

سعدی

این پرواز ملکوتی در مسیر آراستگی به اخلاق الهی، تنها از راه ارتباط با خدا و اعتماد به وجود جاودانه او امکان پذیر است، البته به شرط آنکه ریشه هامان در خاک نباشد و اسیر هوا و هوس نباشیم، که اگر جز این باشد، باید باز گردیم و خود را شایسته پرواز کنیم تا اوج بگیریم.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ خَيْرٍ أَرَدْتُ بِهِ وَجْهَكَ فَخَالَطَنِي فِيهِ مَا لَيْسَ لَكَ. (۱)

خدایا! استغفار می کنم از هر کاری که با نام تو و به قصد تو آغاز کردم، ولی آنها را با چیزهای دیگر غیر از رضای تو در آمیختم و از مسیر نخستین باز گشتم.

بنابراین، از وسوسه عوامل مرگ بار و موانع پرواز، تنها به خدا پناه می بریم که بهترین رفیق است: «يا شَفِيقُ يا رَفِيقُ فَرِّجْ عَنِّي الْمُضِيقَ، وَ لا- تُحْمَلْنِي ما لا- أُطِيقُ؛ ای دوست، ای شفیق! در این تنگناها که خودم ایجاد کردم، گشایشی قرار ده که من تاب آنها را ندارم». (۲)

اطمینان به اینکه ارتباط پیوسته و نزدیک با خدا، خواسته ها را نیز برآورده می سازد، نشانه عقیده ای راستین و استوار است. چنین ارتباطی با خداوند سبب می شود عمل انسان صادقانه و حضور، نگرش و یقینش زیبا شود؛ به بندگان خدا عشق بورزد و محبوب آنها شود و بالا-تر از همه آنکه خدایش نیز او را دوست می دارد و به او افتخار می کند، آن گونه که در دعای ابو حمزه ثمالی می خوانیم: «إِلَهِي حَبِّبْ إِلَي لِقَائِكَ وَ أَحْبِبْ لِقَائِي؛ خدایا! دیدار خود را محبوب من و دیدار مرا

۱- فرازی از دعای سحر ماه رمضان.

۲- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ هـ. ق، چ ۳، ج ۹۷، ص ۴۱۸، برگرفته از: سی دی

محبوب خود گردان».

ولی چگونه می توان تا اوج پر گشود؟ پاسخ آن است که با خالص شدن، خدایی شدن و تهی شدن از همه ارزش های مادی، چنان که در مناجات جلوه حق، حضرت علی علیه السلام می خوانیم: «إِلَهِي أَنْتَ كَمَا أُحِبُّ فَمَا جَعَلَنِي كَمَا تُحِبُّ؛ خدایا! تو همانی که دوستت دارم. پس مرا هم چنان کن که تو نیز دوستم بداری».

خدایا! بنده راستین تو بودن دشوار است. صبر و توکل و اخلاص می خواهد تا در حرکت به سوی تو، در تسبیح تو و در بندگی برای تو، تولدی دوباره یافت و به مقصودی فراتر از اندیشه ها رسید.

این پیوستن به سرچشمه جاودان هستی، انسانی می سازد که به همه چیز عشق می ورزد؛ اراده ای محکم دارد؛ در تصمیم گیری هایش استوار و در برخوردهایش صادق است؛ از سختی ها نمی هراسد و از سازش کردن های خفت آور می پرهیزد؛ برای دیگران بیش از خود ارزش قائل است؛ فداکار، هدایت گر، هدف دار و مصداق راستین «الَّذِينَ جَاهِدُوا فِيْنَا لَنَهْدِيَهُمْ سُبُلَنَا» (ابراهیم: ۶۹) است.

چنین فردی از کسانی است که خداوند آنها را هدایت فرموده و راه رهایی از تنگناها را برایشان گشوده است. اینان مورد لطف و فضل پروردگارند. اینک این ماییم و این سفره گسترده از سخنان شیرین، پرمعنا و انسان ساز پیشوایان پاک و برگزیده مان در ماندگارترین صحیفه ارزش ها؛ تا چه اندازه در گوش جانمان نشیند و ما را در راه بندگی مدد رساند، تا به اخلاق الهی آراسته شویم.

فصل اول: بایسته های اخلاقی

اشاره

فصل اول: بایسته های اخلاقی

زیر فصل ها

صبر در زندگی

بخشودن

بردباری

خوش رویی

آسان گیری

رازداری

احترام به دیگران

توبه و بازگشت

آینده نگری

یاد خدا

اقامه نماز

کنترل زبان

وفای به عهد

ارتباط با خویشان

شهوت گریزی

مشورت

سخن پسندیده

خویشتن داری

وقار و متانت

کسب و کار حلال

رفق و مدارا

تغافل

احسان و نیکی کردن

جوان مردی

حفظ آبرو

حساب رسی اعمال

حق گرایي

هدف مندی

صداقت

استقامت در زندگی

پوزش خواهی

رعایت ادب

گزیده گویی

پندآموزی

استفاده از تجربه ها

نظم و برنامه ریزی

خوش خلقی

نگاه آخرتی به دنیا

اندیشیدن

دانش اندوزی

میانہ روی

پرهیز از تک روی

مسئولیت پذیری

پاک دلی

عزتمندی

پرهیز از بدهکاری

دنیاگریزی

زهدورزی

اخلاص

بندگی خدا

میانہ روی در معیشت

خدمت به ہم نوع

محبت به دیگران

خیرجویی

قناعت ورزی

شرم و حیا

کنترل سخن

مردم دوستی

انصاف ورزی

تشکر از دیگران

صبر در زندگی

صبر در زندگی

زندگی فراز و نشیب هایی دارد که جز سازش با آنها، راهی نیست. انسان کم صبر، در برابر مشکلات زود شکست می خورد و ناامید می شود. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «الْصَّبْرُ خَيْرٌ جُنْدِ الْمُؤْمِنِ؛ بهترین لشکر مؤمن صبر است.» (۱) بر اساس این آموزه علوی، در مقابله با هر بلا و مصیبتی باید با سپر صبر، خود را آماده کنیم که «الْصَّبْرُ عُيْدَةُ الْبَلَاءِ؛ صبر، ساز و برگ آماده ای برای رویارویی با هر بلا و گرفتاری است.» (۲)

از مشخص ترین ویژگی های مؤمنان، صبر هنگام بلا و شکر هنگام آسایش است. در آموزه های دینی از چندین گونه صبر یاد شده است. امام علی علیه السلام صبر را دو گونه می داند: صبر در برابر گناهان و صبر در فرمان برداری از خدا و انجام واجبات، مانند روزه، ادای تکالیف مالی مانند خمس و زکات و نیز جهاد در راه خدا بنابراین، در انجام وظایف دینی نیز باید صبر پیشه کرد.

آن حضرت می فرماید:

الْصَّبْرُ صَبْرَانِ صَبْرٌ فِي الْبَلَاءِ حَسَنٌ جَمِيلٌ وَ أَحْسَنُ مِنْهُ الصَّبْرُ عَنِ الْمَحْرَمِ. (۳)

صبر دو گونه است: صبر در بلاها که زیبا و نیکو است و نیکوتر از آن، صبر در برابر حرام های الهی است (که طاقت بیاورد و مرتکب آنها نشود).

۱- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۳، ج ۱، ص ۲۸۳.

۲- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۳، ج ۱، ص ۲۸۳.

۳- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۳، ج ۱، ص ۲۸۳.

رسیدن به مقام و درجه های بالا با صبر و مقاومت امکان پذیر است، چنان که امام علی علیه السلام می فرماید: «بِالصَّبْرِ تُدْرَكُ مَعَالِي الْأُمُورِ؛ با صبر، به درجه های عالی می توان رسید».^(۱)

بخشودن

بخشودن

انسان باگذشت، در زدودن کینه ها و افزایش مهرورزی ها پیش گام است. بخشودن و چشم پوشی از لغزش دیگران که نشان دهنده چیرگی انسان بر نفس خود و وسوسه های شیطانی است، وی را مشمول رحمت و بخشایش خداوند می سازد:

و لِيُغْفِرُوا وَ لِيُصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ. (نور: ۲۲)

مؤمنان باید گذشت کنند و از بدی ها در گذرند، آیا دوست نمی دارید که خداوند شما را ببامرزد.

به راستی اگر خواهان بخشایش خداوند از لغزش های خود هستیم، باید با خلق خدا همین رویه را در پیش گیریم و با بزرگواری، اشتباه های آنان را نادیده بگیریم. این صفت، سبب پیوند دل ها به هم و نزدیکی اندیشه هاست. از این رو، خداوند به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سفارش می کند که حتی در برابر دشمنان و مخالفان، این شیوه را در پیش گیرد:

خُذِ الْعَفْوَ وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ. (اعراف: ۱۹۹)

عفو را پیشه کن و به نیکی فرمان ده و از جاهلان روی گردان.

گذشت در اجتماع، عزت آفرین و کینه توزی و انتقام، حقارت بار و نشانه پستی روح است:

۱- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ هـ. ق، چ ۳، ج ۱، ص ۲۸۳.

عَلَيْكُمْ بِالْعَفْوِ فَإِنَّ الْعَفْوَ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا عِزًّا فَتَعَاَفَوْا يُعِزَّكُمْ اللَّهُ (۱)

بخشایش پیشه کنید؛ زیرا بخشودن بر عزت بنده می افزاید. پس ببخشید تا نزد خداوند ارجمند شوید.

البته بخشودن، زمانی خوب است که نتیجه آن منفی نباشد. امام سجاد علیه السلام می فرماید:

وَ حَقٌّ مَنْ أَسَاءَ كَأَنْ تَعْفُوَ عَنْهُ وَ إِنْ عَلِمْتَ أَنَّ الْعَفْوَ يَضُرُّ انْتَصَرْتَ. (۲)

حق کسی که به تو بد کرده، آن است که او را ببخشی و اگر دانستی که بخشودن تو زیان بار است، وی را به کیفر بدی اش برسان.

بردباری

بردباری

در هم نشینی با مردم، گاه شرایطی پیش می آید که خشم انسان برانگیخته می شود. در چنین شرایطی، کنترل کننده ای نیاز است تا جلوی واکنش های تند را بگیرد و آدمی را از پی آمدهای ناگوار خشم در امان دارد. عاملی که می تواند انسان را در این حالت هیجانی، کنترل کند و شعله های خشم او را فرو نشاند، بردباری است. بردباری از اراده ای محکم برمی خیزد و سبب محبوبیت فرد در اجتماع می شود. نخستین ثمره این فضیلت برای شخص بردبار، بهره مند شدن از پشتیبانی مردم است. علی علیه السلام در این باره می فرماید:

أَوَّلُ عَوْضِ الْحَلِيمِ مِنْ جَلْمِهِ أَنَّ النَّاسَ أَنْصَارُهُ عَلَى الْجَاهِلِ. (۳)

۱- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۳، ج ۷۱، ص ۴۰۱.

۲- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۳۷۲.

۳- نهج البلاغه، ترجمه: سید جعفر شهیدی، حکمت ۲۰۶.

نخستین دست آورد بردبار از بردباری اش، پشتیبانی مردم از او در برابر نادان است.

همچنین فرمود: «أَلْحِلْمُ عَشِيرَةٌ؛ بردباری [بسان] قبیله است».^(۱)

بردباری تا آنجا فضیلت است که سبب خواری انسان نشود، هیبت و متانتش را نگیرد و دیگران را نسبت به وی جسور نسازد. در غیر این صورت، نه تنها ارزش و فضیلت نخواهد بود، که ضدارزش است و نتیجه منفی دارد. به گفته سعدی: «خشم بیش از حد گرفتن وحشت آرد و لطف بی وقت، هیبت ببرد؛ نه چندان درشتی کن که از تو سیر گردند و نه چندان نرمی که بر تو دلیر شوند».^(۲)

خوش رویی

خوش رویی

به خُلق و لطف توان کرد صید اهل نظر

به بند و دام نگیرند مرغ دانا را

حافظ

ساده ترین راه جذب مردم، خوش رویی است. با خُلق خوش و روی گشاده می توان بذر محبت را در زمین دل ها افشاند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

۱- نهج البلاغه، ترجمه: سید جعفر شهیدی، حکمت ۴۱۸.

۲- کلیات سعدی، ص ۱۷۵.

إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَسَعَوْهُمْ بِبَسْطِ الْوَجْهِ وَحُسْنِ الْخُلُقِ. (۱)

شما نمی توانید با ثروت خود دل همه مردم را به دست آورید. پس با روی گشاده و خُلق خوش، آنان را جذب خود کنید.

امام علی علیه السلام نیز می فرماید: «الْبَشَاشَةُ جِبَالَةُ الْمَوَدَّةِ؛ گشاده رویی، دام دوستی است». (۲)

راز محبوبیت، در خوش خلقی نهفته است. انسان خوش رو در برخورد با دیگران، همچون آهن ربا، فلز وجود آنان را به سوی خود جذب می کند و گسستگی ها را به هم پیوند می دهد. از این رو، هیچ گاه احساس تنهایی نمی کند. «مَنْ حَسَّنَ خُلُقَهُ كَثُرَ مُحِبُّوهُ وَ أُنْسَتِ النَّفُوسُ بِهِ؛ انسان خوش خلق دوستان فراوانی دارد و دیگران نیز با او انس می گیرند». (۳)

به شیرین زبانی و لطف و خوشی

توانی که پیلی به مویی کشی

سعدی

رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پیشوایان معصوم علیهم السلام بر پایه حسن خلق استوار بود و آنان با خوش خلقی در ژرفای جان مردم نفوذ می کردند، چنان

۱- زکی الدین عبدالعظیم منذری، الترغیب و الترهیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۳، ص ۴۱۱.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۶.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۷، ص ۹۴.

که خداوند در قرآن مجید می فرماید:

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ. (آل عمران: ۱۵۹)

به سبب رحمت الهی است که نسبت به مردم نرم خو شده ای که اگر خشن و سنگ دل بودی، از اطرافت پراکنده می شدند.

در جای دیگر نیز خلق نیک نبی مکرم اسلام را ستوده و از آن به عظمت یاد کرده است: «إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ؛ تو عظیم ترین خلیقات انسانی را داری». (قلم: ۴)

آسان گیری

آسان گیری

روح آدمی بسیار لطیف و حساس است. از این رو، گاه در خوش بختی و نشاط و زمانی در تیره بختی و گریز به سر می برد. خداوند نیز با توجه به این امر، در قانون گذاری و بیان احکام، بر بندگانش آسان گرفته و بر آنان تکلیفی در خور توانشان قرار داده است: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ؛ پروردگار برای شما آسانی می خواهد، نه دشواری». (بقره: ۱۸۵)

ما نیز برای آراسته شدن به اخلاق الهی باید در روابط اجتماعی، بر هم نوعان شایسته خود آسان بگیریم و در داد و ستدها و دادن قرض و گرفتن بدهی به طرف مقابل فرصت دهیم و او را در تنگنا نگذاریم که خداوند می فرماید: «وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ؛ و اگر بده کار تنگ دست بود، باید مهلتی داد تا در کارش گشایشی شود». (بقره: ۲۸۰)

در سایه این فضیلت، روابط افراد مهرآمیز و گل های صداقت در جامعه شکوفا می شود، ولی در صورت رخت بستن این فرهنگ از جامعه، افراد جامعه برای فرار از مشکلات و سختی ها به دروغ و نیرنگ پناه می برند:

«الْعُسْرُ يُفْسِدُ الْأَخْلَاقَ؛ سخت گیری، اخلاق را تباه می سازد.» (۱) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سیره خود به این امر توجه داشت و هنگامی که معاذ بن جبل را برای دعوت و تبلیغ به سوی یمن فرستاد، به وی فرمود: «یا مَعَاذُ! بَشْرٌ وَ لَا تُنْفَرُ، یَسْرٌ وَ لَا تُعَسِّرُ؛ ای معاذ! بشارت ده و نفرت ایجاد نکن، آسان گیر باش نه سخت گیر.» (۲) شرط موفقیت کسانی که با مردم ارتباط مستقیم دارند، رعایت همین نکته دقیق و ظریف است.

رازداری

رازداری

از شرایط زندگی امن، نگه داری اسرار است. هر چه اسرار بیشتر فاش گردد، مشکلات نیز افزون تر می شود. مؤمن به همان اندازه که در برابر راز دیگران مسئول است، اسرار خود را نیز باید پوشیده دارد و اجازه ندهد کسی از آنها آگاه شود. امام علی علیه السلام می فرماید:

سِرُّكَ أَسِيرُكَ فَإِنْ أَفْشَيْتَهُ صِرْتَ أَسِيرَهُ. (۳)

راز تو، اسیر تو است، ولی همین که آن را فاش کنی، تو اسیر آن خواهی شد.

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید: «إِفْشَاءُ السِّرِّ سُقُوطٌ؛ فاش ساختن راز، [در حکم] سقوط زندگی است.» (۴)

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۷، ص ۳۱۱.

۲- سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۳۳۷.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۲۱.

۴- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۳۹.

گاه افشای راز مانع کام یابی و موفقیت انسان می شود؛ زیرا دشمنان و حسودان با آگاهی از اسرار وی می کوشند موانعی بر سر راهش ایجاد کنند و میان او و مقصودش فاصله اندازند. امام علی علیه السلام می فرماید: «أَنْجَحُ الْأُمُورِ مَا أَحَاطَ بِهِ الْكَيْفَانُ؛ موفق ترین کارها آن است که پنهان بماند.» (۱) و نیز فرمود: «لَا بَأْسَ بِأَنْ لَا يُعْلَمَ سِرُّكَ؛ اشکالی ندارد که کسی از سر تو آگاه نباشد.» (۲)

بنابراین، آگاه ساختن دیگران از هر پیشامد یا هر کار و برنامه ای که قصد انجام دادن آن را داریم، درست نیست و اعتماد به هر کسی اشتباه است؛ زیرا چه بسا که بعضی به ویژه دوستان از اسرار فرد سوءاستفاده کنند. حضرت علی علیه السلام در جایی دیگر فرمود:

أُبْدِلُ لِصَدِيقِكَ كُلَّ الْمَوَدَّةِ وَلَا تَبْدُلْ لَهُ كُلَّ الطَّمَأْنِينَةِ. (۳)

همه محبت خود را نثار دوست کن، ولی هرگز به وی اعتماد نکن!

امام صادق علیه السلام نیز در این باره فرمود:

اگر با کسی دوست شوی، همه اسرار را به او مگو، تنها چیزهایی را با او در میان بگذار که اگر افشا شود، آسیب نبینی؛ زیرا هر دوستی ممکن است روزی دشمن شود. (۴)

۱- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۳۴.

۲- بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۲۹۶.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۲۱.

۴- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۷۱.

احترام به دیگران

احترام به دیگران

یکی از ارزش های اخلاقی که پایداری سلامت روابط انسانی در گرو آن است، احترام به دیگران است. پشتوانه این احترام، اعتقاد به ارزش هاست که اصول نخستین انسانیت را تشکیل می دهند. احترام به دیگران، در واقع احترام به خویشتن و ارزش های اخلاقی است.

احترام زن و شوهر به یکدیگر، احترام والدین به فرزندان و احترام فرزندان به والدین، احترام به مقدسات و احترام به شخصیت های برجسته، از بارزترین احترام ها در روابط انسانی است. البته احترام باید عاقلانه، شایسته و در خور شخصیت طرف مقابل باشد. پیامبر گرامی اسلام که شایسته ترین الگوی بشر است، به حفظ حرمت و شخصیت افراد بسیار توجه داشت. در روایت آمده است که: «مَا قَعِدَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَجُلٌ قَطُّ فَقَامَ حَتَّى يَقُومَ؛ اگر مردی وارد می شد و در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله می نشست، آن حضرت از مجلس بر نمی خاست تا وقتی که خود آن شخص بلند می شد.»^(۱) و هنگامی که با کسی دست می داد، دست خود را نمی کشید تا آن طرف دستش را بکشد.^(۲) ایشان احترام بسیار زیادی برای مهمان قائل می شد، به گونه ای که بدرقه مهمان تا در خانه، سنت ایشان بود. همچنین حضرت با مهمان خود غذا میل می فرمود و تا هنگامی که او از غذا خوردن دست نمی کشید، به خوردن ادامه می داد.^(۳)

۱- مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۱۵.

۲- بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۶.

۳- سنن النبی، ص ۶۷.

اگر کسی خدمت ایشان می‌رسید و آن حضرت مشغول نماز بود، نمازش را کوتاه می‌کرد و به پایان می‌رسانید. سپس درخواست آن شخص را می‌پرسید و پس از برآوردن خواسته او، به نماز می‌ایستاد. (۱)

توبه و بازگشت

توبه و بازگشت

در دستوره‌های دینی همواره از انسان خواسته شده که پس از ارتکاب گناه به راه بندگی باز گردد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «کسی که از گناه توبه کند، مانند کسی است که گناه نکرده است و کسی که بر گناه اصرار می‌ورزد و در عین حال از آن توبه می‌کند، گویا خدا را مسخره می‌کند». (۲)

پیامبر گرامی اسلام نیز در سفارش به توبه و بازگشت به سوی خدا فرمود: «اگر آن قدر گناه کنید که به آسمان برسد، سپس پشیمان شوید و توبه کنید، همانا خداوند با نظر رحمت به شما رو آورد». (۳) و امام علی علیه السلام در سخنی، شیوه فروتنی و زاری و توبه را چنین به پیروانش می‌آموزد:

بار خدایا! گناهای را که از من به آنها داناتری، بر من ببخش. پس اگر به گناه بازگشتم، تو نیز به آمرزش باز گرد.

خداوند! آنچه اعمال نیکو وعده کردم و نزد من وفایی به آن نیافتی، بر من ببخش.

پروردگارا! آنچه به وسیله آن با زبانم به تو تقرب جستم، پس دلم با آن مخالفت ورزید، بر

۱- محجه البیضاء، ج ۴، ص ۱۳۵.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۳۵.

۳- محجه البیضاء، ج ۷، ص ۲۴.

خداوند! نگاه های اشارت آمیز، گفتارهای ناهنجار، خواهش های دل و لغزش های زبان را بر من ببخش. (۱)

آینده نگری

آینده نگری

آینده نگری از نشانه های خرد است که آدمی را از افتادن در گرداب تباهی حفظ می کند. انسان های آینده نگر پس از سنجیدن اوضاع و شرایط دست به انجام کاری می زنند، ولی کوتاه بینان بدون توجه به فرجام کار، آن را انجام می دهند که این امر سبب عقب افتادن، پشیمانی و سرگردانی آنان می شود. امام علی علیه السلام می فرماید: «أَعْقَلُ النَّاسِ أَنْظَرُهُمْ فِي الْعَوَاقِبِ؛ داناترین مردم کسی است که بیش از همه به فرجام کار بنگرد.» (۲) آن حضرت در کلامی دیگر می فرماید: «لَا عَقْلَ كَالْتَدْبِيرِ؛ هیچ عقلی مانند دوراندیشی و آینده نگری نیست.» (۳)

انسان مؤمن و خردمند، دوراندیش است و پس از سنجیدن شرایط تصمیم می گیرد. در نتیجه، از بسیاری آسیب ها در امان می ماند. آمده است که حضرت آدم علیه السلام در سفارش به وصی خود، حضرت شیث، فرمود:

إِذَا عَزَمْتُمْ عَلَىٰ أَمْرٍ فَأَنْظُرُوا إِلَىٰ عَوَاقِبِهِ فَإِنِّي لَوْ نَظَرْتُ فِي عَاقِبِهِ أَمْرِي لَمْ

۱- نهج البلاغه، خطبه ۷۶.

۲- غرر الحکم، ص ۵۲.

۳- غرر الحکم، ص ۴۷۵.

يُصْنِي مَا أَصَابَنِي. (۱)

هرگاه تصمیم به انجام کاری گرفتید، پایان آن را بنگرید؛ زیرا اگر من به سرانجام کارم (خوردن از درخت ممنوعه) اندیشیده بودم، به سرم نمی آمد آنچه آمد.

امیر خردمندان، علی علیه السلام نیز در روایتی ارزشمند می فرماید:

إِنَّمَا الْعَقْلُ التَّجَنُّبُ مِنَ الْإِثْمِ وَالنَّظَرُ فِي الْعَوَاقِبِ وَالْأَخْذُ بِالْحَزْمِ. (۲)

خردمندی، همان دوری از گناه، نگریستن در فرجام کارها و سنجیده راه رفتن است.

بدین ترتیب، بسیاری از لغزش ها، نتیجه شتاب زدگی، کنترل نکردن احساسات و نیندیشیدن در پایان کارهاست. پس با قدری درنگ و اندیشیدن درباره آثار و فرجام کار، می توان راه درست را برگزید، چنان که حضرت علی علیه السلام فرمود: «اگر در سرانجام کاری بیندیشی، پایان نیکو خواهد داشت». (۳)

یاد خدا

یاد خدا

یاد خدا، کلید خوبی هاست. خداوند از انسان دور نیست، ولی افرادی که پیوسته به یاد او هستند، حضور او را بیشتر و نزدیک تر حس می کنند. حضرت موسی علیه السلام در مقام مناجات، به خداوند عرض کرد: «يَا رَبِّ أَقْرَبُ أَنْتَ مِنِّي فَأُنَاجِيكَ أَمْ بَعِيدٌ فَأُنَادِيكَ؟ ای پروردگار من! آیا تو نزدیک هستی که با تو نجوا کنم یا دور

۱- بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۴۵۳.

۲- غرر الحکم، ص ۵۱.

۳- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۳۸۵.

هستی که صدایت بزدم؟» خطاب رسید: «أَنَا جَلِيسٌ مَنْ ذَكَرْنِي؛ من هم نشین کسی هستم که به یاد من باشد.» پس موسی علیه السلام عرض کرد: «فَمَنْ فِي سِتْرِكَ يَوْمَ لَا سِتْرَ إِلَّا سِتْرُكَ؟ فَقَالَ: الَّذِينَ يَذْكُرُونَنِي فَأَذْكُرُهُمْ وَ يَتَحَابُّونَ فِي فَأُحِبُّهُمْ فَأَوْلِيكَ الَّذِينَ إِذَا أَرَدْتُ أَنْ أَصِيبَ أَهْلَ الْأَرْضِ بِسُوءٍ ذَكَرْتُهُمْ فَدَفَعْتُ عَنْهُمْ بِهِمْ؛ خدایا! در روزی که پوششی جز پرده تو نیست، چه کسی در پوشش [امان] تو خواهد بود؟ خداوند فرمود: کسانی که مرا یاد می کنند، یادشان می کنم و کسانی که یکدیگر را به خاطر من دوست می دارند، دوستشان می دارم. اینان کسانی هستند که وقتی اراده کنم که به ساکنان زمین بدی برسانم، آنها را یاد می کنم و به سبب آبرویی که نزد من دارند، شرّ و بدی را از اهل زمین دور می سازم.» (۱)

به طور معمول، انسان ها با فراموشی یاد خداوند، به گناه و نافرمانی او آلوده می شوند، در حالی که اگر به یاد خدا باشند، هیچ گاه فریب شیطان را نمی خورند. بنابراین، در همه حال، به ویژه در لغزشگاه ها باید به یاد خدا بود و از نافرمانی خالق هستی و کيفر وی ترسید. حاصل این توجه و ترس شایسته، رسیدن به آگاهی و چیره شدن بر نفس اماره و شیطان است.

اقامه نماز

اقامه نماز

نماز از مهم ترین ارکان دین اسلام و به پا داشتن آن، مایه خشنودی خداوند است. نماز، عامل ایجاد پیوند و ارتباط بندگان با خداست که برای حفظ این پیوند، باید حتی تا آخرین لحظه عمر به این ریسمان آویخت. پیامبر اسلام فرمود:

خداوند، نماز را نور چشم من قرار داده و آن را محبوب من ساخته است، آن گونه که گرسنه را بر غذا و تشنه را به آب مشتاق کرده است. گرسنه وقتی

غذا می خورد، سیر می شود و تشنه پس از نوشیدن آب، سیراب می گردد، ولی من هیچ گاه از نماز سیر نمی شوم. (۱)

همچنین می فرماید:

نخستین عمل بنده که روز قیامت به آن رسیدگی می شود، نماز اوست. در صورت پذیرفته شدن آن، اعمال دیگر او نیز بررسی می شود، ولی اگر نمازش پذیرفته نشد، اعمال دیگرش هم ارزشی ندارد. (۲)

اگر کسی را در حال بازی با قطعه ای الماس گران بها ببینید، درباره او چه فکر می کنید، جز اینکه می گوید او یا ارزش این گوهر گران بها را نمی داند یا دیوانه است؟ حال اگر کسی به مهم ترین تکلیف دین که پیامبر، آن را نور چشم خود خوانده است، بی توجهی کند، درباره او چه قضاوتی باید کرد؟ حضرت علی علیه السلام درباره این افراد می فرماید:

تَكَاسُلُ الْمَرْءِ فِي الصَّلَاةِ مِنْ ضَعْفِ الْإِيمَانِ. (۳)

سهل انگاری فرد در به جا آوردن نماز، از سستی ایمان است.

کنترل زبان

کنترل زبان

عیب جویی از مردم، طعنه زدن به دیگران، ناسزا، سخن بیهوده، غیبت و سخن چینی، از گناہانی است که با زبان انجام می شود و مسلمان متعهد می کوشد با کنترل زبان، از آنها در امان بماند. اگر زبان کنترل نشود، چه بسا سرچشمه بسیاری از جنایت ها باشد و حتی صاحب خود را به هلاکت

۱- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۶۷.

۲- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۴۷.

۳- فضایل و رذایل، ص ۱۰، به نقل از: شیخ حر عاملی، اثنی عشریه، ص ۱۴.

اندازد. کمترین زیان کنترل نکردن زبان برای افراد پرحرف، مشهور شدن به زیاده گویی در اجتماع و بی ارج و قدر شدن سخنانشان است. در برابر، کمترین بهره ای که افراد کم حرف از کنترل زبان خود می برند، بزرگی و شکوه یافتن در نظر مردم و جلب محبت آنان به خود است. حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

از نشانه های فهم، بردباری و دانش و سکوت است. سکوت، دری از درهای حکمت است که محبت را به سوی خود می کشد و هدایت کننده به سوی هر خیری است. (۱)

زبان افسار گسیخته، حق و ناحق را با یکدیگر درمی آمیزد، فساد در سخنش راه می یابد، گاه در راه حق و گاه در مسیر باطل می رود، ولی فرد کم گو، حتی اگر سخن نگفته باشد، سخن بیهوده نیز بر زبان جاری نکرده و هر چند اصلاحی نکرده، فساد هم مرتکب نشده است. از امام باقر علیه السلام نقل شده که حضرت داوود به حضرت سلیمان علیه السلام فرمود:

فرزندم! از خنده زیاد بپرهیز که انسان را در روز قیامت بی ارزش می سازد. فرزندم! جز در کار خیر، سکوت اختیار کن؛ زیرا پشیمانی از سکوت، یک مرتبه است و این یک بار پشیمانی، بهتر از بارها پشیمانی بر اثر سخن گفتن زیاد است. فرزندم! اگر سخن گفتن، نقره باشد، سزاوار است که سکوت، طلا باشد. (۲)

حضرت امام صادق علیه السلام روایت می کند که عربی بیابانی خدمت پیامبر

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۱۳.

۲- بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۳۵.

رسید و عرض کرد: آیا جز این است که تو در میان ما بهترین شخص از نظر پدر و مادر هستی؟ بهترین بازمانده گذشتگانی و از جاهلیت تا به حال سرور ما هستی. حضرت از شنیدن این سخنان به شدت برآشفته و از وی پرسید: ای اعرابی، خداوند برای زیانت چند حجاب آفریده است؟ او گفت: دو حجاب. لب‌ها و دندان‌ها. حضرت فرمود: آیا هیچ کدام از این دو حجاب نتوانستند زبان تو را درباره ما نگه دارند؟ آگاه باشید که به راستی، به انسان چیزی زیان بارتر از رهایی زبانش داده نشده است. یا علی، برخیز و زبانش را بپُر. مردم و یاران حضرت گمان کردند که حضرت علی علیه السلام زبان او را خواهد برید، ولی حضرت چند درهم به او داد. (۱)

بسیاری از رنج‌هایی که به اعضای بدن انسان می‌رسد، به دلیل خیانت زبان است که اگر اصلاح نشود، همچنان اعضا و جوارح از سوی آن در آزار و شکنجه خواهند بود. امام سجاد علیه السلام در این باره می‌فرماید:

هر صبح، زبان انسان به دیگر اعضای بدن توجه می‌کند و می‌پرسد: چگونه صبح کردید؟ می‌گویند: اگر تو ما را رها کنی، به خیر هستیم؛ تو را به خدا! تو را به خدا! این گونه زبان را سوگند می‌دهند و می‌گویند: به وسیله تو به پاداش نیک یا فرجام عذاب آور خواهیم رسید. (۲)

بنابراین، باید همواره به یاد داشت که «ما يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ؛ سخنی (از خیر و شر) بر زبان نیاورد، مگر اینکه همان لحظه مراقبانی بر او حاضر هستند». (ق: ۱۸)

۱- بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۸۶.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۲۵.

وفای به عهد

وفای به عهد

از نشانه های درستکاری انسان، وفای به عهد است. کسی که نمی خواهد یا نمی تواند به وعده خود وفا کند، بهتر است به دیگران وعده ندهد؛ زیرا وعده دادن، مسئولیت آفرین و پذیرفتن این مسئولیت، دشوار است.

حضرت امام صادق علیه السلام می فرماید:

در سه چیز، عذر و بهانه هیچ کس پذیرفته نیست: امانت داری در حق مؤمن یا کافر؛ وفای به عهد با افراد خوب یا بد؛ نیکی به پدر و مادر _ خواه شایسته باشند یا گناه کار _ (۱).

پیمان شکن در حقیقت بی ایمان است، چنان که امام علی علیه السلام می فرماید:

مَا أَتَقَنَّ بِاللَّهِ مَنْ لَمْ يَزَعْ عَهْدَهُ. (۲)

کسی که به پیمان هایش عمل نمی کند، به خداوند یقین ندارد.

آن حضرت، وفای به پیمان را از بزرگی و شرافت آدمی شمرده است:

أَشْرَفُ الْهَمَمِ رِعَايَةُ الذَّمَامِ. (۳)

شریف ترین همت ها، وفا کردن به پیمان است.

و در سخنی دیگر نیز فرموده است:

آفَةُ الْعَهْدِ قِلَّةُ الرَّعَايَةِ. (۴)

۱- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۷۰.

۲- غرر الحکم درر الکلم، ص ۲۵۳.

۳- بحار الانوار، ج ۲، ص ۴۴۷.

۴- بحار الانوار، ج ۲، ص ۴۴۷.

آفت پیمان ها، کم وفایی به آنهاست.

در آموزه های دینی، بدقولی با کافر و دشمن خدا نیز روا دانسته نشده است. به هر صورت، چنین اخلاق پسندیده ای از ایمان نیکوی مسلمان برمی خیزد؛ همان گونه که امام علی علیه السلام فرمود:

إِنَّ حُسْنَ الْعَهْدِ مِنَ الْإِيمَانِ. (۱)

وفاداری به عهد و پیمان، جزو ایمان است.

در روایتی ابومالک از امام سجاد علیه السلام می خواهد که حضرت تمام و عصاره دستورهای دین را برای وی بیان کند. ایشان می فرماید: «گفتار حق، حکم کردن به عدالت و وفای به عهد است». (۲)

و پیامبر گرامی نیز می فرماید:

فردا کسی از همه به من نزدیک تر است که راست گوترین مردم، خوش اخلاق ترین آنها، کوشاترین ایشان در ادای امانت و وفای به عهد و دارای محکم ترین رابطه با مردم باشد. (۳)

۱- بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۲۵.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۱۶.

۳- بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۱.

ارتباط با خویشان

ارتباط با خویشان

پاداش صله رحم و برکت های گفته شده برای پیوند با خویشاوندان، در اسلام به اندازه ای است که به گمان برخی، در بیان آن زیاده روی شده است، پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

هر کس حق نزدیکان و پدر و مادر خود را رعایت کند، خداوند در بهشت هزار هزار درجه به او می بخشد که فاصله هر درجه با درجه دیگر، به اندازه صد سال دویدن اسب اصیل و تندرو است. (۱)

پاداش صله رحم، فقط در آخرت نیست، بلکه در دنیا نیز برای ارتباط نیکو با بستگان، برکت های ویژه ای بیان شده است.

یکی از نعمت ها و همچنین آرزوی امامان معصوم علیهم السلام در دعاهایشان، درخواست طول عمر از خداوند بود. از جمله چیزهایی که عمر را دراز می کند، صله رحم است. رسول اسلام می فرماید:

گاه از عمر انسان سه سال باقی مانده است، ولی وی صله رحم به جا می آورد و خداوند بدین واسطه، عمر او را به سی و سه سال می رساند و چه بسا سی و سه سال از عمر انسان باقی مانده و چون قطع رحم می کند، خداوند عمر او را به سه سال کاهش می دهد. (۲)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

نیکویی، انسان را از مرگ های بد در امان می دارد؛ صدقه، خشم پروردگار را فرومی نشاند و صله رحم بر عمر انسان می افزاید و فقر و تنگ دستی را از وی

۱- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۹۰.

۲- وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۵۳۷.

دور می کند. (۱)

حضرت علی علیه السلام به نوف بکالی فرمود: «ای نوف! صله رحم به جای آور که خداوند بر عمرت می افزاید». (۲)

اسلام حتی به برقراری کمترین ارتباط اهمیت داده است، چنان که پیامبر اسلام می فرمود:

صَلُّوا أَرْحَامَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَوْ بِسَلَامٍ. (۳)

ارتباط خود را با نزدیکان و خویشاوندانتان در دنیا، گرچه با یک سلام حفظ کنید.

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

به نزدیکان خود، نیکی کن، گرچه با مقداری آب آشامیدنی باشد. بهترین صله رحم، آزار ندادن خویشان است. صله رحم، مرگ انسان را به تأخیر می اندازد و سبب دوستی و محبت میان خویشاوندان خواهد شد. (۴)

از سوی دیگر اسلام، محبت و صله رحم را فقط ویژه خویشاوندان مهربان و یکدل نمی داند، بلکه بالاتر از آن، به نیکی و صله رحم با بستگانی هم که با انسان دشمنی دارند، سفارش کرده است. یکی از اطرافیان امام صادق علیه السلام می گوید: امام در آستانه جان دادن بود و من در خدمت ایشان

۱- بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۲۷۴.

۲- بحارالانوار، ج ۴، ص ۱۲۱.

۳- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۰۴.

۴- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۵۱.

بودم. ناگهان حضرت بی هوش شد. وقتی به هوش آمدم، فرمود: «به حسن بن علی بن علی بن الحسین (همان افطس معروف که از مخالفان امام صادق علیه السلام بود) هفتاد دینار بدهید. به فلان شخص این مقدار و فلان شخص فلان مقدار و...». عرض کردم: آیا به کسی بخشش می فرمایید که با سلاح جنگی، به شما حمله کرده و قصد کشتن آن را داشته است؟ حضرت فرمود: «آیا نمی خواهی من جزو کسانی باشم که خداوند متعال در مورد آنان فرمود: به افرادی که خداوند به نیکی با آنان دستور داده است، نیکی می کنند، از خدای خود می ترسند و از سختی حساب در پیشگاه عدل الهی وحشت دارند. (رعد: ۲۱) آری ای سالمه! خداوند بهشت را با بوی خوشی آفریده که از مسافت دو هزار سال نیز استشمام می شود، ولی دو گروه از استشمام بوی بهشت حتی از این مسافت محروم هستند: عاق والدین و قطع کننده رحم».^(۱)

بنابراین، جدایی از خویشان و دوری آنها از یکدیگر روا نیست و آثار بدی در پی دارد. ابو حمزه ثمالی می گوید:

امیر مؤمنان، علی علیه السلام، در خطبه ای فرمود: «پناه می برم به خدا از گناهی که سبب مرگ زودرس می شوند.» در این میان ابن کوا برخاست و گفت: آیا گناهان سبب مرگ زودرس می شوند؟ فرمود: «بلی، وای بر تو! گناه بریدن از خویشان. [چه بسا] خاندانی بدکار و گنه کار بوده اند که با یکدیگر هم نشینی و رفت و آمد داشتند و خداوند بدین خاطر بر روزی آنها افزود [است] و خاندانی پاک و باتقوا بودند، ولی به خاطر دوری از یکدیگر و بریدن از

خویشان، خداوند از روزی شان کاست». (۱)

شهوۃ گریزی

شهوۃ گریزی

از لغزش گناه‌های بشر، شهوۃ رانی نابجا و بی حد و مرز است. شهوۃ‌ها و هواهای نفسانی از جنبه حیوانی آدمی برمی‌خیزد و خردورزی از آثار جنبه ملکوتی اوست. روح الهی که در جسم خاکی آدمی دمیده شده، با هدایت عقل به کمال می‌رسد و او را ملکوتی می‌کند، ولی خواسته‌های حیوانی اگر از مرز بگذرند، به سقوط انسان می‌انجامد. از این رو، خردمند کسی است که در سرایشی شهوۃ‌ها نلغزد. اگر عقل کامل باشد و به حیوانی بودن شهوۃ پی‌ببرد، خود به خود از آن می‌گریزد. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

إِذَا كَمَلَ الْعَقْلُ نَقَصَتِ الشَّهْوَةُ. (۲)

هرگاه عقل به کمال برسد، هوس‌ها کم می‌شود.

خردمندان، از گناه دوری می‌کنند و خود را به زشتی‌ها نمی‌آلایند. از این رو، می‌توان ادعا کرد که بیشتر مجرمان و گناه‌کاران، نابخردان و ناآگاهان هستند، چنان‌که امام خردمندان می‌فرماید:

عَرِيْزَةُ الْعَقْلِ تَأْتِي دَمِيْمَ الْفِعْلِ. (۳)

نیروی سرشار عقل، آدمی را از زشت کاری بازمی‌دارد.

و در سخنی دیگر فرمود: «مَنْ قَدَّمَ عَقْلَهُ عَلَى هَوَاهُ حَسُنَتْ مَسَاعِيهِ؛ کسی که عقلش

۱- محجه البيضاء، ج ۳، ص ۴۳۲.

۲- غرر الحکم، ص ۵۲.

۳- غرر الحکم، ص ۵۳.

را بر هوای نفسش مقدم دارد، کارهایش نیکو می گردد. (۱) به راستی اگر چراغ خرد روشن باشد و سیاهی گناه بر نور آن چیره نشود، آدمی گرد گناه و خواسته های نفسانی نمی رود، که مولای پارسایان فرمود:

أَلْعَاقِلُ مَنْ قَمَعَ هَوَاهُ بِعَقْلِهِ. (۲)

خردمند کسی است که با عقل خود، هوای سرکش را سرکوب سازد.

مشورت

مشورت

هر قدر درک و خرد انسان قوی باشد، باز هم از مشورت با دیگران بی نیاز نیست. خردمند در کنار استفاده از هوش خود، از نظریه های دیگران نیز بهره می برد تا کمتر دچار لغزش و اشتباه شود. علی علیه السلام می فرماید:

أَلَا وَإِنَّ اللَّيْبَ مَنْ اسْتَقْبَلَ وُجُوهَ الْآرَاءِ بِفِكْرِ صَائِبٍ وَ نَظَرٍ فِي الْعَوَاقِبِ. (۳)

به راستی که خردمند کسی است که از نظریه درست دیگران استقبال کند و آینده نگر باشد.

نیز فرمود:

حَقٌّ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يُضِيفَ إِلَى رَأْيِهِ رَأْيَ الْعُقَلَاءِ وَيُضَمَّ إِلَى عِلْمِهِ عُلُومَ الْحُكَمَاءِ. (۴)

سزاوار است که خردمند، نظر خردمندان را به نظر خویش بیفزاید و دانش

۱- غرر الحکم، ص ۵۳.

۲- غرر الحکم، ص ۵۴.

۳- غرر الحکم، ص ۵۵.

۴- غرر الحکم، ص ۵۵.

حکیمان را با دانش خود همراه سازد.

انسانی که تنها به اندیشه خویش تکیه کند و خود را از هم فکری با دیگران بی نیاز بداند، گرفتار خود کامگی می شود که از خرد و کام یابی به دور است. به طور معمول، وقتی انسان در چارچوبی که خودش ساخته است، قرار می گیرد، نمی تواند عیب و کاستی کار خود را ببیند، بلکه به چراغی از بیرون نیاز دارد تا او را هدایت کند. شکستن دیوار خودمحوری، انسان را سریع تر، آسان تر و از راه درست به مقصد می رساند. بنابراین، بهره گیری از نظریه دیگران و مشورت با افراد باتجربه و فهمیده، کلید رستگاری است. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

أَلْعَاقِلُ مِنْ إِيْتَهُمْ رَأْيَهُ وَ لَمْ يَتَّقِ بِكُلِّ مَا تَسْأَلُ لَهُ نَفْسُهُ. (۱)

خردمند کسی است که فکر خود را متهم سازد و به هر آنچه خود می پسندد، اعتماد نکند.

سخن پسندیده

سخن پسندیده

به زبان آوردن سخنان زشت و سبک، از وقار آدمی می کاهد. حتی در برخورد با دشمنان نیز شایسته است با ادب و به نرمی سخن گفته شود. خدای کریم در قرآن مجید می فرماید: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا؛ با مردم نیکو سخن بگویید.» (بقره: ۸۳) و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا؛ ای مؤمنان! از خدا بترسید و درست سخن بگویید.» (احزاب: ۷۰)

خوش صحبتی و شیرین کلامی در گفت و گوهای اجتماعی، انسان را از سرزنش دیگران در امان می دارد و بر شمار دوستانش می افزاید.

امام علی علیه السلام می فرماید:

عَوْدُ لِسَانِكَ حُسْنِ الْكَلَامِ تَأْمِنِ الْمَلَامِ. (۲)

۱- غرر الحکم، ص ۵۵.

۲- غرر الحکم، ص ۲۱۰.

زبان خود را به سخن نیکو عادت بده تا از سرزنش دیگران در امان باشی.

و در سخنی دیگر می فرماید:

عَوْدُ لِسَانِكَ لِيْنِ الْكَلَامِ وَ بَدَلِ السَّلَامِ يَكْثُرُ مَحْبُوكَ وَ يَقِلُّ مُبْغِضُوكَ. (۱)

زبان را به نرمی در سخن و به سلام کردن عادت بده تا دوستان فراوان و دشمنان اندک گردند.

روایت کرده اند که مردی لگام مرکب رسول خدا صلی الله علیه و آله را گرفت و گفت: «یا رَسُولَ اللَّهِ! أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ؟» کدام کار از همه برتر است؟» حضرت فرمود: «إِطْعَامُ الطَّعَامِ وَ إِطْيَابُ الْكَلَامِ؛ به نیازمندان غذا دادن و نیکو سخن گفتن». (۲)

به راستی، وقتی می توانیم با سحر سخن، بر شمار دوستان بیفزاییم، چرا چنین نمی کنیم؟ چنان که علی علیه السلام فرمود: «مَنْ عَذَّبَ لِسَانَهُ كَثُرَ إِخْوَانُهُ؛ دوستان آدم شیرین زبان (نه چاپلوس) بسیار می شوند». (۳)

خویشتن داری

خویشتن داری

آدمی باید در همه حال، به ویژه در سه مورد، مالک نفس خویش باشد: نخست، هنگام خشم؛ دوم، هنگام اشتیاق برای انجام دادن کاری و سوم، در زمان ترس. خشم عامل بسیاری از خطاهاست و شخص خشمگین در حال

۱- غرر الحکم، ص ۴۳۵.

۲- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۱۲.

۳- غرر الحکم، ص ۴۳۶.

خشم، در بهره گیری از خرد ناتوان است. از این رو، تصمیم هایی می گیرد که عقل هیچ نقشی در آن ندارد. همچنین خشنودی و اشتیاق بسیار زیاد یا ترس شدید از کسی یا چیزی، ممکن است نفس را به اعمال نابخردانه ای وادارد. بنابراین، انسان خردمند باید با حفظ آرامش، بهترین بهره ها را از عقل برد و کنترل احساسات و قوای حیوانی، دلیل سلامت و کمال عقل است. از آشکارترین ویژگی های انسان خردمند، خویشتن داری است. در این حال، عقل او می تواند قدرتمندانه بر قوای حیوانی چیره شود و زمام اختیار خود را در دست گیرد. این خویشتن داری باید در گاه شادی و غم، بیم و امید، درد و سلامت و مانند آن، با انسان باشد. امام علی علیه السلام می فرماید:

أَلْعَاقِلُ مَنْ يَمْلِكُ نَفْسَهُ إِذَا رَغِبَ وَإِذَا رَهَبَ. (۱)

خردمند کسی است که در شادمانی و نگرانی، خویشتن دار باشد.

وقار و متانت

وقار و متانت

مؤمن همواره متانت و وقارش را در زندگی فردی و اجتماعی حفظ می کند و خود را از هر چیزی که متانتش را خدشه دار کند، دور می سازد. انجام برخی کارها آدمی را نزد دیگران بی قدر می گرداند؛ مانند غذا خوردن در سر راه، دویدن در جای نامناسب، خندیدن با صدای بلند در میان جمع، شوخی های زشت و نابجا، ژولیدگی و بی توجهی به آراستگی ظاهر، پوشیدن لباس های نامناسب و مانند اینها. چنین کارهایی به ویژه از افراد با ایمان ناپسندتر است. امام علی علیه السلام در ستایش وقار و متانت بسیار سخن گفته

است. آن حضرت می فرماید: «السَّكِينَةُ عُنْوَانُ الْعَقْلِ؛ وقار، نشانه عقل است.» (۱) همچنین فرمود: «إِنْ تَوَقَّزْتَ أُكْرِمْتَ؛ اگر وقار داشته باشی، گرامی می شوی.» (۲) آن حضرت، به شکوه و مقام انسان های باوقار در میان مردم، اشاره می کند و می فرماید: «بِالْوَقَارِ تَكْتُمُ الْهَيْبَةُ؛ با وقار، شکوه انسان بیشتر می شود.» (۳) بنابراین، عزت و بزرگی، میوه شیرین وقار است و خواری و سرزنش، پی آمد سبک سری. وقار و متانت به معنای خودبزرگ بینی نیست، بلکه برخورد احترام آمیز و آمیخته با شکوه و بزرگی با دیگران است که خردمندان، خود را زیرکانه به این زیور ارزشمند می آریند. همان گونه که امام علی علیه السلام فرمود: «الْوَقَارُ، حِلْيَةُ الْعَقْلِ؛ وقار، زیور عقل است.» (۴)

کسب و کار حلال

کسب و کار حلال

اسلام، مسلمانان را به کسب و کار حلال تشویق می کند و آن را بهترین عبادت می داند. در آموزه های روایی، به دست آوردن روزی حلال، بهترین راه بندگی خدا بیان شده است. امام علی علیه السلام می فرماید:

مِنْ تَوْفِيقِ الْحَرِّ اِكْتِسَابُهُ الْمَالَ مِنْ حِلِّهِ. (۵)

۱- غرر الحکم، ج ۲، ص ۲۵۰.

۲- غرر الحکم، ج ۲، ص ۲۵۰.

۳- غرر الحکم، ج ۲، ص ۲۵۰.

۴- غرر الحکم، ص ۲۵۵.

۵- غرر الحکم، ص ۳۵۴.

از توفیقات انسان آزاده، به دست آوردن مال از راه حلال است.

روزی پاک و حلال بر روح و روان آدمی اثر مثبت می گذارد. در مقابل، لقمه ناپاک یا شبهه ناک، روان وی را تیره می سازد، مانع پذیرفته شدن اعمال می شود، قلب بنده را سخت و او را نسبت به عبادت و به ویژه نماز بی توجه می کند، لذت عبادت خدا را از دلش می برد و از خداوند دورش می سازد. از این رو، امام علی علیه السلام در هشدار می فرماید: «إِحْفَظْ بَطْنَكَ وَفَرْجَكَ مِنَ الْحَرَامِ؛ شکم و اعضای جنسی خود را از حرام حفظ کن.»^(۱) آن حضرت در نکوهش به دست آوردن درآمد از راه نامشروع، می فرماید: «بِئْسَ الْكُسْبُ الْحَرَامُ؛ بد کسبی است، کسب و کار حرام.»^(۲) امام پرهیزکاران، بهترین پارسایی را دوری از مال حرام می داند و می فرماید: «لَا زُهَيْدًا كَالْكَفِّ عَنِ الْحَرَامِ؛ هیچ پارسایی مانند پرهیز از مال و غذای حرام نیست.»^(۳) بنابراین، مال حلال گرچه اندک و ناچیز باشد، بر تمام ثروت های بادآورده و حرام برتری دارد، ولی متأسفانه برخی مردم فقط در پی به دست آوردن مال هستند، بدون آنکه توجه داشته باشند از چه راهی و چگونه به دست می آید.

رفق و مدارا

رفق و مدارا

رفق و مدارا خصلتی پسندیده و به معنای نرمی و مهربانی و با لطف و محبت رفتار کردن است. برخورد نرم و مهرآمیز در روابط اجتماعی، بسیار

۱- غرر الحکم، ص ۲۳۹.

۲- غرر الحکم، ص ۳۵۵.

۳- غرر الحکم، ص ۲۷۶.

اثرگذار و کارآمد و زداینده بسیاری از کینه‌ها و آرام‌کننده طوفان مخالفت‌هاست. در آموزه‌های روایی آمده است:

إِنَّ الرَّفْقَ لَمْ يُوضَعْ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ وَلَا تُنزعَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا شَانُهُ. (۱)

نرمی بر چیزی نهاده نشد، جز آنکه به او زینت بخشید و از چیزی سر برنتافت، جز اینکه آن را بی مقدار ساخت.

انسانی که سوار بر مرکب مهربانی در مسیر مدارا پیش رود، زودتر به مقصد می‌رسد و یاران فراوانی می‌یابد.

تمام پیشوایان دین، بارها به این فضیلت اخلاقی سفارش کرده‌اند؛ از جمله امام صادق علیه السلام نرمی و سازش را از ارکان

ایمانِ سودمند شمرده و فرموده است: «خُلِقَ يُدَارِي بِهِ النَّاسَ؛ سومین نشانه ایمانِ نافع، مدارا با مردم است». (۲)

در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز، مهربانی و سازش با مردم ویژگی برجسته آن حضرت و شایسته پیروی است: «وَأَمَّا

الَّتِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَهُوَ أَنْ يُدَارِيَ النَّاسَ وَيُعَامِلَهُمْ بِالْأَخْلَاقِ الْحَنِيفِيَّةِ؛ روشی که باید از پیامبر اکرم صلی

الله علیه و آله آموخت، سازش با مردم و رفتار کردن با آنان با اخلاق اسلامی و شایسته است». (۳)

در همه جنبه‌های مادی و معنوی زندگی، نرمی، مهربانی و سازش شرط کام‌یابی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می

فرماید:

۱- المحججه البيضاء، ج ۵، ص ۳۲۲.

۲- تحف العقول، ص ۲۳۹.

۳- تحف العقول، ص ۲۳۰.

مُدَارَاهُ النَّاسِ نِصْفُ الْإِيمَانِ وَ الرَّفْقُ بِهِمْ نِصْفُ الْعَيْشِ. (۱)

نیمی از ایمان در مدارا با مردم و نیمی از زندگی، مهربانی با آنان است.

آن حضرت در کلامی دیگر می فرماید:

أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاهِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِدَاءِ الْفَرَائِضِ. (۲)

خداوند مرا به مدارا با مردم امر کرده، همان گونه که به انجام واجبات فرمان داده است.

تغافل

تغافل

تغافل یا خود را در برابر لغزش های دیگران بی خبر نشان دادن، جایگاه ویژه ای در مباحث تربیتی دارد. این فضیلت اخلاقی، با بخشش و گذشت هم ردیف است. با این تفاوت که در تغافل، انسان با دیدن کاستی و عیب طرف مقابل، وانمود می کند که از آن بی خبر است و آگاهی خود را پنهان می کند؛ چرا که حاضر نیست عیب کسی را به رخ او بکشد. این ویژگی اخلاقی، اگر به جا و به موقع به کار گرفته شود، طرف مقابل را تحت تأثیر محبت و بزرگواری انسان قرار می دهد. بنابراین، زمینه مناسبی برای اصلاح مجرمان و خطاکاران و علاقه مند ساختن آنان به ارزش های دینی و الهی است.

در روایات نیز به اهمیت و ارزش این ویژگی اخلاقی تأکید و سفارش شده است. امام صادق علیه السلام بخشی از آرامش زندگی را در گرو رعایت این

۱- تحف العقول، ص ۲۳۰؛ اصول کافی، ج ۲، ص ۱۱۷.

۲- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۴۰.

ارزش اخلاقی و انسانی دانسته و فرموده است:

صَلَاحُ حَالِ التَّعَايُشِ وَ التَّعَاشِرِ مِلُّ مِ كِيَالِ ثُلَاثَهٗ فِطْنَهٗ وَ ثُلَاثَهٗ تَغَاْفَلٌ. (۱)

صلاح زندگی و هم نشینی با مردم، همچون پیمانۀ پری است که دو سوم آن، زیرکی و یک سوم آن تظاهر به ندانستن است.

گاه افشاگری و اعلان یک اشتباه یا به رخ کشیدن عیب، نتیجه منفی می دهد و طرف مقابل را جسورتر و لجوج تر می سازد، در حالی که گذشت و چشم پوشی یا خود را به بی خبری زدن و نادیده گرفتن اشتباه و لغزش، اثر مثبت و سازنده دارد. امام علی علیه السلام این خصلت را نشانه کرامت و بزرگواری انسان می داند و می فرماید:

مِنْ أَشْرَفِ أَخْلَاقِ الْكَرِيمِ تَغَاْفَلُهُ عَمَّا يَعْْلَمُ. (۲)

از بهترین ویژگی های اخلاقی انسان بزرگوار، آن است که نسبت به آنچه می داند، خود را بی خبر نشان می دهد.

این آموزه تربیتی در زندگی اجتماعی و ارتباط با مردم، نقش مهمی در آسایش روحی دارد و اگر نباشد، بسیاری از اشتباه ها در زندگی جبران نخواهد شد.

امام علی علیه السلام در کلامی دیگر می فرماید:

مَنْ لَمْ يَتَغَاْفَلْ وَلَا يَعْضُ عَنْ كَثِيرٍ مِنَ الْأُمُورِ تَنَغَّصَتْ عَيْشَهُ. (۳)

۱- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۶۷.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۷، ص ۲۹۷.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج ۷، ص ۲۹۷.

آن که در زندگی، خود را به بی خبری نزند و بسیاری از امور را نادیده نگیرد، زندگی ناگواری خواهد داشت.

احسان و نیکی کردن

احسان و نیکی کردن

احسان، نیکی و خیر رساندن به دیگران بدون چشم داشت به دریافت پاداش است. این فضیلت اخلاقی و انسانی، از کارآمدترین راه کارهای دینی برای جذب مردم و دل شاد کردن آنان است. در قرآن کریم می خوانیم: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ؛ خداوند به عدالت و احسان فرمان می دهد.» (نحل: ۹۰) و در جای دیگر، در بیان ویژگی های پرهیزکاران آمده است: «وَ الْكَافِرِينَ الْعَظِيمِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ و فروخورندگان خشم و بخشاینندگان مردم، خداوند نیکوکاران را دوست می دارد.» (آل عمران: ۱۳۴)

در درون احسان، نوعی گذشت و ایثار نیز نهفته است؛ زیرا انسان نیکوکار نه در حد عدالت، بلکه فراتر از آن، با چشم پوشی از خطاها، به مردم نیکی می کند. بدین معنا که گذشت، پاسخ ندادن بدی با بدی است و عدل، دادن حق هر کسی به اوست، در حالی که احسان، بخشش بیش از شایستگی به افراد و پاسخ گرفتن کمتر از میزان از آنان است. (۱) احسان در حق مؤمنان ارزش است و ابزاری کارآمد برای جذب دشمنان:

وَ لَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَ لَا السَّيِّئَةُ ادْفَعِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ. (فصلت: ۳۴)

خوبی و بدی برابر نیستند، همواره به نیکوترین صورت پاسخ ده تا کسی که میان تو و او دشمنی است، چون دوست با تو مهربان گردد.

اصولاً احسان، زمینه ساز جلب محبت و جذب انسان هاست. گاه با قدرت و سلاح نمی توان کسی را رام کرد، ولی با نیکی و احسان می توان او را به راه آورد؛ چرا که گفته اند: «الْأَنْسَانُ عَبْدُ الْإِحْسَانِ؛ انسان، بنده احسان است.» (۱) همچنین احسان، رمز در اختیار گرفتن قلب ها و نزدیکی دل هاست: «بِالْإِحْسَانِ تُمْلِكُ الْقُلُوبَ.» (۲)

بدیهی است که وقتی کسی به دیگری نیکی می کند، عواطف او را نسبت به خود برمی انگیزد و این، حقیقتی انکارناپذیر است، چنان که پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قُلُوبَ عِبَادِهِ عَلَى حُبٍّ مِّنْ أَحْسَنَ إِلَيْهَا وَ بُغْضٍ مِّنْ أَسَاءَ إِلَيْهَا. (۳)

خداوند دل بندگانش را بر محبت کسی قرار داده که به آنها نیکی کند و بر کینه کسی قرار داده است که به آنها بدی کند.

در دورانی که عبدالله بن عباس، فرمانروای بصره، گرفتار آشوب ها شده بود، امام علی علیه السلام او را این گونه راهنمایی کرد: «فَحَادِثْ أَهْلَهَا بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِمْ؛ مردم آن دیار را با نیکی به ایشان، خرم و شاد گردان.» (۴) در نظام ارزشی اسلام، درباره برقراری روابط اجتماعی بر پایه احسان سفارش شده است و خداوند در قرآن مجید می فرماید: «أَحْسِنُ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ؛ همچنان که خدا به تو نیکی کرده، نیکی کن.»

۱- غررالحکم، ج ۷، ص ۶۹.

۲- غررالحکم، ج ۷، ص ۷۰.

۳- تحف العقول، ص ۴۳.

۴- نهج البلاغه، ترجمه: فیض الاسلام، ص ۸۶۷.

قانون انسانی احسان در اجتماع، از بسیاری قانون های دست و پاگیر دیگر، کارآمدتر است و با این روش، بسیاری از نابسامانی ها، سامان می یابد.

جوان مردی

جوان مردی

جوان مردی از گوهرهای گران قدر انسانی است. در آموزه های علوی که نموده های گوناگون آن سفارش شده است، الگوی جوان مردان جهان، علی علیه السلام دین داری را جوان مردی می داند و می فرماید: «مَنْ أَفْضَلِ الدِّينِ الْمُرُوءَةُ وَ لَا خَيْرَ فِي دِينٍ لَيْسَ لَهُ مُرُوءَةٌ؛ بهترین دین داری، جوان مردی است و دینی که در آن جوان مردی نباشد، خیری در آن نیست.»^(۱) در کلامی دیگر، صله رحم را هم از جوان مردی شمرده است: «الْمُرُوءَةُ تَعَهُدُ ذَوِي الْأَرْحَامِ؛ جوان مردی، پای بندی به خویشاوندان است.»^(۲) گسترش کارهای خیر و مهمان نوازی نیز از دیگر نموده های جوان مردی است: «الْمُرُوءَةُ بَيْتُ الْمَعْرُوفِ وَ قَرَى الضُّيُوفِ؛ جوان مردی، گسترش کارهای خوب و پذیرایی از مهمان است.»^(۳) از دیگر نشانه های جوان مردی، دوری از کارهای سبک و ناشایست است: «الْمُرُوءَةُ اجْتِنَابُ الرَّجُلِ مَا يَنْشِئُهُ؛ جوان مردی، دوری کردن شخص از هر چیزی است که او را بی مقدار می سازد.»^(۴) حضرت، نمونه های دیگر جوان مردی را

۱- غررالحکم، ج ۲، ص ۲۵۹.

۲- غررالحکم، ج ۲، ص ۲۵۹.

۳- غررالحکم، ج ۲، ص ۲۵۹.

۴- غررالحکم، ج ۲، ص ۲۵۹.

چنین برمی شمارد:

الْمُرُوَّةُ الْعَدْلُ فِي الْأَمْرِ وَالْعَفْوُ مَعَ الْقُدْرَةِ وَالْمُوَاسَاةُ فِي الْعُسْرَةِ. (۱)

جوان مردی، عدالت در حکومت و گذشت در هنگام قدرت و هم دردی با مردم به هنگام سختی است.

نمونه کامل جوان مردی، در سخنی زیبا کمال جوان مردی را چنین بیان می کند:

مِنْ تَمَامِ الْمُرُوَّةِ أَنْ تَنْسِيَ الْحَقَّ لَكَ وَ تَذُكُرَ الْحَقَّ عَلَيْكَ. (۲)

از کمال جوان مردی آن است که حقی را که بر دیگری داری، فراموش کنی و حقی را که دیگری بر تو دارد، از یاد نبری.

حفظ آبرو

حفظ آبرو

هم نشینی با افراد پست و بدکار، بدنامی و فرومایگی به بار خواهد آورد، چنان که هم نشینی با خوبان و بهره گیری از صفای دل و پاکی سیرت آنان، سبب پیشرفت و آبرومندی و نشانه خرد و آگاهی است. آبروی اشخاص، بسیار پربها و باارزش است و آسان و ارزان به دست نمی آید، چه بسا حاصل عمری عمل و رفتار شایسته باشد. از این رو، بسیار گران قدر است و برای نگه داری آن شایسته است که هر قیمتی را پرداخت و از هر کاری که نام انسان را به بدی بر سر زبان ها می اندازد و از هر گونه حرمت شکنی پرهیز کرد. آبروی افراد چنان اهمیت دارد که در صورت لزوم، باید برای حفظ آن از مال خود نیز هزینه کرد. امام علی علیه السلام می فرماید:

وَقُفُوا أَعْرَاضَكُمْ بِيَدْلِ أَمْوَالِكُمْ. (۳)

با بخشش اموالتان، آبروی خود را نگه دارید.

۱- غررالحکم، ج ۲، ص ۲۸۵.

۲- غررالحکم، ج ۲، ص ۲۸۵.

۳- غررالحکم، ج ۲، ص ۳۷۸.

باید توجه داشت که اموال از دست رفته بازمی گردند، ولی آبروی رفته به سادگی بازمی گردد. آن حضرت در ارزش آبرو نیز می فرماید:

مَنْ كَرَّمَ عَلَيْهِ عِرْضُهُ هَانَ عَلَيْهِ الْمَالُ. (۱)

هر کس آبرویش را دوست بدارد، [در راه حفظ آن] مال برایش بی ارزش است.

پس شایسته است که آدمی ثروت را فدای آبرو کند و از پستی و کم خردی است که دنیا را به آبرو ترجیح دهد. همان گونه که امام فرمود: «مِنَ اللُّؤْمِ أَنْ يَصُونَ الرَّجُلُ مَالَهُ وَ يَبْدُلَ عِرْضَهُ؛ از پستی انسان است که مال خود را حفظ کند و از آبرویش مایه بگذارد». (۲)

حساب رسی اعمال

حساب رسی اعمال

در آموزه های دینی بر حساب رسی اعمال بسیار سفارش شده است. بر این اساس، هر مؤمن خردمند باید با بررسی اعمال خود، از خوب و بد آن آگاه شود تا ضعف و قوت خود را دریابد و در برطرف ساختن کمبودهای خویش بکوشد و بهتر آن است که هر روز چنین کند؛ زیرا از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ. (۳)

از ما نیست کسی که هر روز به حساب اعمال و رفتار خود نرسد.

امام علی علیه السلام این حساب رسی را کاری خردمندانه دانسته و فرموده است:

۱- غررالحکم، ج ۲، ص ۳۷۱.

۲- غررالحکم، ج ۲، ص ۳۶۱.

۳- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۷۲.

عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يُخَصِّصَ عَلَى نَفْسِهِ مَسَاوِيَهَا فِي الدِّينِ وَالرَّأْيِ وَالْأَخْلَاقِ وَالْأَدَبِ فَيَجْمَعُ ذَلِكَ فِي صَدْرِهِ أَوْ فِي كِتَابٍ وَيَعْمَلُ فِي إِزَالَتِهَا. (۱)

بر خردمند است که ناشایستگی های خود را در مسائل دینی و اندیشه و اخلاق و ادب بررسی کند. پس آنها را در سینه خود یا در نوشته ای گرد آورد و برای برطرف ساختن شان بکوشد.

رشد و پیشرفت آدمی در گرو همین حساب رسی است؛ زیرا فردی که از ضعف و کاستی خود آگاه نباشد، هرگز در مقام اصلاح و تکمیل آن بر نمی آید، همان گونه که تاجر اگر از سود و زیان خود بی خبر باشد، ممکن است دچار ورشکستگی شود، در حالی که اگر حساب ها را به دقت زیر نظر داشت، می توانست جلوی زیان را بگیرد.

حق گرایی

حق گرایی

انسان به طور فطری، حق طلب است و باطل را نمی پسندد، ولی کم نیستند کسانی که خواسته های نفسانی خویش را حق مطلق می پندارند و حق را وقتی به زیانشان باشد باطل و نادرست می خوانند، چنان که در قرآن آمده است: «وَ أَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ». (مؤمنون: ۷۰)

آن که در صراط مستقیم گام برمی دارد، بیش از همه به حق گرایش دارد. در مکتب انسان ساز اسلام و آموزه های نورانی اهل بیت علیهم السلام، حق محوری، حرکت در مسیر حق و تسلیم حق بودن، از ویژگی های انسان کامل و خردمند شمرده شده است. حمایت از حق، به ویژه وقتی به زیان خود شخص باشد، دشوار، ولی با شکوه و عزت آفرین است و نباید از آن روی

گرداند. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «قُلِ الْحَقُّ وَ إِنْ كَانَ مُرًّا؛ حق را بگو، هر چند تلخ باشد».(۱)

خداوند، حق مطلق است و جهان را نیز بر اساس حق آفریده است. انسان نیز جزئی از جهان هستی است و نمی تواند بر خلاف نظام هستی سیر کند و به راه باطل درآید که در این صورت، زیان کار خواهد بود. پیشوای حق پرستان، حضرت علی علیه السلام می فرماید: «مَنْ صَارَعَ الْحَقَّ صَيَّرَعَهُ؛ هر کس با حق درآویزد، حق به زمینش می زند».(۲) بی شک راه حق و باطل از هم جداست و نمی توان در آن واحد هر دو را اختیار کرد، چنان که امام علی علیه السلام می فرماید: «لَا يَجْتَمِعُ الْبَاطِلُ وَالْحَقُّ؛ حق و باطل با هم جمع نمی شود».(۳)

انسان در طول زندگی، بارها در آزمون گزینش حق و باطل قرار می گیرد. در این حال شایسته است که به خاطر داشته باشد «الْحَقُّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ؛ حق سزاوارترین چیزی است که باید در پی آن رفت».(۴)

مؤمن در برابر حق سر تسلیم فرو می آورد و این رهنمود امام صادق علیه السلام را سرلوحه خود قرار می دهد که فرمود: «الْعَاقِلُ مَنْ كَانَ ذَلُولًا عِنْدَ إِجَابَةِ الْحَقِّ؛

۱- غررالحکم، ص ۷۰.

۲- غررالحکم، ص ۷۰.

۳- غررالحکم، ص ۶۹.

۴- غررالحکم، ص ۶۹.

خردمند کسی است که در برابر حق، نرم و تسلیم باشد» (۱).

هدف مندی

هدف مندی

آفرینش جهان هستی هدف دار بوده و هیچ چیز در آن بی منظور و بیهوده آفریده نشده است. این هدف و نظم خردمندان در همه اجزای جهان، از ریز و درشت و خرد و کلان، به چشم می خورد و انسان نیز به عنوان جزئی از عالم هستی، موجودی هدف مند است. وی برای هدفی خاص آفریده شده و تنها موجود با اراده و انتخاب گر جهان و مورد توجه ویژه آفریدگار است. از این رو، شایسته نیست که بی هدف زندگی کند، بلکه باید در زندگی بر اساس هدف و انگیزه مقدسی که برای آن آفریده شده است، پیش رود و عمل کند. اساسا هر چه خرد آدمی بیشتر و عقلش کامل تر باشد، هدف های والاتر و مهم تری را دنبال می کند و از امور باطل و بی حاصل می پرهیزد. خداوند در قرآن مجید، مؤمنان را به دوری از بیهودگی فرا می خواند و می فرماید: «وَ الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ؛ آنان که از امور بیهوده روی گردانند». (مؤمنون: ۳)

لهو و لعب، به معنای بازی ها و سرگرمی های پوچ و بی هدف است که انسان را به خود مشغول می دارد. امام علی علیه السلام در این باره می فرماید:

لَمْ يَعْقِلْ مَنْ وَلِيَ بِاللَّعِبِ وَ اسْتَهْتَرَ بِاللَّهُوِ وَ الطَّرَبِ. (۲)

خردمند نیست کسی که سرگرم و شیفته بازیچه ها شود و به خوش گذرانی و امور بیهوده روی آورد.

۱- بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۳۰.

۲- بحارالانوار، ج ۱، ص ۶۴.

ایشان در سخنی دیگر می فرماید: «أَفْضَلُ الْعَقْلِ مُجَابَبَةُ اللَّهِ؛ برترین خردمندی، دوری از امور پوچ و سرگرم کننده است.» (۱) بسیاری از افرادی که چنان در پوچی و خوشی های دروغین فرو رفته اند که ارزش و هویت خویش را گم کرده اند و آنها را در اموری کم ارزش مانند مدل موی سر، رنگ مو، مدل لباس، کفش، خانه و خوراک و مانند آن می جویند و هرگز به هدف های والا نمی اندیشند، چه رسد به آنکه به آنها دست یابند. هدف های آنها همچون سرابی است که تنها بر تشنگی شان می افزاید. بنابراین، شرط زندگی خردمندانه، انتخاب هدف درست و راه درست و پرهیز از بی هدفی و سرگرمی های بیهوده ای است که نتیجه ای جز از دست دادن سرمایه های مادی و معنوی ندارند. امام علی علیه السلام می فرماید:

لَيْسَ لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ شَاخِصًا إِلَّا فِي ثَلَاثِ حَظْوَةٍ فِي مَعَادٍ أَوْ مَرَمَةٍ لِمَعَاشٍ أَوْ لَدَّهِ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ. (۲)

سزوار نیست انسان خردمند جز برای سه چیز گام بردارد: کاری که معاد او را سامان دهد یا معاش زندگی اش را تأمین کند و یا برای تفریح و لذت های حلال.

صداقت

صداقت

صداقت از فضیلت های اخلاقی شناخته شده و پذیرفته شده در نزد همگان با هر دین و مکتب است. با این حال، برخی افراد راه تقلب و دورویی را در پیش می گیرند و آن را دلیل زیرکی و زرنگی خود می پندارند و به آن می بالند. آنها از این نکته غافلند که با این رویه، اعتماد دیگران را به

۱- بحارالانوار، ج ۱، ص ۵۲.

۲- بحارالانوار، ج ۱، ص ۵۵.

خود از دست می دهند و هیچ گاه نمی توانند در روابط اجتماعی و زندگی فردی توفیق یابند.

آرامش و امنیت اجتماعی در سایه اعتماد به یکدیگر به دست می آید و اگر این اعتماد از بین برود، ناامنی، پریشانی های روحی، دلهره و آشفتگی در روابط اجتماعی، بر جامعه حاکم خواهد شد. در صورت حاکمیت دروغ و فریب و فراگیر شدن کلاه برداری، اختلاس و سوءاستفاده، چگونه می توان انتظار روابطی سالم و جامعه ای پویا را داشت؟ اگر مردم به داد و ستد می پردازند، تن به ازدواج می دهند، ضمانت می کنند و قول می دهند، به خاطر اعتماد به یکدیگر است. بنابراین، در هر جا که صداقت باشد، آرامش نیز هست و هر جا که دروغ و نیرنگ چیره شده باشد، پریشانی ها و دلهره ها رخ می نماید.

امام صادق علیه السلام در رهنمودی گهربار، همگان را به صداقت و یکرنگی فرا خوانده و فرموده است: «يَتَّبِعِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ صِدْقًا لِيُؤْمَنَ عَلَى حَدِيثِهِ؛ سزاوار است که خردمند در سخن گفتن صداقت داشته باشد تا به گفته هایش اعتماد کنند.»^(۱) انسان با صداقت، در محیط خانواده و اجتماع، امنیت روانی برای دیگران و عزت و احترام برای خویش فراهم می آورد و خردمندی خود را نشان می دهد. به فرمایش امام علی علیه السلام «ثَمَرَةُ الْعَقْلِ الصِّدْقُ؛ نتیجه عقل، صداقت است.»^(۲)

۱- بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۲۴۷.

۲- غرر الحکم، ص ۵۳.

استقامت در زندگی

استقامت در زندگی

زندگی، پر از پیچ و خم و فراز و فرود است و در کنار شیرینی‌ها و کام‌یابی‌ها، تلخی‌ها و ناگواری‌ها دارد و شکست‌ها و پیروزی‌ها. بی‌شک هر کاری با مشکلاتی همراه است. اگر انسان در زندگی با اندک مشکلی دلسرد شود و از تصمیم خود برگردد، به یقین در هیچ کاری موفق نخواهد شد. کام‌یابی از آن کسی است که در راه هدف خود، محکم و استوار در برابر حادثه‌ها و مانع‌ها بایستد تا آنها را به زانو درآورد. چنین کسی، هم دین خود را حفظ می‌کند و هم در دنیا به خواسته‌اش می‌رسد.

خداوند متعال، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را نیز به استقامت در برابر مشکلات و کارشکنی‌ها دعوت کرد و فرمود: «فَاسِيَتْكُمْ كَمَا أُمِرْتُمْ وَ مَنْ تَابَ مَعَكُمْ؛ استقامت کن آن گونه که تو و طرف دارانت به آن مأمور شده‌اید.» (هود: ۱۱۲) امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «لَا مَسِيْلَكَ إِسْلِمَ مَنِ الْإِسِيَتْقَامَهُ؛ برای رسیدن به هدف، راهی سالم تر از استقامت نیست.» (۱) مؤمن خردمند با صبر و پایداری، بر مشکلات زندگی چیره می‌گردد و در برابر آنها خود را نمی‌بازد. برخی افراد، به دلیل ضعف اراده و نداشتن روحیه استقامت، در هر کاری شکست می‌خورند. اینان با پیدایش نخستین مشکل، به جای رویارویی با مشکلات و پیروزی بر آنها، شغل، هدف و مسیر خود را تغییر می‌دهند. پس برای رسیدن به قله سعادت و کام‌یابی باید محکم و استوار، با روحیه ای قوی و اراده ای آهنین در برابر دشواری‌ها و موانع ایستاد و در این مسیر سخن رهبر ثابت قدمان راه کمال را همواره به یاد

داشت که فرمود: «أَلَيْسَتْ قَامَةٌ سَلَامَةٌ؛ استقامت مایه سلامت است».(۱)

پوزش خواهی

پوزش خواهی

انجام کاری که انسان را به عذرخواهی وا دارد، خود، یک کاستی است و باید تا حد امکان از چنین کارهایی دوری جست. با وجود این، پذیرش اشتباه خود و پوزش خواستن از آن در برابر خداوند یا دیگران، نخستین و بهترین راه جبران خطا و نشانه کمال عقل است. امام علی علیه السلام می فرماید: «أَلَمْ عَذْرَةٌ بَرْهَانُ الْعَقْلِ؛ عذرخواهی کردن، دلیل خرد است».(۲) و در سخنی دیگر فرمود: «أَعْقَلُ النَّاسِ أَعَذَرُهُمْ لِلنَّاسِ؛ خردمندترین مردم پوزش پذیرترین آنان است».(۳)

اهل بیت علیهم السلام به منظور تربیت و تکامل انسان ها، در دعاها و مناجات های خود به مردم آموخته اند که با عذرخواهی در برابر خداوند، رحمت خدا را برانگیزند، چنان که در دعای کمیل آمده: «وَقَدْ أَتَيْتُكَ مُعْتَذِرًا نَادِمًا؛ و با حال پشیمانی به عذرخواهی آمده ام».

بنابراین، بهترین راه جبران هر اشتباهی، پوزش خواهی و مهم تر از آن، پوزش پذیری است. امام علی علیه السلام با اشاره به این مهم فرموده است: «شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَقْبَلُ الْعُذْرَ وَلَا يَقْبَلُ الذَّنْبَ؛ بدترین مردم، آن است که عذر نپذیرد و از گناه نگذرد».(۴)

۱- غررالحکم، ص ۲۸۷.

۲- غررالحکم، ج ۲، ص ۴۴۷.

۳- غررالحکم، ج ۲، ص ۵۲.

۴- غررالحکم، ج ۲، ص ۵۲.

پذیرفتن پوزش، نشان بزرگواری و روح بلند و کمال انسان و پوزش خواهی، نشانه خرد و شعور پوزش خواه است. در این باره روایت شده است: «قَبُولُ عُذْرِ الْمُجْرِمِ مِنْ مَوَاجِبِ الْكُرْمِ وَ مَحَاسِنِ الشُّيْمِ؛ پذیرفتن عذر گنه کار، نشان بزرگواری و خلق و خوی زیبا است»^(۱).

نکته جالب توجه اینکه، پذیرش عذر چنان مهم است که امام علی علیه السلام در کلامی پر معنا می فرماید:

إِقْبَلْ عُذْرَ أَخِيكَ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ عُذْرًا فَالْتَمِسْ لَهُ عُذْرًا.^(۲)

سعی کن عذر برادرت را بپذیری و اگر عذری نداشت یا عذری نیاورد، خود برای او عذری دست و پا کن و تا جایی که می توانی، او را معذور مدار.

رعایت ادب

رعایت ادب

ادب به معنای آراسته شدن به اخلاق نیکو، انجام کارهای خردمندانه و انسانی و برخورداری از خصلت هایی است که شخصیت آدمی را با عظمت می سازد. ادب، نپسندیدن ناپسندها برای دیگران است، همان گونه که خود نیز از آن ناپسندیده ها گریزانیم. در روایتی آمده است:

كَفَاكَ أَدْبًا لِنَفْسِكَ اجْتِنَابُ مَا تَكْرَهُهُ مِنْ غَيْرِكَ.^(۳)

در ادب تو همین بس که آنچه برای دیگران نمی پسندی، برای خود نیز نپسندی.

۱- غررالحکم، ج ۲، ص ۵۲.

۲- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۶۴.

۳- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۵۷۳.

خرد و ادب، یاران همراهند؛ هر چه خرد آدمی بلندمرتبه تر باشد، آداب اجتماعی او نیکوتر است. امام علی علیه السلام می فرماید:

الْعُقُولُ مَوَاهِبٌ وَ الْأَدَابُ مَكَايِبٌ. (۱)

ادب به دست آوردنی است، ولی عقل هدیه الهی است.

ادب، محصول خرد است و فرزندگان خردمند به زینت ادب آراسته اند، چنان که رهبر ادب پیشه گان می فرماید: «الذِّينُ وَ الْأَدَبُ نَتِيَجَةُ الْعَقْلِ؛ دین و ادب نتیجه خرد است.» (۲) از سوی دیگر، ادب، زینت بخش خرد نیز شمرده شده و آمده است که: «حُسْنُ الْأَدَبِ زِينَةُ الْعَقْلِ؛ ادب نیکو، زینت عقل است.» (۳)

آری، سجایای اخلاقی و آداب دانی، نشان خرد قوی و توان فکری بالا است. از این رو، هرگز از خردمندان کارهای دور از ادب سر نمی زند. کمال عقل و ادب به یکدیگر وابسته است و نبود یکی، از فقدان دیگری حکایت می کند، چنان که روایت شده: «لَا أَدَبَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ؛ آن که عقل ندارد، ادب ندارد.» (۴) بی گمان، شخصیت و رفتار و کردار هر کس، برخاسته از کمالات انسانی و آداب اجتماعی اوست و نباید آن را دست کم گرفت. از اهداف پیامبران و

۱- غررالحکم، ص ۵۰.

۲- غررالحکم، ص ۸۴.

۳- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۳۳.

۴- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۱.

اولیای خدا نیز، تربیت انسان ها و آراستن آنان به آداب زندگی و فضیلت های اخلاقی بوده است. خلاصه آنکه، انسان هر چه بیشتر بکوشد که سرمایه ادب را فزونی بخشد، سود بیشتری می برد.

بزرگ آموزگار ادب آموختگان، علی علیه السلام فرمود: «لَا حُلَّ كَالْأَدَابِ؛ هیچ زیوری همچون ادب نیست».^(۱)

گزیده گویی

گزیده گویی

پرگویی، از استواری سخن می کاهد و گوینده را گرفتار گزافه گویی می کند و او را از رسیدن به هدف اصلی اش باز می دارد. پرحرفی، افزون بر به باد دادن ایمان، زیان های دنیایی نیز در پی دارد، کینه ها و حسادت ها را برمی انگیزاند، اسرار را فاش و دشمنان را بیدار می کند. از این رو، خرد به کم گویی و گزیده گویی حکم می کند. علی علیه السلام در این باره فرمود: «الْعَاقِلُ مَنْ عَقَلَ لِسَانَهُ؛ خردمند کسی است که زبان خود را به بند کشد».^(۲) حضرت در کلام دیگری، تفاوت دانا و نادان را چنین بیان می کند: «لِسَانُ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ وَ قَلْبُ الْأَحْمَقِ وَرَاءَ لِسَانِهِ؛ زبان خردمند پشت اندیشه او است، ولی اندیشه نادان پشت زبانش».^(۳) یعنی خردمند ابتدا می اندیشد، سپس لب به سخن می گشاید، ولی نادان بی هیچ اندیشه ای، زیاد سخن می گوید. به فرمایش علی علیه السلام، پرگویی عیب های صاحبش را

۱- غررالحکم، ص ۲۴۷.

۲- غررالحکم، ص ۵۴.

۳- نهج البلاغه، ص ۴۷۶.

آشکار می سازد:

إِيَّاكَ وَفُضُولَ الْكَلَامِ فَإِنَّهُ يُظْهِرُ مِنْ عُيُوبِكَ مَا بَطَّنَ وَ يُحَرِّكُ عَلَيْكَ مِنْ أَعْدَائِكَ مَا سَكَنَ. (۱)

از زیاده گویی بپرهیز که عیب های نهفته تو را آشکار می سازد و دشمنان خفته ات را به دشمنی علیه تو تحریک می کند.

همچنین فرمود: «وَ كَثْرَةُ الْهَيْدَرِ يَكْسِبُ الْعَارَ؛ پر حرفی سبب سرافکنندگی است.» (۲) امام در سخن دیگری چنین سفارش می کند: «لَا تَتَكَلَّمَنَّ إِذَا لَمْ تَجِدْ لِلْكَلامِ مَوْقِعًا؛ هر گاه جایی برای سخن نیافتی، سخن مگویی.» (۳) کم حرفی، انسان را از لغزش ها و گناهان در امان می دارد.

پندآموزی

پندآموزی

پند گرفتن از سرنوشت گذشتگان و فراز و نشیب های تاریخ، شکست ها، پیروزی ها، سرافرازی ها و سرشکستگی ها، نشانه خردمندی است. خداوند نیز بارها در قرآن مجید بر پند گرفتن و عبرت آموزی سفارش کرده و فرموده است: «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ» (حشر: ۲) و «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِمَنْ يَخْشَى» (نازعات: ۲۶). در این آیات از اهل بصیرت و خرد خواسته شده است که در آنچه رخ داده، بیندیشند و عبرت گیرند. امام علی علیه السلام می فرماید: «أَفْضَلُ الْعَقْلِ الْأَعْتَابُ؛

۱- غررالحکم، ص ۲۱۳.

۲- غررالحکم، ص ۲۱۴.

۳- غررالحکم، ص ۳۵۳.

بهترین عقل، عبرت گرفتن است.» (۱) و نیز فرمود: «مَنْ اَعْتَبَرَ اَبْصِرَ وَ مَنْ اَبْصَرَ فَهَمَّ وَ مَنْ فَهَمَ عَلِمَ؛ کسی که از روزگار عبرت گیرد، بینا می شود و کسی که بینا شد، آگاه می شود و کسی که آگاه شد، دانا می شود.» (۲) عبرت های روزگار بسیار آموزنده و دارای درس های فراوانی است، ولی پندگیران اندکند، چنان که حضرت امیر علیه السلام فرمود: «چه بسیارند پندها، ولی چه اندکند، پندگیرها.» (۳) و نیز توجه به عبرت ها را سبب کاهش لغزش ها می داند و می فرماید: «وَمَنْ كَثُرَ اِعْتِبَارُهُ قَلَّ عَثَارُهُ؛ و کسی که بسیار عبرت گیرد، کمتر می لغزد.» (۴) در سخنی دیگر نیز می فرماید:

وَ اِنَّ مَنْ صَرَخَتْ لَهُ الْعِبْرُ عَمَّا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْمَثَلَاتِ حَجَزَتْهُ التَّقْوَى عَنْ تَفْحُمِ الشُّبُهَاتِ. (۵)

کسی که از پیرامون خود پند گیرد و سرنوشت دیگران را بازبیند، پرهیزکاری، او را از فرورفتن در شبهه ها بازدارد.

بنابراین، باید از غرور و خودبرتربینی که مانع بهره گرفتن از عبرت هاست، دوری گزید و به تاریخ و درس های آن اندیشید و توشه برگرفت.

۱- غررالحکم، ص ۵۲.

۲- بحارالانوار، ج ۷، ص ۳۲۷.

۳- غررالحکم، ص ۴۷۲.

۴- غررالحکم، ص ۴۷۱.

۵- نهج البلاغه، خطبه ۱۶.

استفاده از تجربه ها

استفاده از تجربه ها

انسان ها در زندگی تجارب زیادی کسب می کنند، ولی کم خردان از کنار تجربه های زندگی بی توجه می گذرند و هیچ گاه آن را به عنوان چراغ روشنگر راه، همراه خود نمی برند؛ در حالی که خردمندان از هر روز زندگی شان درسی می آموزند و در آینده از آن بهره می گیرند. درس گرفتن از لحظه لحظه زندگی و نگه داری تجربه ها و استفاده بجا از آنها، رمز کامیابی در زندگی و راه کاری خردمندانه است. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«الْعَقْلُ حِفْظُ التَّجَارِبِ؛ خردورزی، نگه داری تجربه هاست».^(۱)

و در سخنی دیگر فرمود:

عقل یعنی نگه داری تجربه ها و درس های زندگی، و بهترین تجربه ای که می آموزی، آن است که برای تو پندآموز باشد.^(۲)

همچنین از آن حضرت روایت شده که فرمود:

إِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ حُرِمَ نَفْعَ مَا أُوتِيَ مِنَ الْعَقْلِ وَ التَّجْرِبَةِ.^(۳)

بدبخت آن است که از خرد و تجربه بهره درست نبرد.

نقش تجربه در زندگی به اندازه ای است که گفته اند: ای کاش آدمی دو بار عمر می کرد تا یک بار می آموخت و بار دیگر عمل می کرد، چنان که خردمند

۱- غررالحکم، ص ۴۴۴.

۲- بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۱۱۰.

۳- نهج البلاغه، نامه ۷۸.

چون اشتباهی کند، از آن درس می‌گیرد و هرگز آن را تکرار نمی‌کند. به فرمایش امام صادق علیه السلام: «لَا يُلْسَعُ الْعَاقِلُ مِنْ جُحْرِ مَرَّتَيْنِ؛ خردمند دو بار از یک سوراخ گزیده نمی‌شود.»^(۱) ناگفته نماند که افراد باتجربه و کاردان در جامعه سالمندان بیشترند. آنها که سرد و گرم روزگار را چشیده‌اند، می‌توانند مشاوران خوبی برای دیگران باشند و تجربه‌های گران‌سنگ خود را در اختیار آنان قرار دهند.

نظم و برنامه ریزی

نظم و برنامه ریزی

کام‌یابی انسان در زندگی، در گرو برنامه‌ریزی و نظم است. برنامه‌ریزی، تقسیم‌کار و استفاده بهینه از زمان و مکان و امکانات، از اصول مدیریت و عقل‌معاش است. برنامه‌ریزی، از هدر رفتن عمر، فرصت‌ها و امکانات جلوگیری و به انسان کمک می‌کند تا هر کاری را در وقت مناسب خود انجام دهد. با تقسیم‌کار نیز وظیفه افراد در انجام کارها، مشخص و انسان مسئولیت‌پذیر می‌شود. خلاصه آنکه این دو راه کار خردمحور، امکان‌بیشترین استفاده و نیکوترین بهره‌وری از همه امکانات را فراهم می‌سازند. حضرت امیر علیه السلام در رهنمودی گشایش‌گر چنین سفارش می‌کند: «أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ؛ شما را به تقوای الهی و نظم در کارهایتان سفارش می‌کنم.»^(۲)

آن حضرت، دوران‌دیشان را بهره‌گیران از این دو امتیاز می‌داند و می‌فرماید:

۱- بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۳۲.

۲- نهج البلاغه، ترجمه: صبحی صالح، ص ۴۲۱.

الْحَازِمُ مَنْ جَادَ بِمَا فِي يَدِهِ وَ لَا يُؤَخَّرُ عَمَلَ يَوْمِهِ إِلَى غَدِهِ. (۱)

دوراندیش کسی است که آنچه دارد، برگیرد و کار امروز را به فردا نیندازد.

درباره تقسیم کار نیز فرمود:

إِنَّ لَيْلَكَ وَ نَهَارَكَ لَا يَشْتَوِعَانِ لِجَمِيعِ حَاجَاتِكَ فَأَقْسِمُهَا بَيْنَ عَمَلِكَ وَ رَاحَتِكَ. (۲)

شبانه روز تو برای همه کارهایت کافی نیست. پس آن را بین کارهایت و استراحتت تقسیم کن.

بنابراین، انسان برنامه ریز، شب و روز خود را تقسیم بندی می کند؛ بخشی از وقتش را برای استراحت و خواب و خوراک، بخشی را برای عبادت و بخشی را برای خانواده صرف می کند. در آموزه های روایی به تقسیم وقت سفارش شده است. امام رضا علیه السلام در این باره می فرماید:

وقت خود را چهار بخش کن: بخشی برای عبادت؛ بخش دیگر برای رفت و آمد با دوستان مورد اعتماد؛ بخشی برای کار و درآمد و بخشی هم برای استراحت و لذت. (۳)

بدون شک برنامه ریزی در کارها، به ویژه در امور اقتصادی، مانع دوباره کاری ها، کارهای کوتاه مدت و کم بار و تباه کردن نیروها و امکانات می شود. امام علی علیه السلام فرمود:

۱- غررالحکم، ص ۴۷۵.

۲- غررالحکم، ص ۴۸۰.

۳- عباس رحیمی، زندگی موفق، ص ۳۸، به نقل از: بحارالانوار، فصل سخنان امام رضا علیه السلام.

«صَلَاحُ الْعَيْشِ التَّدْبِيرُ؛ امور زندگی فقط با برنامه ریزی سامان می یابد».^(۱)

مدیر خانه یا جامعه، اگر برنامه ریزی و نظم داشته باشد، حتی با درآمدی اندک می تواند محدوده کار خود را به بهترین صورت اداره کند. دانشجو، استاد، خانه دار و هر کس دیگری هم که با برنامه ریزی و آگاهانه عمل کند، می تواند زندگی را برای خود و دیگران، لذت بخش و پرفایده سازد.

اگر کارها بدون برنامه ریزی پیش رود، زیان و پشیمانی به بار می آورد و انسان را در زندگی دچار آسیب های جدی و گاه جبران ناپذیر می سازد. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «آفَةُ الْمَعَاشِ سُوءُ التَّدْبِيرِ؛ آفت زندگانی، تدبیر بد است».^(۲)

خوش خلقی

خوش خلقی

از جمله فضایل اخلاقی که در اسلام بسیار به آن سفارش شده است، خوش خلقی با دیگران است. از پی آمدهای ارزنده خوش خلقی، تبدیل دشمنی ها به دوستی است. در مقابل، بد اخلاقی سرچشمه بسیاری از اختلاف هاست. پیامبر گرامی اسلام روایت کرده است:

روزی جبرئیل از سوی پروردگار متعال نزد من آمد و گفت: ای محمد! بر تو باد به اخلاق نیک، که این ویژگی، خیر دنیا و آخرت را به همراه دارد. آگاه باشید که از میان شما کسی بیشتر به من شباهت دارد که خوش اخلاق تر باشد.^(۳)

۱- غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۵۴.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۵۴.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۵۱.

بنابراین، آراسته شدن به اخلاق نیک بر هر مسلمانی لازم است.

شخص بد اخلاق، خود از این ویژگی بیشتر آسیب می بیند و هماره غمگین و گوشه گیر است. رسول رحمت صلی الله علیه و آله می فرماید: «مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ؛ بد اخلاق نخست به خودش سختی می رساند.»^(۱) وی همیشه تنهاست؛ زیرا هیچ کس تاب هم نشینی و رفاقت با او را ندارد. حضرت علی علیه السلام در وصیت به فرزندش محمد بن حنفیه می فرماید:

از خودخواهی، بد اخلاقی و کم صبری پرهیز؛ زیرا با داشتن این سه خصلت ناپسند، هیچ دوستی برای تو باقی نمی ماند و از مردم دور خواهی شد. سعی کن خود را به دوستی و رابطه با مردم واداری.^(۲)

و امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «دروغ گو مردانگی ندارد؛ سرزنش کننده برادر ندارد؛ حسود هیچ گاه آسایش نخواهد یافت و بد اخلاق به بزرگی و سروری نخواهد رسید.»^(۳)

پرهیز از شنیدن سخنان بیهوده

همچنان که گفتن حرف بیهوده، سبب دوری از خداوند است، گوش دادن به آن نیز غفلت زا و سبب فراموشی یاد خداوند می شود. خداوند در قرآن مجید می فرماید:

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۷۴.

۲- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۹۸.

۳- بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۲۶۱.

إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا. (بنی اسرائیل: ۳۶)

به درستی که گوش و چشم و دل، همه بازخواست خواهند شد و مسئولند.

امام سجاد علیه السلام در رساله الحقوق درباره حق گوش چنین می فرماید:

وَ أَمَّا حَقُّ السَّمْعِ فَتَنْزِيهُهُ عَنْ أَنْ تَجْعَلَهُ طَرِيقًا إِلَى قَلْبِكَ إِلَّا لِفُؤَاهِهِ كَرِيمَةٍ تُحَدِّثُ فِي قَلْبِكَ خَيْرًا أَوْ تُكْسِبُ خُلُقًا كَرِيمًا. (۱)

و اما حق گوش آن است که آن را از اینکه راهی به سوی دلت قرار دهی، پاکش نگه داری [و آن را نگشایی]، جز برای سخنانی که از دهان بزرگان خارج می شود و خیری در دلت ایجاد می کند یا اخلاق نیکویی از آن به دست آوری.

برای شکرگزاری از نعمت الهی گوش باید آن را در راه فرمان برداری از خدا به کار برد. بنابراین، شنیدن سخنانی که برای دنیا و آخرت انسان سودی ندارد، بلکه سبب گمراهی نیز می گردد، یا شنیدن ساز و آوازه‌های طرب آور که شخص را از توجه به وظایف و مسئولیت های اجتماعی اش باز می دارد و او را به تباهی می کشد، ناسپاسی این نعمت الهی است. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

وَ مِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ. (لقمان: ۶)

بعضی از مردم، سخنان بیهوده فراهم می کنند تا دیگران را از راه خدا بازدارند.

امام باقر علیه السلام در مورد گوش سپردن به سخن دیگران می فرماید:

کسی که به سخن گوینده ای گوش دهد، بنده او شده است. پس اگر سخن گو، سخن خداوند را بیان کند، او نیز بندگی خدا را کرده و اگر کلام

شیطان را بگوید، بندگی شیطان را کرده است. (۱)

نگاه آخرتی به دنیا

نگاه آخرتی به دنیا

هر آنچه مردم از دنیا برای خود برمی گیرند، از دستشان می رود و تنها حساب و کتاب و گرفتاری آن باقی می ماند. ولی هر چه از وقت، مال، آبرو و دیگر امکانات دنیایی خود برای آباد کردن آخرتشان استفاده کنند، نتیجه اش برای آنان باقی می ماند. دنیا همچون سایه ای است که به محض گسترده شدن، برچیده می شود و هر چه بر سایه افزوده شود، رو به کاستی می رود. به همین دلیل، امیرمؤمنان، علی علیه السلام می فرماید:

به اندازه ای از دنیا توشه بگیرید که در روز رستاخیز نجات بخش شما باشد. (۲)

حضرت در کلامی دیگر به نابودی دنیا اشاره می کند و می فرماید:

آگاه باشید! دنیا منزل گاهی است که در آن، جز با زهد و پارسایی نتوان سالم ماند. با این دست آویزهای نابود شونده و خواسته های خاکی (پست) در این گیتی، کسی به رستگاری دست نمی یابد. مردم به وسیله دنیا، آزمایش شده اند. هر چه از دنیا را که برای دنیا به دست می آورند، از کفشان می رود و در روز حساب بر همه آنها بازخواست می شوند و هر آنچه از دنیا برای آخرت بهره گرفته اند، پاداش آن برایشان باقی می ماند و پیوسته بر آن خوش دل و خوش حالند. سرای دنیا در چشم اندیشمندان بسان سایه ای است که هنوز گسترده نشده، خود را جمع می کند و رفته رفته کوتاه و کم

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۳۶.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۶۴.

می گردد. (۱)

بنا بر سخن حضرت، باید از دنیا به گونه ای بهره گیریم که از فرجام های زیان بار آن در امان بمانیم و بدانیم آنچه فقط برای دنیا باشد، وسیله نجات انسان نمی شود. این دنیا و جلوه های فریبنده آن برای امتحان است. همان گونه که در قرآن می خوانیم:

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ. (انفال: ۲۸)

آگاه باشید که اموال و اولاد شما وسیله آزمایش و امتحان شما هستند و به تحقیق پاداش بزرگ نزد خداست.

به راستی که ارزش دنیا آن قدر نیست که آدمی از روگردانی آن غمگین و از روی آوردنش شادمان شود و خود را فدای رسیدن به آن کند. دنیا اگر وسیله خیر نباشد، مانعی می شود برای رسیدن به کمال و سعادت در آخرت. امام علی علیه السلام در سخنان روشنگرانه خود، حقیقت دنیا را آشکار می کند و به مردم هشدار می دهد که به زرق و برق این سرای فانی دل نبندند و از آن برای آباد کردن سرای ابدی توشه برگیرند. با وسوسه های فریبنده شیطان، به خوشی های دنیا دل نبندند و در طول عمر کوتاه خود، برای تأمین سعادت آخرت بکوشند. بی تردید دنیا برای کسانی که با آن صادقانه برخورد کنند، سرای راستی و برای کسانی که خبر و پیام هشداردهنده اش را دریابند، سرای امن و امان است. برای کسی که از آن توشه برگیرد، سرای توانگری و برای کسی که از آن پند گیرد، سرای اندرز است. امیر مؤمنان، علی علیه السلام می فرماید:

الدُّنْيَا دَارٌ مَمَرٌ لَا دَارٌ مَقَرٌّ وَ النَّاسُ فِيهَا رَجُلَانِ رَجُلٌ بَاعَ فِيهَا نَفْسَهُ فَأَوْبَقَهَا وَ

رَجُلٌ ابْتِاعَ نَفْسَهُ فَأَعْتَقَهَا. (۱)

دنیا سرای گذر است، نه خانه اقامت؛ مردم در آن دو گروهند: عده ای نفس خود را به دنیا فروختند و خود را هلاک کردند و عده ای خود را [از دنیا] خریدند و آزاد کردند.

آزادگان، خود را از اسارت و بندگی و علاقه های پست دنیا رها کرده و بندگی خدا را بر بردگی دنیا برگزیده اند.

اندیشیدن

اندیشیدن

اندیشیدن در امور و سنگین و سبک کردن آنها، راهی به سوی انتخاب برتر است. هر کاری اگر با اندیشه همراه باشد و از هر نظر بررسی شود، بی شک به نتیجه بهتری می رسد و به رستگاری نزدیک تر خواهد بود، ولی متأسفانه برخی افراد از اندیشه خود به نیکویی بهره نمی گیرند. امام علی علیه السلام می فرماید:

أَصْلُ الْعَقْلِ الْفِكْرُ وَ تَمَرَّتُهُ السَّلَامَةُ. (۲)

اساس خرد، اندیشیدن است و نتیجه آن سلامت [از شکست ها و ناکامی ها] است.

در بعضی احادیث، یک ساعت اندیشیدن حکمت آمیز، از یک سال عبادت بی تفکر برتر شمرده شده و هدایت، به راستی از پی آمدهای چنین اندیشیدنی بیان شده است، چنان که امام علی علیه السلام فرمود: «الْفِكْرُ يَهْدِي إِلَى الرَّشَادِ؛ اندیشه،

۱- نهج البلاغه، حکمت ۱۳۳.

۲- بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۲۹۳.

هدایت کننده به سوی راستی و پیروزی است».(۱)

بی شک اندیشه درباره فرجام هر کاری، انسان را از آسیب‌ها ایمن می‌دارد، همچنان که در این کلام نورانی آمده است:

أَلْفِكْرُ فِي الْعَوَاقِبِ يُنْجِي مِنَ الْعَطَبِ.(۲)

اندیشه در فرجام کار، انسان را از نابودی نجات می‌دهد.

و در روایتی دیگر از این مسئله، چنین یاد می‌شود:

إِذَا قَدَّمْتَ الْفِكْرَ فِي جَمِيعِ أَعْمَالِكَ حَسُنَتْ عَوَاقِبُكَ فِي كُلِّ أَمْرٍ.(۳)

هرگاه فکر را در همه کارهای خود مقدم داری، سرانجام تو در هر کاری نیکو می‌شود.

از این رو امام سفارش می‌کند که:

تَفَكَّرْ قَبْلَ أَنْ تَعْزِمَ وَ شَاوِرْ قَبْلَ أَنْ تُقَدِّمَ وَ تَدَبَّرْ قَبْلَ أَنْ تَهْجُمَ.(۴)

پیش از آنکه تصمیم‌گیری، فکر کن و پیش از آنکه اقدام کنی، مشورت کن و پیش از ورود در هر کاری، به پایان آن بیندیش.

انسان عاقل، اندیشیدن تفکر را رها نمی‌کند تا آگاهی یابد؛ زیرا روایت شده است: «لَا بَصِيرَةَ لِمَنْ لَا فِكْرَ لَهُ؛ آن که اندیشه ندارد، بصیرت ندارد».(۵)

۱- غررالحکم، ج ۲، ص ۲۹۲.

۲- غررالحکم، ج ۲، ص ۲۹۲.

۳- غررالحکم، ج ۲، ص ۲۹۳.

۴- غررالحکم، ج ۲، ص ۲۹۴.

۵- غررالحکم، ج ۲، ص ۲۹۸.

دانش اندوزی

دانش اندوزی

فراگیری دانش از برترین امتیازهای بشر و وسیله خروج او از چاه تاریک نادانی است. دانش، همچون نوری درخشان شبستان دل صاحبش را روشنی می بخشد و میزان ارزشمندی جوامع همیشه با وجود دانشمندانس سنجیده می شود. دانش ورزی و دانش آموزی از دیرباز افتخاری بزرگ به شمار می آمده و همچنان افتخار آفرین است. فرهیختگان، همواره صدرنشینان مجالس و شمع محفل کمال جویان بوده اند. مقام دانش و دانشمند در پیشگاه حضرت حق نیز پیوسته ستوده شده است:

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَٰعَلَّمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَٰعَلَّمُونَ. (زمر: ۹)

آیا کسانی که می دانند با آنها که نمی دانند یکسانند؟

خداوند متعال به حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود: «ای ابراهیم! من داناترینم و انسان دانا را نیز دوست می دارم.» (۱) امام صادق علیه السلام در سفارش به دانش اندوزی می فرماید:

داناترین مردم، کسی است که دانش های دیگران را بر دانش خویش بیفزاید. ارزشمندترین مردم کسی است که دانش فراوان داشته باشد و کمترین و پست ترین انسان کسی است که دانشش اندک باشد. (۲)

در آموزه های روایی، همگان به فراگیری دانش فرا خوانده شده اند و چنین آمده است: دانش را فرا بگیرید که آموختن آن نیک، آموزش دادن آن تسبیح،

۱- محجه البيضاء، ج ۱، ص ۱۵.

۲- صدوق، امالی، ص ۱۹.

دنبال کردن آن جهاد و یاد دادنش به کسی که نمی داند صدقه است. دانش، مونس تنهایی، رفیق بی کسی، سلاحی در برابر دشمن و زینت دوستان است. خداوند به وسیله آن، گروهی را بالا می برد و در کار نیک، پیشوا قرار می دهد، تا دیگران با آنها هدایت یابند. دانش، حیات دل است و نیروبخش بدن های ناتوان و به وسیله علم است که خداوند پرستش و اطاعت می شود. (۱)

میانه روی

میانه روی

میانه روی در هر کاری حتی عبادت، پسندیده است و زیاده روی و کوتاهی، هر دو زیان آورند. مؤمن باید در تمام تصمیم گیری ها و کارهایش، از جمله خوردن، آشامیدن، لباس پوشیدن، خرج کردن، خوابیدن، تفریح کردن، درس خواندن، محبت کردن و خلاصه هر آنچه در شبانه روز با آن سر و کار دارد، میانه روی در پیش گیرد. چنین شیوه ای در زندگی بسیار مفید و نیکوست.

در قرآن مجید درباره میانه روی در انفاق آمده است که نه بخیل و تنگ نظر باش و نه آن قدر سخاوتمند که هر چه داری انفاق کنی و خود را نیازمند گردانی، بلکه میان این دو را برگزین:

وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا. (اسراء: ۲۹)

نه دست خود را محکم بسته دار و نه بسیار باز و گشاده، که هر کدام را بکنی، به نکوهش و حسرت خواهی نشست.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به یکی از یاران خود فرمود: «ای ابادرداء! پیکرت بر تو

حقی دارد؛ پس روزه (مستحبی) را گاهی بگیر و گاهی نگیر. نماز بخوان و بخواب، حق هر کسی را به او بده.» (۱) و فرمود: «چه نیک است میانه روی در عبادت.» (۲) آن حضرت، در پرداختن به امور معاش و معاد و برآوردن نیازهای جسم و روح، نگه داشتن اندازه را لازم می دانست و اجازه نمی داد کسی راه افراط و تفریط بیماید. سیره خود آن حضرت نیز میانه روی بود؛ «سیرتُه القصدُ.» (۳) کسانی که در زندگی، روش میانه روی را برمی گزینند، سرانجام به سعادت می رسند و کسانی که از این راه خارج شوند، پایان کارشان سقوط و تباهی است. امام علی علیه السلام در وصیت نامه خود به امام حسن علیه السلام می فرماید: «فرزند! در امر معیشت و نیز در عبادت میانه رو باش. در عبادت به اندازه ای عمل کن که همیشه توان انجام آن را داشته باشی.» (۴)

حضرت در خطبه همام نیز یکی از ویژگی های پارسایان را رعایت میانه روی، حتی در پوشش، بیان می کند و می فرماید:

جامه ای که می پوشند، به اندازه ضرورت و به شیوه میانه روی است. نه لباسی در بر می کنند که آنان را به گروه ثروتمندان گناه کار پیوند دهد و سبب بغض تهی دستان شود و نه لباسی که مردم آنان را پست به شمار آورند و

۱- بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۱۲۸.

۲- جامع الصغیر، ج ۲، ص ۴۸۰.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۹۴.

۴- سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۳۱.

تحقیقشان کنند. (۱)

شیخ اجل، سعدی در نکوهش از زیاده روی چنین سروده است:

خوردن برای زیستن و ذکر کردن است

تو معتقد که زیستن بهر خوردن است

پرهیز از تک روی

پرهیز از تک روی

از آفت های اجتماعی، پراکندگی در امت اسلامی است. دشمنان با همین ترفند توانسته اند در میان ملت ها راه یابند و از نیروی انسانی و امکانات آنها بهره برداری کنند. پیدایش گروه های گوناگون، ملی گرایی افراطی و پراکندگی ملت، تنها به سود استعمارگران است. از این رو، اسلام، مسلمانان را به پرهیز از تفرقه امر و بر وحدت امت تأکید کرده است. در قرآن مجید می خوانیم: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً.» (انبیاء: ۹۲)

این است امت شما که امتی یگانه است.

امام علی علیه السلام نیز می فرماید:

الزُّمُومَا الْجَمَاعَةَ وَاجْتَنِبُوا الْفُرْقَةَ. (۲)

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳.

۲- غررالحکم، ج ۲، ص ۲۷۸.

همراه جماعت باشید و از تفرقه دوری کنید.

بنابراین، انسان خردمند، ضمن تلاش برای حفظ وحدت، به هیچ عنوان از ملت خود جدا نمی شود و از تک روی می پرهیزد. رهبر خردمندان، علی علیه السلام در سخنی دیگر می فرماید:

إِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ. (۱)

از جدایی و کناره گیری پرهیز که انسان جدا شده از اجتماع، سهم شیطان است.

همان گونه که گوسفند جدا شده از گله، شکار گرگ می شود، انسان دور شده از اجتماع نیز نصیب شیطان می شود.

خداوند منان می فرماید:

وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ. (آل عمران: ۱۰۳)

و همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و [خداوند] در میان دل های شما، الفت ایجاد کرد و به برکتِ نعمتِ او برادر شدید. شما بر لب حفره ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد. خداوند، این گونه، آیات خود را برای شما آشکار می سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید.

مسئولیت پذیری

مسئولیت پذیری

از ویژگی های افراد مسئولیت پذیر آن است که هرگاه به وجودشان نیاز بود، به میدان می آیند. این روحیه، ستودنی و سازنده است. او انسان متعهد و کمال یافته و به پیشرفت و عزت خود و کشورش علاقه مند است و در این راه

از هیچ تلاشی دریغ نمی ورزد. تکلیف شناس و بر انجام آن پای بند است. پس هر جا که انجام کاری لازم باشد، آن را بی هیچ منتی می پذیرد و خود را در برابر آن متعهد و پاسخ گو می داند که این، همان احساس مسئولیت در برابر جامعه و حقوق مردم است. خداوند در قرآن با لحنی اعتراض آمیز و سرزنش گر، خطاب به افرادی که به تکالیف و رسالت های خود بی توجهند، می فرماید:

وَ مَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُشْتَضِعِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانِ. (نساء: ۷۵)

چرا در برابر ستمی که بر مردان و زنان و کودکان شده، در راه خدا به پا نمی خیزید و مبارزه نمی کنید؟

مسلمان راستین، خود را در برابر خدا، خانواده و اجتماع مسئول می داند؛ دفاع از حقوق ستم دیدگان، سالخوردهگان، کودکان، زنان، یتیمان، فقرا و درماندگان را بر خود واجب می داند و از راحت طلبی و مسئولیت گریزی به دور است. بدین ترتیب، بی اعتنایی به تکلیف از روی آسوده خواهی، در اسلام نکوهیده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

مَنْ أَصْبَحَ وَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ. (۱)

کسی که صبح کند و در فکر امور مسلمانان نباشد، مسلمان نیست.

اصولاً اگر کسی توان انجام کاری را دارد، شایسته نیست به بهانه های واهی، در انجام آن سستی کند و خود را کنار بکشد. در مقابل، اگر شایستگی و شرایط انجام کاری را ندارد و کس دیگری هست که آن کار را بهتر به انجام می رساند، باید مسئولیت را به او واگذار کند.

پاک دلی

پاک دلی

مسلمان، دلی پاک و سالم دارد که از حسادت، ریا، تکبر و خودخواهی به دور است. کینه کسی را به دل نمی گیرد و بدخواه کسی نیست. اسلام برای پیروانش، قلبی سپیدتر از برف، پاک تر از نقره و زلال تر از آب روان می پسندد که همواره دنباله رو خیر و نیکی و طرفدار حقیقت باشد. صاحب چنین دل و دیده پاک و تعالی یافته ای، آگاهانه به جهان می نگرد. در قرآن مجید در این باره آمده است:

فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ. (انعام: ۱۲۵)

پس خداوند، اراده هدایت هر کس را که کند، قلبش را به نور اسلام روشن و گشوده گرداند و هر کس را خواهد گمراه کند (یعنی به حال گمراهی وا گذارد)، دل او را برای پذیرفتن ایمان تنگ و سخت گرداند که گویی می خواهد از زمین بر آسمان رود. این است که خدا آنان را که به حق نمی گروند، رد شده و پلید می گرداند.

رسول گرامی اسلام نیز در حدیثی می فرماید:

قَلْبُ الْمُؤْمِنِ أَجْرَدُ فِيهِ سِرَاجٌ يَزْهَرُ وَقَلْبُ الْكَافِرِ أَسْوَدٌ مَنكُوسٌ. (۱)

دل مؤمن از آلودگی ها پاک است و چراغی در آن نورافشانی می کند، ولی دل کافر برخلاف دل مؤمن، تاریک است.

دل روشن مؤمن، با نور هدایت خود، به دیگر اعضا روشنی می بخشد. همان گونه که درختان میوه و گیاهان مفید در خاک آماده و مناسب می توانند رشد کنند، نیت های خالص برای کارهای نیک در دل پاک مؤمن رشد می کنند. در حالی که دل های بیمار و افسرده همچون زمین شوره زاری هستند

که مرکز رشد میکرب های فسادآور است و هیچ محصول خوبی در آن به عمل نمی آید. بنابراین، زشتی و زیبایی و نیکی و تباهی دیگر اعضای بدن از دل و قلب سرچشمه می گیرد. حضرت امام صادق علیه السلام فرموده است:

منزلت قلب در بدن انسان، همچون منزلت امام در میان مردم و اطاعت اعضای بدن از قلب، مانند اطاعت مردم از امام، واجب است. تمام اعضای بدن به قلب وابسته اند. در حقیقت اجراکننده امور ذهنی انسان، قلب است. گوش، چشم، بینی، دهان، دست، پا و برخی دیگر از اعضا برخی دیگر از اعضا همگی از قلب مأموریت می گیرند. بنابراین، با اراده انسان برای دیدن، چشم [به فرمان قلب] گشوده می شود، با اراده انسان برای شنیدن، گوش ها [به فرمان قلب] می شنوند. با اراده انسان برای دریافت بوی چیزی، بینی [به فرمان قلب] بو می کشد. هنگامی که انسان اراده می کند سخن بگوید، زبان [به فرمان قلب] به حرکت در می آید و چون قصد حرکت کند، دو پای وی [به فرمان قلب] به حرکت در می آیند و زمانی که میل شهوت رانی داشته باشد، قوای جنسی [به فرمان قلب] تحریک می شود. بنابراین همه این اعضا از جانب قلب مأموریت می یابند. (۱)

برای حفظ سلامت قلب و کنترل همیشگی باید آن را از آلودگی ها دور نگه داشت و ناخالصی ها را از آن زدود. بیماری دل و روح از بیماری جسم خطرناک تر است؛ زیرا با تباهی آن، جسم نیز تباه می شود. در رهنمودهای امام علی علیه السلام به امام حسن مجتبی علیه السلام آمده است:

فقر، نوعی بلا- و مصیبت است؛ از آن سخت تر بیماری بدن و از آن دشوارتر بیماری قلب است. ثروت، یکی از نعمت های الهی است که بهتر از آن،

سلامتی بدن و بهتر از سلامتی بدن، پاکیزگی دل و روح انسان است. (۱)

عزتمندی

عزتمندی

عزت و سربلندی از ویژگی های انسان آزاده است. انسان ها به طور فطری، بزرگ منش آفریده شده اند. خداوند در قرآن مجید، آدمی را از پستی و خواری بر حذر داشته و انسان های عزتمند را ستوده است. تحمل خواری و ذلت به قدری تلخ و نارواست که هر دشواری و سختی را به جان می خرنند، ولی ساعتی تحمل خواری را بر نمی تابند، چنان که پیشوای تمام آزادگان جهان، علی علیه السلام، تحمل گرسنگی را بهتر از خواری نیازخواهی دانسته و فرموده است: «الْجُوعُ خَيْرٌ مِنْ ذُلِّ الْخُضُوعِ». (۲)

انسان سربلند و باعزت، محرومیت را تحمل می کند، ولی برای نعمت دنیا دست نیاز به سوی هر کسی دراز نمی کند. اظهار خواری انسان تنها در پیشگاه آفریدگار عزیز و مقتدر جهان شایسته است و اظهار بندگی، کمال بزرگی و مایه سرافرازی انسان است. امام علی علیه السلام در رهنمودی می فرماید: «مَنْ إِعْتَزَّ بِغَيْرِ اللَّهِ ذَلٌّ؛ کسی که از غیر خدا عزت بجوید، خوار می شود.» (۳) بنابراین، مؤمن از کارهای پست و ناشایستی که در شأن انسان های والامقام نیست، دوری می کند و با تحمل دشواری ها و ناکامی ها، سربلند می شود. الگوی وی نیز،

۱- بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۵۱.

۲- غررالحکم، ص ۴۳۳.

۳- غررالحکم، ص ۴۷۸.

بزرگ سرافراز جهان است که فرمود: «هَيْهَاتُ مِنَّا الذَّلَّةُ» (۱) به راستی که سالار آزادگان، امام حسین علیه السلام به اسارت، شهادت و محرومیت از تمام نعمت های دنیا تن داد، ولی لحظه ای زیر بار ذلت نرفت. ملت سرافراز ایران نیز با همین شعار، عزت و سربلندی خود را بازیافت و در این راه، همچنان ثابت قدم و استوار است.

پرهیز از بدهکاری

پرهیز از بدهکاری

بعضی از مردم به دلیل بلندپروازی ها و عقب نماندن از هم قطارانشان، خود را گرفتار قرض می کنند که پی آمدهای نامطلوب فراوانی در پی دارد. این در صورتی است که اگر قناعت پیشه می کردند و با اندک خود می ساختند، می توانستند زندگی را بدون نیاز به وام، پیش ببرند. در آیین اسلام، به همان اندازه که به قرض دادن و راه اندازی کار مردم سفارش شده، از قرض گرفتن و خود را اسیر مردم کردن نهی شده است. امام علی علیه السلام می فرماید:

أَلَدَيْنُ رِقٌّ وَالْقَضَاءُ عِتْقٌ. (۲)

وامداری، بردگی و ادای وام آزادی است.

وام زیاد، گاه آدمی را به دروغ گویی برای بازپرداخت نکردن آن، وا می دارد. امام علی علیه السلام در این مورد می فرماید:

كَثْرَةُ الدَّيْنِ تُصَيِّرُ الصَّادِقَ كَاذِبًا وَالْمُنْجِرَ مُخْلِفًا.

۱- طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۳۰۰.

۲- بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۴۱.

وام زیاد، راست گو را به دروغ گویی وا می دارد و خوش قول را بدقول می گرداند. (۱)

اصولاً بدهکاری تمام فکر و ذهن آدمی را به خود مشغول می سازد؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

إِيَّاكُمْ وَالدِّينَ فَإِنَّهُ هُمْ بِاللَّيْلِ وَذُلُّ بِالنَّهَارِ.

از بدهکاری پرهیزید که غصه شب و خواری روز است. (۲)

و از امام صادق علیه السلام هم روایت شده است:

حَفُّوا الدِّينَ فَإِنَّ فِي خِفِّهِ الدِّينَ زِيَادَةَ الْعُمُرِ. (۳)

بدهی خویش را سبک کنید که سبکی بدهی، مایه زیادی عمر است.

بنابراین، دور از خرد و منطق است که آدمی بدون ضرورت، خود را اسیر بدهکاری کند. متأسفانه برخی، نه برای آبروداری یا نجات از بی خانمانی، بلکه فقط برای چشم و هم چشمی یا بلندپروازی های بی مورد، خود را اسیر وام می سازند.

دنیاگریزی

دنیاگریزی

انسان های وارسته، خود را از بند وابستگی های مادی و بندگی دنیا رهاننده و بندگی خدا را بر بردگی دنیا ترجیح داده اند. خداوند در قرآن مجید، با مثالی زیبا، زندگی زودگذر دنیا را ترسیم می کند و اعمال صالح را شایسته بهترین امیدها و دل بستگی ها می داند و می فرماید:

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۴۵.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۴۱.

۳- بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۴۵.

وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَّاحُ وَ كَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُقْتَدِرًا الْمَالُ وَ الْبُنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ أَمَلًا. (كهف: ۴۵ و ۴۶)

ای پیامبر! زندگی دنیا را برای مردم این گونه مثل بزن که ما آب بارانی از آسمان نازل کردیم و به آن آب، رویدنی های گوناگون زمین در هم پیچیده و خرم رویدند. پس در صبح گاهی خرد و شکسته شدند، به گونه ای که بادها آن گیاهان را پراکنده می کنند و خداوند بر هر چیز اقتدار کامل دارد. مال و فرزندان، زینت حیات دنیاست، ولی اعمال صالح که تا قیامت باقی است، از نظر پاداش و امید و دل بستگی نزد پروردگار بسی بهتر است.

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید:

مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ مَاءِ الْبَحْرِ كُلَّمَا شَرِبَ مِنْهُ الْعَطْشَانُ أَزْدَادَ عَطْشًا حَتَّى يَفْتَلَهُ. (۱)

دنیا مانند آب دریاست که تشنه هر چه از آن آب بیاشامد، تشنگی اش زیادتر می شود تا او را بکشد.

بنابراین، دنیا سرای گذر است و شایسته دل بستن نیست.

الدُّنْيَا دَارٌ مَمَرٌ لَا دَارٌ مَقَرٌّ وَ النَّاسُ فِيهَا رَجُلَانِ؛ رَجُلٌ بَاعَ فِيهَا نَفْسَهُ فَأَوْبَقَهَا وَ رَجُلٌ ابْتِئَاعَ نَفْسَهُ فَأَعْتَقَهَا. (۲)

دنیا سرای گذر است نه خانه اقامت و مردم در آن دو گروهند: عده ای خود را به دنیا فروختند و نفس خود را هلاک کردند و عده ای خود را خریدند و آزاد کردند.

حضرت علی علیه السلام در توصیف دنیا فرموده است:

مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ الْحَيَّةِ لَيْسَ مَسْهَا وَ السَّمُّ النَّاقِعُ فِي جَوْفِهَا يَهْوِي إِلَيْهَا الْغُرُّ

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۳۶.

۲- نهج البلاغه، ترجمه: صبحی صالح، حکمت ۱۳۳.

الْجَاهِلُ وَ يَحْذَرُهَا ذُو اللَّبِّ الْعَاقِلُ. (۱)

دنیا همچون ماری است که پوست آن نرم و سم گشوده در درون دارد که فریب خورده نادان به آن میل و خردمند عاقل از آن دوری می کند.

زهدورزی

زهدورزی

زهد با توجه به موارد کاربردش، مقابل کلمه رغبت و میل قرار دارد. بنابراین، کسی که به چیزی میل و رغبت ندارد، زاهد است. دنیا در نظر زاهد بسیار کم بهاست و اصلتی ندارد. وی آن را فقط وسیله ای برای تأمین سعادت آخرت و محل گذری به سوی حیات جاودانه می داند. امام علی علیه السلام، زهد را تقویت کننده دین دانسته و فرموده است: «إِنَّ مِنْ أَعْوَنِ الْأَخْلَاقِ عَلَى الدِّينِ الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا؛ به تحقیق، اخلاقی که بیش از همه در تقویت دین به انسان کمک می کند، زهد در دنیا است». زهد در دنیا، بنده را از سقوط در پرتگاه طمع در امان می دارد. پیامبر گرامی اسلام می فرماید: «إِنَّ صَيْلَاحَ أَوَّلِ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِالزُّهْدِ وَ الْيَقِينِ وَ هَلَاكُ آخِرِهَا بِالشُّحِّ وَ الْأَمْلِ؛ به راستی که مصلحت نخست این امت، زهد و یقین و نابودی آخر آن، حرص و آرزو است». (۲)

از سویی دیگر زهد، حسرت نخوردن بر چیزهایی است که از دست رفته و مغرور نشدن به چیزهایی است که به انسان می رسد. از این رو، زاهد، از پیش آمدهای ناگوار و مصیبت های جانی و مالی نگران نمی شود و آن را تقدیر الهی می داند. وی نه با از دست رفتن جان، مال، فرزند و زندگی تأسف می خورد و نه در صورت برخورداری از دنیا، مغرور می شود. امام علی علیه السلام در همین باره می فرماید:

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۱۱.

۲- خصال، صدوق، ص ۳۸.

فَمَنْ لَمْ يَأْسِفْ الْمَاضِيَّ وَ لَمْ يَفْرَحْ عَلَى الْآتِي فَقَدْ أَخَذَ الزُّهْدَ بِطَرْفِيهِ. (۱)

کسی که بر آنچه گذشت (از دستش رفت)، افسوس نخورد و بر آنچه به دستش آمد غرور و شادی نیافت، دو طرف زهد را دارد.

پیامبر اکرم در وصیت خویش به ابوذر می فرماید:

يَا اَبَاذِر! مَا زَهَّدَ عَبْدٌ فِي الدُّنْيَا اِلَّا اَثَّبَتَ اللّٰهُ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ وَ اَنْطَقَ بِهَا لِسَانَهُ وَ بَصَّرَهُ عُيُوبَ الدُّنْيَا دَائِمًا وَ دَوَائِمَهَا وَ اَخْرَجَهُ مِنْهَا سَالِمًا اِلَى دَارِ السَّلَامِ. (۲)

ای ابوذر هیچ بنده ای در دنیا زهد نورزید مگر خداوند حکمت در قلب او جایگزین کرد و زبانش را به آن گویا ساخت و او را به عیب های دنیا و دردها و دواهای آن آشنا گردانید و او را از دنیا سالم و شایسته به جوار رحمت خویش به بهشت برین در آورد. بی رغبتی به دنیا زهد کامل است هر چند آدمی دارای مال و منال هم باشد.

اخلاص

اخلاص

اخلاص یعنی تنها برای رضای خداوند کار کردن و همه وجود خود را در اختیار او قرار دادن. ما بنده و آفریده خداییم، پس شایسته است همه اعمال و رفتارمان خالصانه در راه رضایت او باشد و اگر برای رضایت خاطر دیگران کاری انجام دهیم، کار خود را بی ارزش ساخته ایم. اخلاص حقیقی، با نیتی پاک و به دور از خواسته ها و هدف های غیرالهی به دست می آید. در مسیر خالص شدن برای خدا، حتی سخن گفتن و ناچیزترین کارها می تواند برای رضایت خدا باشد. در عمل خالص برای خدا، هوس ها و آرزوهای دنیایی یا خوش آمد و تحسین دیگران نقشی ندارد.

اخلاص، معیار سنجش ارزش و اعتبار تمام اعمال است. پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

۱- نهج البلاغه، ترجمه: فیض الاسلام، کلمه قصار ۴۳۱.

۲- مکارم الاخلاق، ص ۴۶۲.

مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا فَجَرَّ اللَّهُ مِثْقَالَ حَبِّ خَلْطٍ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ. (۱)

کسی که چهل روز خود را برای خداوند خالص کند، خداوند چشمه های دانش و حکمت را از قلبش بر زبانش جاری می گرداند.

عالمان اخلاق می گویند: اگر به نفس و باطن خود صفا دادی، خود را خالص کردی، نفست را تمرین دادی و خودسازی کردی، چشم دلت باز می شود و به معارف الهی دست می یابی. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

إِعْمَلْ لِرُوحِكَ وَاحِدٍ يَكْفِيكَ الْوَجُوهَ كُلَّهَا. (۲)

برای یک جهت (خدا) کار کن تا از همه بی نیاز شوی.

اساسا اخلاص و پاکی، هدف آیین های الهی است و در قرآن هم می خوانیم:

وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ. (بینه: ۵)

بندگان امر نشدند، مگر به اینکه خدا را عبادت کنند و دین را خالص برای خدا قرار دهند.

اخلاص و تقوا، هدف آفرینش و مقصود عبادت و بندگی است که رسیدن به آن مشکل است، ولی بزرگ ترین عنایت و نعمت الهی است. امام صادق علیه السلام می فرماید:

مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَى عَبْدٍ أَجَلَ مِنْ أَلَّا يَكُونَ فِي قَلْبِهِ مَعَ اللَّهِ غَيْرُهُ.

هیچ کدام از نعمت های خداوند بر بنده بالاتر از این نیست که در قلب او جز خدا کسی نباشد.

امام علی علیه السلام نیز در سخنی ارزشمند می فرماید: «الْإِخْلَاصُ غَايَةُ الدِّينِ؛ اخلاص و پاکی، هدف دین است». (۳)

۱- سفینه البحار، ج ۱، ص ۴۰۸.

۲- کنز العمال، ج ۳، ص ۲۳.

۳- غررالحکم، ص ۸۳.

همچنین اخلاص عالی ترین مرتبه یقین و دریافت ژرفای حقایق است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «بِالْإِخْلَاصِ تَتَفَاضَلُ مَرَاتِبُ الْمُؤْمِنِينَ؛ با اخلاص، مراتب مؤمنان برتری می یابد»^(۱).

از آثار اخلاص، کنار رفتن هواهای نفسانی و نیکو شدن اعمال است که زمینه ساز برخورداری از لطف های الهی و امدادهای غیبی می شود.

بندگی خدا

بندگی خدا

بندگی و اطاعت فرمان خدا، هدف آفرینش انسان و جهان است. آدمی با نافرمانی خدا، بر خود ستم می کند؛ زیرا سرافرازی و سعادت وی در اطاعت از خداوند نهفته است. همین بندگی است که به او ارزش و هویت می بخشد و اگر آن را از وی بگیرند، دیگر گل سرسبد موجودات جهان نخواهد بود. پیشوای عابدان، علی علیه السلام می فرماید:

لَيْسَ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَكْرَمُ عَلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ مِنَ النَّفْسِ الْمُطِيعَةِ لِأَمْرِهِ. ^(۲)

هیچ موجودی روی زمین، نزد خداوند سبحان، گرامی تر از انسانی نیست که مطیع امرش باشد.

ارزش اطاعت از خدا در نزد آن حضرت را می توان از این کلام نورانی دریافت که فرمود:

أَشْرَفُ الْأَعْمَالِ الطَّاعَةُ وَ جَمَالُ الْعِبَادَةِ الطَّاعَةُ. ^(۳)

۱- تنبیه الخواطر، ص ۳۶.

۲- غررالحکم، ج ۴، ص ۱۸۲.

۳- غررالحکم، ج ۴، ص ۱۸۲.

شریف ترین کارها، اطاعت از خدای متعال است و زیبایی بنده به اطاعتش از خداوند است.

انسان خردمند، هیچ گاه هدف از آفرینش خود را از یاد نمی برد و هر چه خردش کامل تر شود، اطاعتش نیز افزون تر می شود و نیک می داند که «فِي الطَّاعَةِ كُنُوزُ الْأَرْبَاحِ؛ همه گنج های دنیایی و آخرتی در اطاعت از خداوند است.»^(۱) همه خیرها و خوبی ها، در بندگی در پیشگاه خداوند و گردن نهادن بر فرمان های او جمع است. فرمان بردار و تسلیم حقیقی، به بخشش الهی دست می یابد. در غیر این صورت، از همه خوشبختی ها محروم می شود. امام پارسایان می فرماید: «مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ اجْتَبَاهُ؛ کسی که از خداوند اطاعت کند، خدا او را بر می گزیند.»^(۲) و چه چیز برای انسان بالاتر از آنکه خداوند او را برگزیند؟

میانه روی در معیشت

میانه روی در معیشت

تنظیم درست دخل و خرج، در اداره زندگی نقش مهمی دارد. ضعف تدبیر اقتصادی و ناتوانی در کنترل درآمد و هزینه، شخص را در زندگی اقتصادی اش ناکام می سازد. بنابراین، خرج و دخل باید با برنامه ریزی باشد و با درست خرج کردن، می توان آرامش را در زندگی حفظ کرد.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

۱- غررالحکم، ج ۱، ص ۱۸۳.

۲- غررالحکم، ج ۴، ص ۱۸۲.

قَوَامُ الْعَيْشِ حُسْنُ التَّقْدِيرِ وَ مِلَاكُهُ حُسْنُ التَّدْبِيرِ. (۱)

استواری زندگی به خوب اندازه گیری کردن و اصل آن، تدبیر خوب (برنامه ریزی درست) است.

امام باقر علیه السلام نیز می فرماید:

كُلُّ الْكَمَالِ التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَ الصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ وَ تَقْدِيرُ الْمَعِيشَةِ. (۲)

تمام کمال، در دین شناسی و صبر بر مصیبت های دنیا و نگاه داشتن اندازه در خرج زندگی است.

در احادیث بسیاری، میانه روی در خرج و هزینه، بخش جدایی ناپذیر زندگی به شمار آمده که به زندگی رونق می بخشد. امام علی علیه السلام فرموده است: «الْأَعْقِبَاتُ نَصِيفُ الْمُنُونَةِ؛ میانه روی در خرج، نیمی از درآمد است.» (۳) حضرت در کلامی دیگر فرمود:

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا أَلْهَمَهُ الْأَعْقِبَاتِ وَ حُسْنَ التَّدْبِيرِ وَ جَبَّهَهُ سُوءَ التَّدْبِيرِ وَ الْإِسْرَافِ. (۴)

هرگاه خداوند خیر بنده اش را بخواهد، میانه روی و برنامه ریزی در دخل و خرج را به او الهام می فرماید و وی را از اسراف و ولخرجی دور نگه می دارد.

و درباره آثار پربرکت میانه روی در زندگی می فرماید:

۱- غررالحکم، ج ۴، ص ۳۵۴.

۲- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۷۲.

۳- غررالحکم، ص ۳۵۳.

۴- غررالحکم، ص ۳۵۳.

وَمَنْ صَحِبَ الْأَقْتِصَادَ دَامَتْ صُحْبَةُ الْغِنَى لَهُ وَجَبَرَ الْأَقْتِصَادُ فَقْرَهُ وَخَلَّلَهُ. (۱)

کسی که [در زندگی] با میانه روی همراه باشد، پیوسته بی نیاز است و میانه روی، نداری و فقر را جبران می کند.

کسی که بی حساب و کتاب خرج می کند، به مشکلات فراوانی در زندگی بر می خورد و روی آسایش را نمی بیند، چنان که امام علی علیه السلام در کلامی متین می فرماید: «آفَةُ الْمَعَاشِ سُوءُ التَّدْبِيرِ؛ بی برنامه‌گی و بد خرج کردن، آفت زندگی است.» (۲) گرفتن وام های پر سود از بانک ها را نیز می توان از تصمیم گیری های نابخردانه و اشتباه های اقتصادی خانواده ها به شمار آورد. اگر زن و مرد جوان از همان روزهای آغاز زندگی مشترک، با همکاری و هم دلی، به اندازه خرج کنند و از تجمل گرایی و خرج های غیرضروری پرهیزند، آسایش بیشتری خواهند داشت و گرفتار فقر و بدهکاری نمی شوند.

بنابراین، شایسته است خانواده ها و این کلام گهربار امیرمؤمنان را نیز آویزه گوش سازند که فرمود: «لَنْ يَهْلِكَ مَنْ اَقْتَصَدَ؛ کسی که میانه روی کند، هلاک نمی شود.» (۳) و با توجه به این سخن، از برخی مهمانی ها، سفرهای غیرضروری و تفریح های پرهزینه که از میانه روی خارج است، چشم پوشند.

حضرت علی علیه السلام از عاقل ترین مردم چنین یاد می کند: «أَفْضَلُ النَّاسِ عَقْلًا

۱- غررالحکم، ص ۳۵۴.

۲- غررالحکم، ص ۳۵۴.

۳- غررالحکم، ص ۳۵۳.

أَحْسَنَهُمْ تَقْدِيرًا لِمَعَاشِهِ؛ برترین مردم از نظر عقل، کسی است که بهتر برای خرج زندگی اش برنامه ریزی کند» (۱).

بنابراین، مؤمن، با توکل به خداوند و تکیه بر ایمان، بر خود و برنامه ریزی در زندگی، می تواند در حد نیاز از نعمت ها برخوردار شود. سخن را با کلامی از حضرت علی علیه السلام به پایان می بریم که فرمود:

مَنْ اقْتَصَدَ فِي الْغِنَى وَالْفَقْرِ فَقَدْ اسْتَعَدَّ لِنَوَائِبِ الدَّهْرِ. (۲)

کسی که در وقت توانگری و فقر، میانه روی کند، خود را برای رویارویی با سختی های زندگی آماده کرده است.

خدمت به هم نوع

خدمت به هم نوع

گاهی خداوند به بعضی بندگانش نعمت هایی می دهد تا در خدمت دیگران باشند، ولی اگر از کمک به دیگران دریغ ورزند، آن نعمت ها را از آنان می گیرد و به اهلش می سپارد. خدمت به بندگان خدا، گران قدرترین اعمال و بالاترین عبادت هاست. پس غفلت از این توفیق الهی روا نیست، که رسول گرامی اسلام می فرماید:

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِبَعْدٍ خَيْرًا صَبَّرَ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْهِ. (۳)

هرگاه خداوند بخواهد به بنده ای خیر برساند، نیازهای مردم را به او واگذار می کند.

ایشان در روایتی دیگر، خدمت گزاران به مردم را برگزیدگان خداوند معرفی کرده و فرموده است:

۱- غررالحکم، ص ۵۲.

۲- غررالحکم، ص ۳۵۴.

۳- نهج الفصاحه، ش ۱۴۴.

إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا خَلَقَهُمْ لِحَوَائِجِ النَّاسِ. (۱)

خداوند بندگانی دارد که آنها را برای [برطرف ساختن] نیازهای مردم آفریده است.

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید: «الْمُؤْمِنُونَ خَدَمٌ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ؛ مؤمنان، خدمت گزار یکدیگرند.» (۲) اسلام پیروان خود را به برآوردن نیازهای یکدیگر تشویق و برای برآورده ساختن نیاز همدیگر پاداش هایی مشخص کرده است. رسول گرامی اسلام برای تشویق پیروانش به خدمت به هم نوعانشان، پاداش این عمل را بیان می کند و می فرماید:

أَيُّمَا مُسْلِمٍ خَدَمَ قَوْمًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ مِثْلَ عَدَدِهِمْ خُدَّامًا فِي الْجَنَّةِ. (۳)

هر مسلمانی که به مسلمانان خدمت کند، خداوند به عدد آنها خادمانی در بهشت به او می بخشد.

حضرت امام سجاد علیه السلام می فرماید:

فردی که نیاز برادر دینی خود را برطرف می کند، در اصل خواست خدا را برآورده است و خداوند هم در مقابل، یک صد درخواست و نیاز او را برآورده می کند که یکی از آنها بهشت است. هر کس بار سنگین اندوهی را از دوش برادرش بردارد، خداوند بار سنگین غم های قیامت را _ هر اندازه که باشد _ از دوش او برمی دارد. هر کس برای دفاع از برادر خویش، در برابر

۱- عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۳۷۳.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۸.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۹۴.

ستم کار بایستد و او را یاری دهد، خداوند هنگام گذشتن از صراط که قدم‌ها خواهد لرزید، او را یاری می‌دهد. هر کس با برطرف کردن نیاز برادر دینی خود، او را شاد کند، گویا رسول خدا صلی الله علیه و آله را شاد کرده است. هر کس تشنگی برادر دینی خود را فرونشاند و او را سیراب کند، خداوند او را از باده مختوم سیراب خواهد کرد. هر کس برادر گرسنه خود را سیر کند، خداوند از میوه‌های بهشتی به او می‌خوراند. هر کس برادر برهنه خود را بپوشاند، خداوند به وی استبرق و حریر می‌پوشاند. (۱)

و سخن آخر اینکه امام صادق علیه السلام فرمود: «مسلمان، نیاز برادر مسلمان خود را برطرف نمی‌کند، مگر آنکه خداوند به او می‌فرماید: تو پاداش خود را گرفتی، من به کمتر از بهشت برای تو رضایت نخواهم داد». (۲)

محبت به دیگران

محبت به دیگران

نفوذ در دل‌ها و محبوب شدن در نزد همه، خواسته طبیعی هر انسانی است. در این مسیر، خداوند محبت مؤمن را به دلیل ایمانی که دارد، در دل‌ها قرار می‌دهد.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا. (مریم: ۹۶)

کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، به زودی خداوند محبت‌شان را در دل‌ها قرار می‌دهد.

نفوذ در دل‌ها و همراه ساختن دیگران با خود، راه‌هایی دارد که در احادیث علوی به بعضی از آنها اشاره شده است. معجزه آساترین روش‌ها،

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۴۳.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۴.

نیکی و احسان در حق دیگران است که در این باره حدیث بسیار است. از جمله:

«الْأَيْحْسَانُ يَسْتَعْبِدُ الْإِنْسَانَ؛ نِیْکِی کَرْدَن، اِنْسَان رَا بَه بِنْدِگِی وَا مِی دَارَد.» (۱)

«أَحْسِنُ إِلَى مَنْ شِئْتَ تَكُنْ أَمِيرَهُ؛ بَه هَر کَسِی کَه خَوَاسْتِی اَمِیْر وَ فَرْمَانْرَوای او شوی، خَوَبِی کَن.» (۲)

«بِالْإِحْسَانِ تُمْلِكُ الْقُلُوبَ؛ بَا نِیْکِی کَرْدَن، مِی تَوَان مَالِکِ دَل هَا شُد.» (۳) «مَنْ كَثُرَ إِحْسَانُهُ كَثُرَ خَدَمُهُ وَ أَعْوَانُهُ؛ کَسِی کَه بَسِیَار نِیْکِی کَنَد، خَدَمْت گَزَارَان وَ یَارَانِش زِیَاد مِی شَوْنَد.» (۴) «مَنْ كَثُرَ إِحْسَانُهُ أَحَبَّهُ إِخْوَانُهُ؛ کَسِی کَه نِیْکِی اَش بَسِیَار شَوْد، مَوْرَد مَحَبْت بَرَادَرَانِش قَرَار مِی گِیْرَد.» (۵)

مهرورزی به هم نوعان، فرمان ویژه حضرت حق و سفارش همه پیامبران، به ویژه پیامبر بزرگوار اسلام است. رسول رحمت می فرماید:

الرَّاحِمُونَ يَرْحَمُهُمُ الرَّحْمَنُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِرْحَمُوا مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمْكُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ. (۶)

۱- غررالحکم، ص ۳۸۵.

۲- غررالحکم، ص ۳۸۶.

۳- غررالحکم، ص ۳۸۶.

۴- غررالحکم، ص ۳۸۶.

۵- غررالحکم، ص ۳۸۶.

۶- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۹۹۴.

خدای مهربان به مهرورزان مهر می ورزد. به اهل زمین محبت کنید تا خدا به شما محبت کند.

باز هم از آن حضرت روایت شده است که فرمود:

وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا رَحِيمٌ، قَالُوا كُنَّا رَحِيمٌ قَالَ: لَا حَتَّى تَرْحَمَ الْعَامَّةَ. (۱)

سوگند به خدایی که جانم در دست قدرت اوست، جز انسان مهربان وارد بهشت نمی شود. گفتند: همه ما مهربانیم. فرمود: نه! تا به همه مهر نوزید، نمی توان گفت مهربانید.

پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله در روایتی، مردم را برای حل مشکلاتشان به سوی انسان هایی راهنمایی می کند که به زیور مهر آراسته اند و می فرماید:

أَطْلُبُوا الْحَوَائِجَ إِلَى ذِي الرَّحْمَةِ مِنْ أُمَّتِي تُرْزَقُوا وَتَنْجَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ -عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: رَحْمَتِي فِي ذِي الرَّحْمَةِ مِنْ عِبَادِي وَلَا تَطْلُبُوا الْحَوَائِجَ عِنْدَ الْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ فَلَا تُرْزَقُوا وَلَا تَنْجَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ -عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: إِنَّ سَخَطِي فِيهِمْ. (۲)

نیازهای خود را در میان امت من از آراستگان به محبت بخواهید، تا به رزق و روزی دست یابید و رستگار شوید؛ زیرا خدای عزوجل می فرماید: مهر و رحمت من در میان بندگانم، نزد مهرورزان است. نیازهای خود را از سنگ دلان نخواهید که به رزق و روزی نرسید و کامیاب نگردید؛ زیرا خدای عزوجل می گوید: خشم و غضب من در آنان است.

حضرت امام باقر علیه السلام نیز می فرماید:

۱- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۹۹۶.

۲- مجموعه ورام، ج ۱، ص ۲.

ما ضَرْبَ عَبْدٍ بِعُقُوبِهِ أَعْظَمَ مِنْ قَسْوِهِ الْقَلْبِ. (۱)

کیفری بزرگ تر از سنگ دلی برای بنده قرار داده نشده است.

همان گونه که سنگ دلی کیفری برای بنده و مایه عذاب وی در قیامت است، نرمی دل و داشتن عشق و عاطفه، نعمت ویژه خداوند به بنده است. مهرورزی رحمت الهی را برمی انگیزد و سبب ورود به بهشت است.

خیرجویی

خیرجویی

کسانی که از انجام کارهای ناشایست زیان دیده اند، بسیارند، ولی هیچ کس از نیکی کردن زیان ندیده است. حتی افراد بد هم از کار خوب خشنود و از بدی و ستم دیگران در حق خود ناراحت می شوند؛ زیرا فطرت آدمی، به خیر و نیکی گرایش دارد و با زشتی ها و بدی ها، ناسازگار است. امام علی علیه السلام اوج بزرگواری را در انجام کارهای خیر و نیکی به دیگران می داند و می فرماید: «الْمَعْرُوفُ أَشْرَفُ سَيَادَةٍ؛ بهترین بزرگی ها، انجام کار خوب است.» (۲) آن حضرت، جاودانگی و ماندگاری نام را نیز در انجام دادن کار نیک می داند و می فرماید:

زِدْ فِي اضْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ وَ أَكْثِرْ مِنْ إِسْدَاءِ الْإِحْسَانِ فَإِنَّهُ أَبْقَى ذُخْرًا وَ أَجْمَلُ ذِكْرًا. (۳)

بر نیکی خود به مردم بیفزای و زیاد احسان کن که پایدارترین ذخیره و

۱- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۷۶.

۲- غررالحکم، ص ۳۸۲.

۳- غررالحکم، ج ۲، ص ۲۱۳.

زیباترین یادگار است.

کارهای نیک، افزون بر مقام بخشیدن به نیکوکار، بدی ها و بلاها را نیز از وجود وی دور و در حقیقت بیمه اش می کنند، به فرمایش امام علی علیه السلام:

صَنَائِعُ الْمَعْرُوفِ تَقِي مَصَارِعَ الْهَوَانِ (۱).

کارهای نیک، انسان را از زمین خوردن و افتادن در پستی ها ننگه می دارد.

همچنین فرمود:

صَنَائِعُ الْمَعْرُوفِ تُدْرِ النَّعْمَاءَ وَ تَدْفَعُ الْبُلَاءَ (۲).

انجام کارهای نیک، نعمت ها را فراوان و بدی ها را دور می کند.

کمک به محرومان و زیردستان با ساختن مدرسه و بیمارستان و هر خدمت دیگر برای رفاه عمومی و برآورده ساختن نیازمندی های اجتماع، از مصداق های احسان و نیکوکاری است که دریغ کردن از آن شایسته نیست.

قناعت ورزی

قناعت ورزی

قناعت، گنجی است پایان ناپذیر و برخورداری از این روحیه، لطفی است از جانب پروردگار. این نعمت پنهان، انسان را از گرفتار آمدن در دام دنیاطلبی، که سرچشمه همه فتنه هاست، حفظ می کند.

بلندپروازی و زیاده خواهی، انسان را از مسیر درست و چارچوب شریعت خارج می کند و به سقوط می کشاند. به فرمایش علی علیه السلام: «مَنْ طَلَبَ الزِّيَادَةَ وَقَعَ

۱- غررالحکم، ج ۲، ص ۲۱۳.

۲- غررالحکم، ج ۲، ص ۲۱۳.

فِي النَّفْسَانِ؛ هِر كَس زِيَادَه خَوَاهِد، دَر كَاسْتِي اِفْتَد». (۱)

راه مبارزه با این روحیه شیطانی، روی آوردن به قناعت است.

قناعت به انسان آرامش می بخشد، زندگی را زیبا و آسان می سازد و روح و جان را از خستگی و تباهی می رهاند. از این رو، خردمندان، قناعت ورزی را بر زیاده خواهی ترجیح می دهند، چنان که امام علی علیه السلام فرمود: «مَنْ عَقَلَ فَنِعَ؛ هِر که دارای خرد باشد، قناعت پیشه می کند». (۲) و نیز فرمود: «كَفَى بِالْمَرْءِ عَقْلًا أَنْ يُجْمَلَ فِي مَطَالِبِهِ؛ دَر خَرْدَمَنْدِي آدَمِي هَمِين بَس است که در خواسته هایش قناعت کند». (۳)

شرم و حیا

شرم و حیا

حیا، زیباترین و امن ترین پوششی است که خداوند به بنده اش بخشیده است. همه زیبایی ها و کمال ها و خوبی ها ریشه در حیا دارند. حضرت علی علیه السلام درباره حیا می فرماید:

الْحَيَاءُ تَمَامُ الْكِرَامِ وَ أَحْسَنُ الشِّيمِ. (۴)

حیا تمام خوبی ها و نیکوترین رفتارها است.

هیچ لباسی، زیباتر از لباس حیا نیست، چنان که امام علی علیه السلام فرمود:

۱- غررالحکم، ج ۲، ص ۲۳.

۲- غررالحکم، ج ۲، ص ۳۳۰.

۳- غررالحکم، ج ۲، ص ۲۲.

۴- غررالحکم، ج ۲، ص ۲۵۶.

«أَحْسَنُ مَلَابِسِ الدُّنْيَا الْحَيَاءُ؛ نيكوترین لباس های دنیا، لباس حیا است».(۱)

حیا، حافظ ایمان و جزء جدایی ناپذیر آن است. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ؛ ایمان ندارد آن که حیا ندارد».(۲)

و نیز همچون نگهبانی انسان را از گناه بازمی دارد. به فرموده امام علی علیه السلام: «الْحَيَاءُ يَصِيْدُ عَنِ الْفِعْلِ الْقَبِيْحِ؛ حیا آدمی را از کار زشت بازمی دارد».(۳)

بیشتر جرم ها و زشتی ها از بی حیایی سر می زند. هر چه پرده حیا کنارتر رود، آدمی بر ارتکاب گناهان پنهان و آشکار جسورتر می گردد، تا جایی که حجاب حیا به کلی برداشته می شود و در آن صورت، آدمی از هیچ گناهی سر باز نمی زند. امام موسی بن جعفر علیه السلام می فرماید:

الْحَيَاءُ مِنَ الْاِيْمَانِ وَ الْاِيْمَانُ فِي الْجَنَّةِ وَ الْبَدَاءُ مِنَ الْجَفَاءِ وَ الْجَفَاءُ فِي النَّارِ.(۴)

حیا جزئی از ایمان است و ایمان در بهشت است؛ بی حیایی نیز از پرده دری سرچشمه می گیرد و پرده دری در آتش است.

باید توجه داشت که هر چه کمال و خرد در مرتبه بالاتری باشد، حیا نیز بیشتر خواهد بود. حیا از خدا، حیا از خود و حیا از مردم، هر سه، میوه شیرین خرد هستند. امام علی علیه السلام می فرماید:

۱- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۳۱.

۲- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۳۱.

۳- غررالحکم، ص ۲۵۷.

۴- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۰۹.

الْعَقْلُ شَجَرَةٌ ثَمَرُهَا السَّخَاءُ وَالْحَيَاءُ. (۱)

عقل، درخت تنومندی است که میوه شیرین آن سخاوت و حیا است.

کنترل سخن

کنترل سخن

آن که کمتر سخن می گوید و بیشتر سکوت می کند، کمتر گرفتار اشتباه و گناه می شود و بیشتر سخنانش سنجیده است، ولی کسی که زیاد صحبت می کند، از هر دری سخنی می گوید و در لابه لای سخنانش، بسیاری از ناگفتنی ها را نیز می گوید که گفتنشان زیان بار خواهد بود.

از آفات سخن گفتن زیاد، نقل شنیده ها برای دیگران است، در حالی که هر شنیده ای حق و در خور بازگو کردن نیست. بنا بر سفارش های اخلاقی، نباید تمام شنیده ها یا حتی دانسته ها را برای دیگران نقل کرد. بلکه باید با در نظر گرفتن اهمیت موضوع، شرایط حاضر، ارزش موضوع و لزوم بازگویی اگر تشخیص داد که گفتن آن سخن درست است، بگوید. در غیر این صورت، لب از سخن فروبندد که بسا یک سخن ناسنجیده و نابجا، فساد برپا و اختلاف ها ایجاد می کند. بنابراین، به فرموده امام علی علیه السلام :

مِنْ عَقْلِ الرَّجُلِ أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ بِجَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ. (۲)

از درایت و عقل مرد این است که هر چه می داند، نگوید.

پس انسان نه تنها سخنی را که از درستی آن مطمئن نیست، نباید بر زبان آورد، بلکه تمام دانسته هایش را هم نباید بگوید. بهتر است سخنی که به او

۱- غررالحکم، ج ۲، ص ۱۴۲.

۲- غررالحکم، ج ۲، ص ۲۱۳.

مربوط نیست نگوید و از گفتن سخنان دیگر نیز جز در موارد ضرورت پرهیزد. شنیدن هر سخنی روا نیست و بی درنگ بر زبان آوردن آن نیز اشتباه است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

كَفَى بِالْمَرْءِ كَذِبًا أَنْ يُحَدِّثَ بِكُلِّ مَا يَسْمَعُ. (۱)

در دروغ گویی انسان همین بس که هر چه بشنود برای دیگران نقل کند.

مردم دوستی

مردم دوستی

در منابع دینی، به حدیث هایی برمی خوریم که هر یک به گونه ای اهمیت و ارزش مردم دوستی را می نمایانند و بدان تشویق می کنند. از سوی دیگر، مردم گریزی، بی مهری به هم نوعان، سرفرو بردن در کار خود و کناره گیری از اجتماع نکوهش شده است. امام علی علیه السلام می فرماید:

أَعَجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ الْاِخْوَانِ وَ أَعَجَزُ مِنْهُ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ ظَفَرَ بِهِ مِنْهُمْ. (۲)

ناتوان ترین مردم کسی است که از یافتن دوست ناتوان باشد و ناتوان تر از او کسی است که دوستی به دست آورد و او را از دست بدهد.

انسان های مردم دوست، همچون باران هستند؛ بر سرزمین دل ها می بارند و چون جویباری هستند که در مسیر زندگی خویش همه را از خود بهره مند می سازند. حضورشان در همه جا رحمت و مهربانی است و جز سخنان مهرآمیز از آنان شنیده نمی شود، گوهر دوستی و انس دیگران را در دل دارند و در روابط اجتماعی جلوه لطف و رحمانیت خداوندند. این نیک سیرتان از ژرفای وجودشان به مردم عشق می ورزند و با آنان

۱- بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۲۵۰.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۱۱.

می جوشند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

خَيْرُكُمْ أَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقًا الَّذِينَ يَأْلِفُونَ وَيُؤْلَفُونَ. (۱)

برگزیده ترین شما خوش خوترین شما است؛ آنان که با دیگران انس می گیرند و دیگران نیز با آنان مانوس می شوند.

در روایتی دیگر آمده است:

خَيْرُ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ كَانَ مَأْلَفُهُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يَأْلِفُهُمْ وَلَا يُؤْلَفُهُمْ. (۲)

بهترین مؤمنان کسانی هستند که به مؤمنان انس ورزند، مؤمنی که با دیگران انس نگیرد و دیگران نیز با او انس نگیرد، در او خیر و نیکی نیست.

خیر و صلاح جامعه در گرو نوع دوستی است؛ نعمتی که غفلت از آن روا نیست و باید همواره سرلوحه روابط اجتماعی باشد. در قرآن نیز از این نعمت یاد شده است:

وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا. (آل عمران: ۱۰۳)

و نعمت خدا را بر خویشتن به یاد آرید؛ آن گاه که دشمن یکدیگر بودید و دل هایتان را به هم الفت بخشید، تا در پرتو نعمتش برادر شدید.

پیوند زدن دل ها، نزدیک ساختن اندیشه ها و در اختیار گرفتن قلب انسان ها، کار آسانی نیست. آن که می کوشد تا مردم را در صحنه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نگه دارد و از پراکندگی و تک روی به وحدت بکشاند، کار بزرگی انجام می دهد. امام علی علیه السلام می فرماید:

إِزَالَةُ الرَّوَاسِي أَسْهَلُ مِنْ تَأْلِيفِ الْقُلُوبِ الْمُتَنَافِرَةِ. (۳)

۱- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۲۸.

۲- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۲۸.

۳- بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۱.

کندن کوه های استوار، آسان تر از پیوند دادن دل های از هم جداست.

آن حضرت در آخرین لحظه های زندگی، به فرزندان چنين وصیت کرد:

يَا بَنِي عَاشِرُوا النَّاسَ عِشْرَةً إِنَّ عِبْتُمْ حُنُوءًا إِلَيْكُمْ وَإِنْ فُقِدْتُمْ بُكُوا عَلَيْكُمْ. (۱)

فرزندانم! با مردم به گونه ای رفتار کنید که اگر زنده باشید، مشتاق دیدارتان باشند و اگر مردید، برایتان بگریند.

این احادیث و ده ها حدیث و روایت دیگر، بیان کننده جایگاه و اهمیت انس گرفتن با مردم به ویژه مؤمنان است که وظیفه هر کس را در روابط اجتماعی سنگین تر می کند.

انصاف ورزی

انصاف ورزی

رعایت انصاف در زندگی، ایجاد محبت و هم دلی، برطرف شدن کینه و دشمنی ها، خشنودی خداوند و رضایت اطرافیان را به دنبال دارد. انصاف یعنی طرف حق را گرفتن، پذیرش منطق حق و دادن حق به صاحب آن. جانب داری غیرمنطقی از فرد یا گروه یا موضوعی خاص، دور از انصاف و تنها نتیجه آن، پیدایش تنش و اختلاف است؛ در حالی که انصاف، الفت و وحدت در پی می آورد. امام علی علیه السلام می فرماید:

الْإِنصَافُ يَرْفَعُ الْخِلَافَ وَيُوجِبُ الْأَيْتِنَافَ. (۲)

در سایه انصاف، اختلاف ها رخت برمی بندد و الفت و وحدت پدیدار

۱- بحارالانوار، ج ۴۲، ص ۲۴۷.

۲- غررالحکم، ص ۳۹۴.

می شود.

اگر انسان، در کشمکش با دیگری، به اشتباه خود پی ببرد و به آن اعتراف کند و از طرف مقابل عذر بخواهد؛ اگر حق کسی را که خورده به او بازگرداند؛ اگر قضاوت ناحق خود را درست کند و اگر از سهل انگاری یا اشتباهی که در حق زن و فرزندش مرتکب شده، پوزش بخواهد، می توان گفت که جانب انصاف را رعایت کرده است، ولی چنانچه روی موضوعی پافشاری کند و با وجود شناخت حق، از سر تعصب و لجاجت، آن را نپذیرد، از جاده انصاف و عدالت بیرون می رود و فرجام خوبی در انتظارش نخواهد بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره تعصب نابجا می فرماید:

مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ حَبَّةٌ مِنْ خَزْدَلٍ مِنْ عَصِيْبِهِ بَعَثَهُ اللهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ أَعْرَابِ الْجَاهِلِيَّةِ. (۱)

هر کس به اندازه دانه خردلی در دلش تعصب باشد، خداوند در قیامت او را با اعراب جاهلی برمی انگیزد.

تشکر از دیگران

تشکر از دیگران

همان گونه که انسان ها باید شکر گزار خداوند به جهت نعمت هایش باشند، باید شکر گزار خدمات و محبت های مردم نیز بود. در واقع، شکر گزاری و تشکر از مردم، به جای آوردن شکر الهی است.

امام رضا علیه السلام فرمود:

مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعَمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ - عَزَّوَجَلَّ. (۲)

۱- بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۲۸۴.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۴۲.

هر کس از کار نیک مخلوقی تشکر نکند، سپاس خداوند را به جا نیاورده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در روایتی می فرماید:

روز قیامت بنده ای را می آورند و در پیشگاه خداوند قرار می دهند، خداوند امر می کند تا او را در آتش اندازند. آن بنده می گوید: پروردگارا! آیا می فرمایی که مرا به آتش اندازند، در حالی که قرآن می خواندم؟ خداوند می فرماید: ای بنده من! من به تو نعمت دادم، ولی تو شکر آن را به جا نیاوردی. می گوید: خدایا! این نعمت را دادی این شکر را کردم، آن نعمت را دادی آن شکر را کردم. پس مرتب نعمت های الهی را می شمارد و از شکر آنها یاد می کند. خداوند می فرماید: راست گفتی، ولی از کسی که نعمتم را با دست او به تو رساندم، تشکر نکردی...

وَإِنِّي قَدْ آَلَيْتُ عَلَى نَفْسِي أَنْ لَا أَقْبَلَ شُكْرَ عَبْدٍ لِنِعْمَةٍ أَنْعَمْتُهَا عَلَيْهِ حَتَّى يَشْكُرَ مَنْ سَاقَهَا مِنْ خَلْقِي إِلَيْهِ. (۱)

و من سوگند یاد کرده ام شکر نعمت بنده ای را که به او نعمتی داده ام، نپذیرم تا از کسی که نعمت را به او رسانده است، تشکر کند.

البته تشکر از مخلوق نباید انسان را از شکر خالق غافل کند، بلکه سپاس گزاری باید به گونه ای باشد که نه رنگ چاپلوسی به خود گیرد و نه سبب خواری سپاس گزار شود.

فصل دوم: ناشایسته های اخلاقی

اشاره

فصل دوم: ناشایسته های اخلاقی

زیر فصل ها

دخالت در امور دیگران

چشم چرانی

بدگمانی

بخل ورزی

دروغ گوئی

طمع کاری

بدگوئی

آرزوهای دست نیافتنی

زیاده روی در شوخی

هم نشینی با بدان

مردم آزاری

جدال

عیب جوئی از دیگران

شهرت طلبی

تنبلی

ریاکاری

لهوگرایی

تکبر و لجاجت

نیرنگ و فریب کاری

خرافه گرایی و فال زنی

نجوا کردن و بلند صحبت کردن

حسادت

زیاده طلبی و بلند پروازی

خشم

سرزنش کردن دیگران

سخن چینی

ناسپاسی و کفران نعمت

دخالت در امور دیگران

دخالت در امور دیگران

از رذیلت های اخلاقی، دخالت بی جا در امور دیگران است. دخالت و اظهار نظر افراد در مسائلی که به آنان مربوط نیست، افزون بر آسیب های روحی برای خودشان، پی آمدهای زیان بار اجتماعی نیز دارد؛ زیرا گاه سبب ایجاد کدورت، دشمنی، فتنه و آشوب می شود. از این رو، در احادیث اسلامی به شدت از این کار نهی شده است. رسول گرامی اسلام می فرماید:

أَعْظَمُ النَّاسِ قَدْرًا مَنْ تَرَكَ مَا لَا يَغْنِيهِ. (۱)

ارجمندترین مردم کسی است که کارهایی که به او مربوط نیست، ترک کند.

و در سخنی دیگر می فرماید:

مِنْ حُسْنِ إِسْلَامِ الْمَرْءِ تَرْكُهُ مَا لَا يَغْنِيهِ. (۲)

از (نشانه های) مسلمان خوب، دوری کردن از اموری است که به وی مربوط نیست.

بنا بر روایات دینی، دخالت در امور نامربوط، فرد را در نظر دیگران بی قدر و منزلت می کند. امام صادق علیه السلام فرمود: «إِيَّاكَ وَالدُّخُولَ فِيمَا لَا يَغْنِيكَ فَتِيدَلُّ؛ در آنچه به تو مربوط نیست، دخالت مکن که خوار می شوی.» (۳) بنابراین، کسی که در پی دست یابی به اهداف والای زندگی و رسیدن به سربلندی است، باید از

۱- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۷۶.

۲- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۳۳.

۳- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۷۵.

اظهار نظر و دخالت در اموری که ارتباطی به وی ندارند، دوری کند و فرصت ها و سرمایه عقل و فکر خویش را صرف وظایف و امور اساسی زندگی خود کند. امام علی علیه السلام می فرماید:

مَنْ اشْتَغَلَ بِغَيْرِ ضَرُورَتِهِ فَوْتَهُ ذَلِكَ مَنَفَعَتُهُ. (۱)

هر کس به کارهای غیر ضروری مشغول شود، منافع خود را از دست خواهد داد.

چشم چرانی

چشم چرانی

یکی از آلودگی های نفس و روح آدمی، ناپاکی چشم و نگاه است. خداوند متعال می فرماید:

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ. (نور: ۳۰)

ای رسول ما! به مردان باایمان بگو چشمان خود را از نگاه ناروا بپوشانند و فروج و اندامشان را محفوظ دارند که این پاکیزگی (جسم و جان) بر ایشان پاک تر است و البته خدا به اعمال آنها آگاه است.

نگاه های آلوده، تخم شهوت را در دل انسان بارور و او را گرفتار فتنه می کند و از صراط مستقیم خارج می سازد. گاه یک نگاه حتی کوتاه، می تواند حسرتی طولانی برای صاحبش به ارمغان آورد یا قلب سالم وی را بیمار کند. امام صادق علیه السلام فرمود:

الْنَظْرُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ وَ كَمْ مِنْ نَظْرِهِ أَوْرَثَتْ حَشْرَهُ طَوِيلَةً. (۲)

۱- غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۷۶.

۲- اصول کافی، ج ۵، ص ۵۵۹.

نگاه به نامحرم، تیری مسموم از تیرهای شیطان است و چه بسا نگاهی [کوتاه] که حسرتی طولانی در پی آورد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

النَّظْرَةُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ. (۱)

نگاه (به نامحرم) تیری زهرآلود از تیرهای شیطان است.

تیر مسموم بر جسم انسان اثر و آن را تباه می کند، ولی نگاه مسموم بر روح اثر می گذارد و دل انسان را فاسد می کند.

زهر چشم در برخی موارد کشنده تر و خطرناک تر از سم گیاهان و حیوان هاست؛ زیرا آلودگی و فساد زهر حیوانات در ارکان زندگی انسان چندان اثری ندارد، ولی زهر نگاه های مسموم، گاه شیرازه زندگی افراد و خانواده ها را از هم می پاشد. به همین دلیل، امام صادق علیه السلام می فرماید:

النَّظْرَةُ بَعْدَ النَّظْرِ تَزْرَعُ فِي الْقَلْبِ الشَّهْوَةَ وَ كَفَى بِهَا لِصَاحِبِهَا فِتْنَةً. (۲)

نگاهی از پس نگاه (نگاه های پی در پی)، در دل شهوت می رویاند و همین، برای به پا کردن فتنه برای صاحبش (و نابودی او) کافی است.

صاحب نگاه ناپاک، با این عمل خود، نوعی نگرانی و پریشانی در دل خویش ایجاد می کند و خود را در مسیر هیجان های بدفرجام و تباهی قرار می دهد. از این رو، در آموزه های روایی از این عمل نهی شده است. امام رضا

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۸.

۲- من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۸.

علیه السلام می فرماید:

نگاه کردن به موی سر زنان با عفت و شوهردار و دیگر زنان، به خاطر آن حرام گردیده است که سبب تحریک مردان و در نتیجه به پا شدن فسادها می شود و مردان به کارهای حرام رو می آورند. همچنین است نگریستن به اندام دیگر زنان که مانند موهایشان تحریک آمیز است. (۱)

بنابراین، اگر نگاه ناپاک را سرچشمه فسادها و تباهی ها بدانیم، نادرست نیست. یکی از پی آمدهای ترک چشم چرانی جای گزینی ایمان در دل و آرامش قلب است.

از امیر مؤمنان، علی علیه السلام نیز روایت شده است: «الْعُيُونُ مَصَائِدُ الشَّيْطَانِ؛ چشم ها کمین گاه های شیطان است.» (۲)

بنابراین، باید پیوسته مراقب چشم ها بود تا شیطان از آن برای بر باد دادن ایمان و بی حرمتی به ناموس دیگران استفاده نکند.

قرآن مجید به مردان و زنان سفارش می کند تا مراقب چشمان و عفت خویش باشند.

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ. (نور: ۳۱)

به زنان باایمان بگو چشمانشان را (از نامحرم) فرو گیرند و دامن خود را حفظ کنند.

هر یک از اعضای بدن مؤمن، در عبادت پروردگار متعال وظیفه ای دارد که در صورت عمل به آن، ارزشمند است. حضرت علی علیه السلام نیز درباره مراقبت از چشم ها می فرماید:

لَيْسَ فِي الْبَدَنِ شَيْءٌ أَقَلُّ شُكْرًا مِنَ الْعَيْنِ فَلَا تُعْطُوهَا سُؤْلَهَا فَتَشْغَلْكُمْ عَنْ ذِكْرِ

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۹۳.

۲- غررالحکم، ج ۱، ص ۲۳۵.

اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ. (۱)

در بدن، عضوی کم سپاس تر از چشم نیست. خواسته اش را ندهید که شما را از یاد خدا باز می دارد.

رسول گرامی اسلام می فرماید:

آن که پیوسته چشمانش را از نگاه به نامحرم آکنده کند، روز قیامت خداوند با میخ های آتشین، چشمانش را از آتش پر سازد تا وقتی که به حساب مردم رسیدگی شود. سپس او را به دوزخ برند. (۲)

مؤمنان غیرتمند، از نگاه حرام و ناپاک به ناموس دیگران به دورند. شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا نگاه کردن به پشت سر زن هایی که در حال گذرند، جایز است؟ حضرت پاسخ داد: «اگر به ناموس شما این گونه نگاه کنند، خشنود می شوید؟ برای مردم همان را بخواهید که برای خود می خواهید.» (۳) رسول گرامی اسلام فرمود:

چشم چرانی، تیری است از تیرهای مسموم ابلیس. هر کس این گناه را فقط به خاطر خداوند ترک کند، خداوند آرامش و ایمان را در دل او جایگزین می کند و طعم آنها را به او می چشاند. (۴)

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۵.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۵۴.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۵۵.

۴- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۹۲.

یکی از صفت های شیطانی که مؤمن باید از آن پرهیزد، بدگمانی نسبت به برادران ایمانی است. مؤمن راستین، با گمان بد، خاطر خویش را آزرده نمی سازد و دیگران را به آسانی تحقیر یا متهم نمی کند، بلکه با دلی پاک و باصفا، سلامت نفس خود و حرمت هم کیشان را پاس می دارد. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ. (حجرات: ۱۲)

ای اهل ایمان! از بسیاری گمان ها درباره یکدیگر پرهیزید که برخی پندارها گناه است.

بدگمانی به یکدیگر، پی آمدهای ویرانگری دارد. بدگمانی زن و شوهر به یکدیگر می تواند کانون خانواده را متلاشی سازد و بدگمانی دوستان به هم، دوستی را در کام آنان تلخ می گرداند. به همین ترتیب، با رواج بدگمانی در جامعه، زندگی جهنم می شود؛ اعتماد و هم دلی از بین می رود؛ آرامش خاطر جای خود را به پریشانی و دلهره می دهد و غیبت و تهمت زیاد می شود. از این رو، اهل بیت علیهم السلام در احادیث خود بدگمانی را نکوهش کرده و آن را خلاف خرد و مصلحت اجتماعی و برای دین و دنیا زیان بار دانسته اند. پیامبر گرامی اسلام نیز می فرماید: «وَ إِذَا ظَنَنْتُمْ فَلَا تُحَقِّقُوا؛ وقتی گمان بردید، پس آن را حقیقت مپندارید و به آن ترتیب اثر ندهید.» (۱) امام علی علیه السلام می فرماید: «سُوءُ الظَّنِّ يُفْسِدُ الْأُمُورَ وَ يَبْعَثُ عَلَيَّ الشُّرُورَ؛ بدگمانی، کارها را تباه می کند و انسان را به بدی ها و او می دارد.» (۲)

۱- نهج الفصاحه، ص ۳۸.

۲- غررالحکم، ج ۲، ص ۶۶.

امام در سخنی دیگر می فرماید:

مَنْ غَلَبَ عَلَيْهِ سُوءُ الظَّنِّ لَمْ يَتْرُكْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ خَلِيلٍ صَلَاحًا. (۱)

کسی که بدگمانی بر او چیره شود، هیچ دوستی برای خود نگه نمی دارد.

محمد بن فضیل می گوید: به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام عرض کردم: قربانت گردم، درباره برخی برادرانم مطالبی ناخوشایند می شنوم و چون از آنها می پرسم، منکر آن می شوند، در حالی که گروهی از افراد مورد اعتماد آن را به من خبر داده اند. امام فرمود:

يَا مُحَمَّدُ كَذَّبَ سَمْعَكَ وَ بَصَرَكَ عَنْ أُخِيكَ فَإِنْ شَهِدَ عِنْدَكَ خَمْسُونَ قَسَامَةً وَ قَالَ لَكَ قَوْلًا فَصَدَّقَهُ وَ كَذَّبَهُمْ. (۲)

ای محمد! آنچه چشمت درباره عیب برادرت دیده و گوشت شنیده است، انکار کن. (یعنی بگو درست ندیده و درست نشنیده) و اگر پنجاه نفر (یا پنجاه مرتبه) نزد تو سوگند بخورند که برادرت چنین گفته و او چیز دیگر گوید، سخن برادرت را باور و سخن آن گروه را انکار کن. (یعنی بنا به گفته آنها عمل نکن و گواهی آنان را نشنیده بگیر).

اگر در جامعه اسلامی، مؤمنان نسبت به یکدیگر بدگمان باشند، روح عطوفت و مهربانی در میان آنان می میرد و نشانی از همکاری و اتحاد در مسائل اجتماعی دیده نخواهد شد.

۱- غررالحکم، ج ۲، ص ۶۸.

۲- سفینه البحار، ج ۲، ص ۱۱.

بخل ورزی

بخل ورزی

ثروت، نعمتی فناپذیر است و برای هیچ کس جاودانه نمی ماند. پس چرا انسان در مورد چیزی بخل ورزد که با بخشش آن به پاداش می رسد و با نگه داری آن گرفتار عذاب می شود یا با اینکه خداوند متعال درباره بخشش مال وعده جبران آن را فرموده، به این وعده الهی اعتماد نکند؟

امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: «إِنْ كَانَ الْخَلْفُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ حَقًّا فَالْبُخْلُ لِمَاذَا؛ اگر وعده جبران از سوی خداوند، حق است، بخل ورزیدن برای چیست؟» (۱)

فضل بن ابی قزّه نیز می گوید: حضرت امام صادق علیه السلام را دیدم که شب تا صبح، خانه خدا را طواف می کرد و در طول طواف پیوسته می فرمود: «خداوندا! مرا از شر بخل روحم حفظ فرما.» خدمت آن حضرت عرض کردم: فدایت شوم، من از شما دعایی جز این نشنیدم! حضرت فرمود: «چه چیز از بخل روح سخت تر و دردناک تر است؟ خداوند در مورد این صفت ناپسند می فرماید: کسانی که از بخل روح در امانند، از رستگاران هستند.» (۲) (تغابن: ۱۶)

آن حضرت در کلامی دیگر فرمود:

بخل ورزیدن بخیل، چه در حالی که دنیا به او رو کرده و چه در زمانی که به او پشت کرده، مرا به شگفتی وا داشته است؛ زیرا بخشش در هنگام روی آوردن دنیا به وی هیچ زیانی برای او به دنبال ندارد، همچنین بخل ورزیدن در زمانی که دنیا به او پشت کرده، سودی به حالش نخواهد داشت. (۳)

۱- من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۹۳.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۳۰.

۳- بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۳۰۰.

بخیل از بهشت، دور و به دوزخ، نزدیک است و چه بسا در پایین ترین طبقه های دوزخ جا داشته باشد. پیامبر گرامی اسلام فرمود که خداوند فرموده است:

حَرَّمْتُ الْجَنَّةَ عَلَى الْمَنَّانِ وَالْبَخِيلِ وَالْقَتَاتِ. (۱)

بهشت را بر سه گروه حرام کرده ام: منت گذار، بخیل و سخن چین.

همچنین فرمود: «حَصَّيْ لِمَنَ لَا تَجْتَمِعَانِ فِي مُسْلِمٍ: الْبُخْلُ وَ سُوءُ الْخُلُقِ؛ دو خصلت است که در مسلمان جمع نمی شود: بخل و بداخلاقی.» (۲) امام صادق علیه السلام در همین مورد می فرماید: «صاحب بخل و حسد و ترس، ایمان ندارد؛ زیرا مؤمن هیچ گاه ترسو، حسود و بخیل نخواهد بود.» (۳)

ایمان شخص بخیل کامل نیست و به بهشت نیز راه نخواهد یافت، مگر آن که رحمت خدا شامل حالش شود و این خصلت ناپسند را از خود دور سازد؛ زیرا در اسلام گناه بخیل به دلیل بدگمانی اش به خداوند، بسیار سنگین است. حضرت امام صادق علیه السلام می فرماید: «الْشُّحُّ الْمَطَاعُ سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛ بخلی که انسان را به پیروی از خود وا دارد، دلیل بدگمانی بخیل به خداوند متعال است.» (۴) در حالی که خوش گمانی به خداوند، به انسان شجاعت می بخشد، او را از

۱- بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۶۴.

۲- بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۳۰۱.

۳- وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۰.

۴- وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۱.

اندوختن ثروت بازمی دارد و در تأمین آینده به خدا امیدوار می سازد. حضرت امام رضا علیه السلام می فرماید:

سخاوتمند، هم به خدا نزدیک است، هم به بهشت و هم به مردم. وی از دوزخ دور است، ولی بخیل از خدا، از بهشت و از مردم دور است و به دوزخ، نزدیک. (۱)

دروغ گویی

دروغ گویی

خاستگاه راست گویی و دروغ گویی زبان نیست، بلکه قلب است. پاکی یا آلودگی قلب انسان، بر زبان و دیگر اعضای بدن اثرگذار است و آنها پاکی یا آلودگی قلب را نشان می دهند. آری، قلبی که منحرف و به گناه آلوده شد، سبب دروغ گویی صاحبش می شود. به هر حال، دروغ و ایمان در دوسوی مخالف یکدیگرند. حضرت امام باقر علیه السلام می فرماید: «إِنَّ الْكُذِبَ هُوَ خَرَابُ الْإِيمَانِ؛ دروغ سبب خرابی ایمان می شود». (۲)

از سوی دیگر، دروغ گو اعتبار اجتماعی خود را نیز از دست می دهد؛ زیرا مردم رفته رفته حتی سخنان راست او را باور نمی کنند و به وعده های صادقانه ای هم که می خواهد به آنها وفا کند، اعتماد نمی کنند. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

شایسته است مسلمان از برادری دروغ گو دوری کند؛ زیرا چنین شخصی به اندازه ای دروغ می گوید که اگر روزی سخن راستی هم بگوید، کسی از او

۱- مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۱۳.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۳۹.

نمی پذیرد. (۱)

نکته دیگر ضعیف شدن حافظه دروغ گو است. امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ مِمَّا أَعَانَ اللَّهُ بِهِ عَلَى الْكَذَائِبِ النَّسْيَانَ. (۲)

از اقدام های خداوند علیه دروغ گویان، [گرفتار کردن آنان به] فراموشی است.

برخی افراد، گناه دروغ شوخی را کوچک می شمارند، در صورتی که دروغ به هر حال دروغ است. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

لَا يَجِدُ عَبْدٌ طَعْمَ الْإِيمَانِ، حَتَّى يَتْرُكَ الْكَذِبَ، هَزْلَهُ وَجِدَّهُ. (۳)

هیچ بنده ای طعم ایمان را نخواهد چشید، مگر آن که دروغ را چه شوخی و چه جدی به کلی ترک کند.

طمع کاری

طمع کاری

طمع کار با وجود ثروت بسیار، باز هم فقیر است؛ زیرا روح او با طمع کاری و احساس فقر خو گرفته است. پیامبر اسلام با اشاره به کمبود روحی این افراد می فرماید: «أَفْقَرُ النَّاسِ الطَّمِعُ؛ فقیرترین افراد، طمع کاران هستند.» (۴) فقیر

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۴۱.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۴۱.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۴۰.

۴- بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۱۶۸.

هر اندازه گرسنه یا برهنه باشد، با پوشانده شدن بدن و سیر کردن شکمش بی نیاز می شود، ولی خواسته های فرد طمع کار پایان ندارد. وی همواره در جست و جوی مال است، پیوسته حرص می زند و تا آنجا پیش می رود که پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

فرزند آدم اگر دو بیابان لبریز از طلا داشته باشد، در پی به دست آوردن صحرای سوم خواهد کوشید. (۱)

از پی آمدهای طمع، ذلت و حقارت، حسادت، کینه توزی، غیبت، ناسزاگویی، ستمگری، فریب دادن، ریا، نفاق، نارضایتی از قسمت الهی و تکیه بر غیر خداست. امام سجاد علیه السلام می فرماید: «من همه نیکی ها را در دل بریدن از آنچه در دست مردم است، یافتم». (۲)

امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «کسی که خواهان خیر دنیا و آخرت است، باید از آنچه در دست مردم است، قطع امید کند». (۳) روزی ابان بن سوید از آن حضرت پرسید: چه چیزی سبب پایداری ایمان در انسان می شود؟ حضرت فرمود:

آنچه ایمان را در نهاد انسان ثابت می دارد، پارسایی و دوری از حرام است و

۱- مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۶۳.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۴.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۶۸.

آنچه ایمان را سست می سازد، طمع کاری است. (۱)

در برنامه تربیتی اسلام، فرد پیش از رسیدن به توانگری مالی، باید از نظر روحی توان مند شود تا از سقوط در پرتگاه های طمع در امان ماند. اسلام، درخواست کردن در امور مادی را نمی پسندد، چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

هر کس از ما چیزی درخواست کند، به او خواهیم بخشید، ولی اگر بی نیازی جوید، خداوند او را بی نیاز می سازد. (۲)

به راستی که در باطن طمع، هرگونه خواری و پستی دیده می شود و کور کردن چشم طمع، اعتماد به نفس و بزرگی در دنیا و سعادت در آخرت را به همراه دارد. به فرمایش امام علی علیه السلام می فرماید: «تَمَرَةُ الطَّمَعِ ذُلُّ الدُّنْيَا وَالْأَخْرَهُ؛ ثمره و میوه طمع، ذلت در دنیا و آخرت است.» (۳) زهد ورزیدن در دنیا، بنده را از سقوط در پرتگاه طمع در امان می دارد.

بدگویی

بدگویی

از اخلاق های ناپسند که از آفت های اجتماع و بیماری روحی افراد به شمار می آید، بدگویی از دیگران است. خداوند در قرآن مجید با نکوهش

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۵۸.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۳۸.

۳- مکارم الاخلاق، ص ۱۴۵.

شدید از این اخلاق، آن را به خوردن گوشت برادر مرده، مانند کرده و فرموده است:

وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَغْضُكُمْ بَعْضًا. (حجرات: ۱۲)

تجسس نکنید و هیچ یک از شما غیبت دیگری را نکند.

در روایات دینی نیز پیشوایان هدایت، پیروانشان را از این کار نهی فرموده و آن را نابودکننده کارهای نیک خوانده اند. امام علی علیه السلام در روایتی فرمود: «الْعَاقِلُ مَنْ صَانَ لِسَانَهُ عَنِ الْغَيْبِ؛ خردمند کسی است که زبانش را از بدگویی درباره دیگران باز دارد».^(۱)

مؤمن خیرخواه، در صورت لزوم، تنها در حد امر به معروف و نهی از منکر، شخص مورد نظر را پنهانی اندرز می دهد، ولی از آشکار ساختن عیب او در نزد همه و ریختن آبرویش، خودداری می کند.

أَيُّجِبُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا. (حجرات: ۱۲)

آیا یکی از شما دوست دارد گوشت برادرش را در حالی که مرده است بخورد؟

وجدان های بیدار نیز غیبت را نمی پذیرند و دین داران آگاه، روح پاک و ملکوتی خود را با این عمل تیره و ظلمانی آلوده نمی سازند. امام علی علیه السلام می فرماید:

الْعَاقِلُ مَنْ تَوَرَّعَ عَنِ الذُّنُوبِ وَ تَنَزَّهَ عَنِ الْعُيُوبِ.^(۲)

عقل کسی است که خود را از گناهان دور دارد و از عیب ها پاک کند.

به یاد داشته باشیم که با غیبت کردن از دیگران، خود را مدیون آنان و

۱- مکارم الاخلاق، ص ۵۴.

۲- مکارم الاخلاق، ص ۵۴.

گرفتار حق الناس کرده ایم که جز با رضایت صاحبان حق، خداوند از آن نمی گذرد. پس آیا شایسته است برای این خواسته حقارت بار نفسانی، با آبروی دیگران بازی کنیم و آن گاه با دشواری های فراوان، در پی آنان باشیم تا رضایتشان را به دست آوریم. از سوی دیگر، حرمت مؤمن به اندازه ای است که امام صادق علیه السلام می فرماید: «الْمُؤْمِنُ أَعْظَمُ حُرْمَةً مِنَ الْكَعْبَةِ؛ حرمت مؤمن از حرمت کعبه بالاتر است.» (۱) پس غیبت مؤمن، بی حرمتی به تمام مقدسات است.

آرزوهای دست نیافتنی

آرزوهای دست نیافتنی

انسان با آرزوهای دراز و رؤیاهای دست نیافتنی، نه تنها از پیشرفت بازمی ماند، بلکه تمام نیرو و فرصت خود را هدر می دهد و فکر و روح خود را به اموری بیهوده مشغول می سازد. پس آن گاه که در راه رسیدن به آنها به بن بست می رسد، دچار ناامیدی و سرخوردگی می شود. بنابراین، خردمند آرزوهایی را در دل می پروراند که رسیدن به آنها برایش امکان پذیر باشد و به خواسته هایی که عملی شدنشان امکان پذیر نیست، نمی اندیشد. گاه رؤیاهای دور و دست نیافتنی، صاحب خود را به هلاکت می افکند؛ زیرا ممکن است او برای عملی ساختن آنها راهی نادرست برگزیند. امام علی علیه السلام با تیزبینی ویژه ای، آفت های آرزوهای دراز را چنین برمی شمارد: «أَطْوَلُ النَّاسِ أَمَلًا أَسْوَأُهُمْ عَمَلًا؛ هر کس آرزویش بیشتر است، کارهایش زشت تر است.» (۲) و «وَأَمَّا طَوْلُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي

۱- بحارالانوار، ج ۷، ص ۲۳۲.

۲- غررالحکم، ص ۳۱۲.

الأخِرَة؛ آرزوی دراز، آخرت را از یاد شما می برد.» (۱) و «يَسِيرُ الْأَمَلِ يُوجِبُ فَسَادَ الْعَمَلِ؛ حَتَّى آرزوهای آسان نیز سبب تباهی کارها می شود.» (۲)

جوانان، معمولاً ذهنی سرشار از رؤیا دارند و بیشتر آنها با آرزوهایی انجام ناشدنی در سر، زندگی می کنند. این در حالی است که آرزوها باید متناسب با امکانات، توانایی ها و استعداد های افراد باشد؛ چون در غیر این صورت، مایه عذاب و سلب آرامش آدمی خواهد بود. امام علی علیه السلام می فرماید: «مَا عَقَلَ مَنْ أَطَالَ الْأَمَلَ؛ کسی که آرزویش دراز باشد، خردمند نیست.» (۳)

زیاده روی در شوخی

زیاده روی در شوخی

شوخی در حد بسیار کم و مشروع، بدون ارتکاب به عمل حرام، پذیرفتنی است، ولی اگر از حد بگذرد و با کلمات زشت و بی ادبانه در آمیزد یا در آن دروغ و بدگویی و خوار کردن مسلمانی باشد، حرام و زیان بار است. شوخی زیاد، نشانه کم خردی و نادانی است. امام علی علیه السلام می فرماید: «الْأَفْرَاطُ فِي الْمَزْحِ خُرْقٌ؛ زیاده روی در شوخی، نادانی است.» (۴)

شوخی زیاد از شکوه و وقار انسان

۱- نهج البلاغه، ترجمه: صبحی صالح، ص ۸۳.

۲- غررالحکم، ص ۳۱۳.

۳- غررالحکم، ص ۱۰۳.

۴- غررالحکم، ج ۲، ص ۴۲۵.

می کاهد. از این رو، امام در رهنمودی می فرماید: «آفَةُ الْهَيْبَةِ الْمِزَاحُ؛ آفتِ شکوه، شوخی است.» (۱) و «كَثْرَةُ الْمِزَاحِ تُشَقِّطُ الْهَيْبَةَ؛ شوخی بسیار، شکوه و جلال آدمی را می برد.» (۲) از سوی دیگر، بسیاری از دشمنی ها، کدورت ها، اختلاف ها و فاصله ها، بر اثر زیاده روی در شوخی پدید می آید. چه بسا دوستان صمیمی و همراهی که با شوخی زشت و نابجایی، دشمن یکدیگر شده و کینه هم را به دل گرفته اند و رشته های اُنس و محبت، میان آنان از هم گسسته است. حضرت در این باره چنین هشدار می دهد: «دَعِ الْمِزَاحَ فَإِنَّهُ لِقَاحُ الضَّغِينَةِ؛ شوخی را رها کن که کینه و دشمنی را بارور می سازد.» (۳) و «كَثْرَةُ الْمِزَاحِ تُذْهِبُ الْبُهَاءَ وَ تُوجِبُ الشَّحْنَاءَ؛ شوخی بسیار، ارزش آدمی را می برد و سبب کینه و دشمنی می گردد.» (۴) همچنین با ریشه یابی دشمنی ها و در مقام هشدار درباره این عامل اختلاف افکن و آتش افروز می فرماید: «لِكُلِّ شَيْءٍ بَدْرٌ وَ بَدْرُ الْعَدَاوَةِ الْمِزَاحُ؛ هر چیز بذری دارد و بذر دشمنی، مزاح است.» (۵)

۱- غررالحکم، ج ۲، ص ۴۲۵.

۲- غررالحکم، ج ۲، ص ۲۲۲.

۳- غررالحکم، ج ۲، ص ۲۲۲.

۴- غررالحکم، ج ۲، ص ۲۲۲.

۵- غررالحکم، ج ۲، ص ۲۲۲.

هم نشینی با بدان

هم نشینی با بدان

انسان از هم صحبتی، رفت و آمد، داد و ستد و هم نشینی با هم نوعان خود ناگزیر است و گوشه گیری و تنهایی را نمی پسندد، ولی برای سلامت خود و دین و دنیایش باید از دوستی با آلوده سیرتان پرهیزد و خود را از صف آنان بیرون کشد. برگزیدن دوست سالم و پاک سیرت و دوری از افراد ناشایست و بی بند و بار؛ متناسب با خرد و فطرت و سفارش پیشوایان دین است، چنان که امام علی علیه السلام فرمود:

يَتَّبِعِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يُكْثِرَ مِنْ صُحْبَةِ الْعُلَمَاءِ وَالْأَبْرَارِ وَيَجْتَنِبَ مُقَارَنَةَ الْأَشْرَارِ وَالْفُجَّارِ. (۱)

سزاوار است که خردمند با دانشمندان و خوبان، بسیار هم نشین شود و از نزدیک شدن به بدکاران و گناه کاران پرهیزد.

از زیان های رفت و آمد با ناهلان، بدبینی به خوبان است: «صُحْبَةُ الْأَشْرَارِ تُوجِبُ سُوءَ الظَّنِّ بِالْأَخْيَارِ؛ هم نشینی با بدان سبب بدگمانی به خوبان می شود.» (۲) زیان دیگر این امر، اثر کردن شرارت و بدی آنها بر انسان است که سبب می شود انسان، هم در عرف جامعه و هم در قیامت به آنان پیوندد، چنان که روایت شده است:

إِيَّاكَ وَ مُصَاحَبَةَ الْفَسَاقِ فَإِنَّ الشَّرَّ بِالشَّرِّ يَلْحَقُ. (۳)

از دوستی و هم نشینی با بدکاران پرهیز که شر به شر می پیوندد.

از هم نشینی با بدان، جز بدی نصیب انسان نمی شود، مانند باد که چون بر چیزی بدبو بوزد، بوی آن را به خود

۱- غررالحکم، ج ۱، ص ۶۳۲.

۲- غررالحکم، ج ۱، ص ۶۲۷.

۳- بحارالانوار، ص ۶۲۴.

می گیرد. بنابراین، میزان خرد و شعور هر کس را می توان از دوستی که برمی گزیند به دست آورد. کسی که خواهان بزرگی و سعادت است، باید در انتخاب دوست دقت کند و از زشت کاران و بدکاران دوری گزیند.

مردم آزاری

مردم آزاری

گرچه زشتی مردم آزاری بر همگان روشن است، برخی همچنان با دست، زبان، اعمال و حرکات خود دیگران را می رنجانند که کارشان نابخردانه است و خردمند هرگز چنین کاری نمی کند.

از دیدگاه قرآنی، مردم آزار، بار گناه بزرگی را به دوش می کشد:

وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا. (احزاب: ۸۵)

و کسانی که بی دلیل، مردان و زنان مؤمن را می آزارند، بهتان و گناه آشکاری را به عهده گرفته اند.

امام سجاد علیه السلام می فرماید: «كَفُّ الْأَذَى مِنْ كَمَالِ الْعَقْلِ؛ نیازردن دیگران، از کمال عقل است.»^(۱) آزار همسایه، زن، فرزند، دوست و همکار، در میان افراد بی فرهنگ و بی دین یا کم ایمان، بیشتر به چشم می خورد. هر کس که اندک پای بندی به سفارش های اخلاقی دین و بهره ای از خرد داشته باشد، دست به این کار ناپسند نمی زند. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «كَسَبُ الْعَقْلِ كَفُّ الْأَذَى؛ به دست آوردن عقل، یعنی آزار نرساندن.»^(۲)

۱- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۴۱.

۲- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۴۱.

بنا بر آموزه های علوی، آزرده مؤمن به منزله آزرده خداوند و جنگ با اوست. آن حضرت، این سخن را از قول خداوند چنین بازگو فرموده است: «لِيَأْذَنَ بِحَرْبٍ مِنِّي مَنْ آذَى عَبْدِي الْمُؤْمِنَ؛ کسی که بنده مؤمن من را بیازارد، در مقام جنگ با من برآمده است»^(۱).

مردم آزاری، نه در هیچ دین و آیینی پذیرفته است و نه در پیشگاه خرد و فطرت. پس هر خردمند دین داری می کوشد تا در زندگی به هیچ کس و هیچ چیز آزار نرساند؛ زیرا می داند که جزای آن بسیار دشوار است. امام پرهیزکاران می فرماید: اگر مرا بر خارهای بیابان بکشند یا در غل و زنجیرم قرار دهند، برایم آسان تر است از اینکه به دیدار خدا بروم، در حالی که به بنده ای از بندگان او ستم یا اموال بیت المال را برای خود ذخیره کرده باشم^(۲).

پیامبر گرامی اسلام نیز می فرماید:

مَنْ آذَى مُؤْمِنًا فَقَدْ آذَانِي وَ مَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ - وَ مَنْ آذَى اللَّهَ فَهُوَ مَلْعُونٌ فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ الْفُرْقَانِ^(۳).

هر کس مؤمنی را بیازارد، بی گمان مرا آزرده و هر کس مرا برنجانند، بی شک خدا را آزرده است و هر کس خدا را بیازارد، چنان که در تورات، انجیل، زبور و قرآن آمده، از رحمت خداوند به دور است.

۱- بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۷۲.

۲- نهج البلاغه، نامه ۲۱۵.

۳- جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۱۵.

به فرمایش امام صادق علیه السلام، جبران مردم آزاری بسیار دشوار است:

مَنْ أَخْزَنَ مُؤْمِنًا ثُمَّ أَعْطَاهُ الدُّنْيَا لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ كَفَّارَتَهُ وَ لَمْ يُؤْجِزْ عَلَيْهِ. (۱)

کسی که مؤمنی را ناراحت کند، پس دنیا را به او بدهد، کفاره گناهش نمی شود و از این کار پاداشی هم نمی برد.

جدال

جدال

برخی بحث ها بی فایده است؛ اسلام این بگومگوهای بیهوده را «مراء و جدال نادرست» نامیده و آن را نکوهیده است؛ زیرا سبب هدر رفتن فرصت ها و ایجاد کینه و کدورت می شود. امام علی علیه السلام می فرماید: «الْمِرَاءُ بَدْرُ الشَّرِّ؛ بگومگو کردن مایه شر است». (۲)

گفت و گو با افراد یک دنده و لجاجت باز که بر حرف خود پافشاری می کنند و انعطاف پذیر نیستند، نتیجه ای جز شر و گرفتاری ندارد. از این رو، عاقلانه ترین کار این است که از رویارویی و بحث با این افراد دوری کرد؛ زیرا اینها هدفی جز آشوب و جار و جنجال ندارند و سرانجام چنین بحث هایی در میان برادران دینی نیز ایجاد کینه و کدورت و تفرقه است. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

إِيَّاكُمْ وَ الْمِرَاءَ وَ الْخُصُومَةَ فَإِنَّهُمَا يُمْرِضَانِ الْقُلُوبَ عَلَى الْإِخْوَانِ وَ يَنْبُتُ عَلَيْهِمَا النَّفَاقُ. (۳)

۱- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۲.

۲- غررالحکم، ص ۴۵۳.

۳- غررالحکم، ص ۴۵۳.

از دشمنی و جدال پرهیزید که دل ها را بیمار می کند و میان برادران جدایی می افکند.

به راستی که شایسته نیست سرمایه عمر و وقت گران بها را صرف گفت و گوهای بیهوده و بی نتیجه کرد و دل ها را از کینه و دشمنی پر ساخت. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

لَا مَحَبَّةَ مَعَ كَثْرَةِ مِرَاءٍ. (۱)

با بحث های بیهوده بسیار، دیگر محبتی باقی نمی ماند.

در این زمینه می توان این کریمه قرآنی را نیز چراغ راه ساخت که «وَ إِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا؛ مؤمنان وقتی به امور بیهوده برمی خورند، با بزرگواری از کنارش می گذرند». (فرقان: ۷۲)

عیب جویی از دیگران

عیب جویی از دیگران

اگر کسی از کاستی ها و عیب های خود آگاه باشد، هرگز از دیگران خرده نمی گیرد یا به آنان عیبی نسبت نمی دهد. امام علی علیه السلام در این باره می فرماید:

مَنْ أَبْصَرَ عَيْبَ نَفْسِهِ لَمْ يَعْثُ أَحَدًا. (۲)

هر کس به عیب های خود بینا باشد، از کسی عیب نگیرد.

و در کلامی دیگر می فرماید:

طُوبَى لِمَنْ شَغَلَهُ عَيْبُهُ عَنْ عَيْبِ النَّاسِ. (۳)

۱- غررالحکم، ص ۴۵۳.

۲- غررالحکم، ص ۵۲.

۳- غررالحکم، ص ۵۲.

خوشا به حال کسی که به عیب خود پردازد و از عیب دیگران چشم پوشد.

به راستی آدمی تا وقتی عیب های خود را برطرف نساخته، چگونه می تواند کمبودهای دیگران را برجسته بنمایاند و به نکوهش آنها پردازد؟ چگونه خود را و او می گذارد و در پی عیب این و آن می رود، در حالی که غفلت از خود و پرداختن به دیگران، دور از خرد و زیان بار است. بانصاف، کسی است که ابتدا در پی اصلاح خود برآید و اگر به درستی عیب های خود را ببیند، از دل مشغولی به دیگران رها می شود. حضرت در این مورد نیز می فرماید:

مَنْ أَبْصَرَ زَلَّهُ نَفْسِهِ صَغُرَتْ عِنْدَهُ ذَلَّةُ غَيْرِهِ. (۱)

کسی که لغزش های خود را باز ببیند، لغزش دیگران در نظرش کوچک می نماید.

پیشوایان معصوم علیهم السلام نیز بارها سفارش کرده اند که تا وقتی خود را از عیب و کاستی پاکیزه نکرده اید، در پی عیب دیگران نباشید. برای نمونه، امام علی علیه السلام می فرماید:

مَا دُمْتُ لِاتْرَى ذُنُوبَكَ قَدْ غُفِرَتْ فَلَا تَشْتَغِلْ بِعُيُوبِ غَيْرِكَ. (۲)

تا زمانی که نمی دانی گناهانت بخشیده شده است، به عیب های دیگران پرداز.

شهرت طلبی

شهرت طلبی

شهرت طلبی نوعی بیماری روانی است که تمام اندیشه و توان فرد صرف

۱- غررالحکم، ص ۵۲.

۲- بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۳۴۴.

به دست آوردن شهرت می شود تا جایی که آسایش را از وی می گیرد. عشق به شهرت همچون علف هرز در دل های بیمار رشد می کند. کسانی که تنها به شهرت می اندیشند، در راه رسیدن به آن، گاه حتی به مفسد و پستی ها نیز تن می دهند. از این رو، شهرت ریشه بسیاری از جرم ها و جنایت هاست. اساسا شهرت جویی و ریاست طلبی بسیار به هم نزدیکند و اسلام تشنگان ریاست را به شدت نکوهش کرده است. روزی نزد حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام از شخصی سخن گفتند که علاقه زیادی به ریاست داشت. حضرت فرمود: «زیان دو گرگ خطرناکی که به جان گله ای بی چوپان افتاده اند، از زیان ریاست طلبی برای مسلمان بیشتر نیست».^(۱)

از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده اند که فرمود:

کسی که ریاست را برای خود بخواهد، هلاک خواهد شد؛ چرا که ریاست جز برای اهلش شایسته نیست.^(۲)

امام صادق علیه السلام نیز در این باره فرموده است:

هر کس ریاست کند، ملعون است؛ کسی که در راه رسیدن به ریاست بکوشد، ملعون است و کسی که در فکر ریاست باشد، ملعون است.^(۳)

البته منظور از این سخن، کناره گیری افراد با کفایت از ریاست و خالی کردن میدان برای افراد بی لیاقت نیست، بلکه منظور حضرت، حضور افرادی

۱- بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۱۴۵.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۸۱.

۳- بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۱۵۱.

شایسته و به دور از هرگونه ریا و شهرت طلبی، در عرصه ریاست است؛ زیرا ریاست آنان، نوعی حق خواهی برای برپا داشتن حقیقت است.

تنبلی

تنبلی

یکی از بیماری های روحی، احساس تنبلی و کسالت در انجام وظایف است. تنبلی، انسان را ضعیف و ناامید و گل های نشاط و امید را در وجودش پژمرده می کند، در نتیجه فرد از پیشرفت در زندگی باز می ماند. برخلاف تنبلی، نشاط، حیات بخش و شاداب کننده است. انسان بانشاط، همچون گلی رو به خورشید، همواره در مسیر رشد و تکامل به سر می برد. از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود:

از دو صفت دوری کن: کم حوصلگی و تنبلی؛ زیرا اگر کم حوصله باشی، بر حق صبر نخواهی کرد و اگر تنبلی کنی، حقی را ادا نخواهی کرد. (۱)

امیرمؤمنان، علی علیه السلام در روایتی، از نشانه های تنبل چنین یاد می کند:

برای شخص تنبل سه نشانه است: چندان سستی می کند که به زیاده روی می رسد، و چندان زیاده روی می کند که به تباه کردن و کوتاهی کارها می رسد و چندان کوتاهی و بی توجهی می کند که کارش به گناه می کشد. (۲)

حضرت امام باقر علیه السلام نیز می فرماید:

کسالت و تنبلی مانع سعادت و خوش بختی است. شخصی که تنبلی او را از رکوع درست و طهارت کامل بازدارد، در آخرت به خیر و سعادت نخواهد

۱- بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۱۹۲.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۶۵.

رسید و اگر در اداره کارهای روزمره تنبلی کند، در دنیا خیر نمی بیند. (۱)

افراد تنبل در حقیقت سربرار جامعه اند؛ زیرا در اداره امور خود درمانده اند و زندگی آنان را دیگران اداره می کنند. در نتیجه، جامعه چنین کسانی را با خواری از خود دور می سازد و اینان، مصداق این سخن حضرت علی علیه السلام هستند که: «تنبلی و سستی نوعی پستی است». (۲)

ریاکاری

ریاکاری

ریاکار با عمل ریاکارانه خود، هم محبت مردم را از دست خواهد داد و هم رضایت پروردگار را؛ زیرا عملی که به قصد رضایت خدا انجام نشود، نزد او پاداشی ندارد. از سوی دیگر، ریاکار همواره در پی رضایت و ستایش مردم است. او در ظاهر نیت خود را آشکار نمی سازد، ولی مردم سرانجام از قصدش آگاه خواهند شد و در نظر آنان نیز خوار می شود. در نتیجه هم دینش را تباه می کند و هم دنیایش را.

رسول گرامی اسلام به پیروان خود فرمود: «ترس من برای شما بیش از هر چیز در مورد شرک اصغر است!» پرسیدند: یا رسول الله! شرک اصغر کدام است؟ حضرت فرمود: «ریا، شرک اصغر است! خداوند متعال هنگام دادن پاداش اعمال بندگان، خطاب به ریاکاران می فرماید: بروید نزد کسانی که در دنیا برای آنان کار کرده اید، ببینید آیا پاداش اعمالتان را نزد آنان خواهید

۱- مجموعه ورام، ج ۱، ص ۳۰۳.

۲- بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۳۷۹.

یافت؟» (۱)

حضرت امام صادق علیه السلام به عباد بن کثیر بصری فرمود: وای بر تو ای عباد! از ریاکاری بپرهیز؛ زیرا هر کس برای غیر خدا عملی انجام دهد، خداوند او را به همو واگذار می کند. (۲)

آن حضرت در روایتی دیگر می فرماید:

خداوند متعال عمل خالص از بندگان می خواهد و می فرماید: من بهترین شریک هستم. هر کس، دیگری را شریک خود سازد، هیچ عملی را از او نخواهم پذیرفت، مگر آنکه آن عمل برای من و خالص باشد. (۳)

در روایتی دیگر، درباره اثر کار نیک یا بد که پنهانی انجام شود، فرموده است:

هر کس کار نیکی را پنهانی انجام دهد، خداوند عمل نیکش را به خوبی آشکار می کند و هر کس کار ناپسندی را پنهانی انجام دهد، سرانجام، آن بدی آشکار می شود. (۴)

۱- بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۶۶.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۶۵.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۰۰.

۴- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۹۵.

لهوگرایی

لهوگرایی

سرگرم شدن به لهو و لعب، خسارت های جبران ناپذیری در پی دارد. امام علی علیه السلام می فرماید: «شَرُّ مَا ضَمَّعَ فِيهِ الْعُمُرُ اللَّعِبُ؛ بدترین روزهای عمر که تباه می شود، زمان سرگرم شدن به بازیچه هاست.»^(۱) شوخی گرفتن زندگی، سرگرم شدن به امور پوچ و بی محتوا، فراموش کردن هدف اصلی و مسئولیت گریزی، شکست و ناکامی به بار می آورد. امام علی علیه السلام می فرماید:

لَا يُفْلِحُ مَنْ وَلِيَ بِاللَّعِبِ وَاسْتَهْتَرَ بِاللَّهْوِ وَ الطَّرَبِ. (۲)

کسی که شیفته بازی و سرگرم لهو و لعب گردد، رستگار نخواهد شد.

زندگی هدف دار با مسئولیت های جدی همراه است و باید بهترین بهره ها را از فرصت کوتاه عمر گرفت، نه آنکه با خوش گذرانی و سرگرمی های بی حاصل آن را به باد داد. امام علی علیه السلام می فرماید:

رُبَّ لَذَّةٍ سَاعَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً. (۳)

بسیار یک ساعت خوش گذرانی که اندوهی دراز در پی آورد!

خوش گذرانی ها با گرفتن فرصت های مفید انسان، او را از پیشرفت بازمی دارد و افراد خوش گذران هرگز به مرتبه های بالای انسانی و کمال نخواهند رسید، همان گونه که امام علی علیه السلام فرمود:

۱- غررالحکم، ج ۲، ص ۴۰۷.

۲- غررالحکم، ج ۲، ص ۴۰۷.

۳- غررالحکم، ج ۲، ص ۴۰۷.

كَمْ مِنْ لَذَّةٍ دَرِيَّةٍ مَنَعَتْ سَنِيَّ دَرَجَاتٍ. (۱)

بسا لذت پستی که از رسیدن به مرتبه های بالا جلوگیری کند.

از این رو، انسان های شرافتمند هرگز خود را به تفرج های آلوده نمی آلاینند و عمر و فرصت گران مایه زندگی را در خوش گذرانی هدر نمی دهند. آنان در حقیقت به این فرمایش حضرت عمل می کنند که فرمود:

تَزُهِوْا أَنْفُسَكُمْ عَنْ دَنَسِ اللَّذَاتِ وَ تَبَعَاتِ الشَّهَوَاتِ. (۲)

نفس گران مایه خود را از آلودگی لذت ها و پی آمدهای ناگوار شهوت ها پاک کنید.

بنابراین، کسی که خواهان سعادت ابدی است، باید از لذت زودگذر و شهوت ها بپرهیزد.

تکبر و لجاجت

تکبر و لجاجت

خودخواهی ها، برتری جویی ها و گردنکشی ها که فتنه های ویران گر زندگی اند، از خودبزرگ بینی ریشه می گیرند. خودبزرگ بینی سبب پراکندگی دوستان می گردد و نفرت همگان را برمی انگیزد. حضرت علی علیه السلام در نکوهش آن فرموده است: «أَقْبَحُ الْخُلُقِ التَّكَبُّرُ؛ زشت ترین خوی انسانی خودبزرگ بینی است». (۳) و «شَرُّ آفَاتِ الْعَقْلِ الْكِبْرُ؛ بدترین آفت های خرد، تکبر است». (۴) همچنین فرمود:

۱- غررالحکم، ج ۲، ص ۴۰۶.

۲- غررالحکم، ج ۳۳، ص ۴۹۲.

۳- غررالحکم، ج ۲، ص ۳۶۰.

۴- غررالحکم، ج ۲، ص ۳۶۱.

«مَنْ تَكَبَّرَ حَقًّا؛ هر که بزرگی کند، بی مقدار می شود.» (۱) بنابراین، فروتنی است که آدمی را محبوب دل ها می کند و همه را به سوی او می کشاند، نه خودبزرگ بینی و بزرگی کردن.

در کنار صفت ناپسند تکبر، از لجاجت و یک دندگی نیز به شدت نکوهش شده است. افراد یک دنده و لج باز که به هیچ صراطی مستقیم نیستند، دوستان خود را بر اثر این اخلاق از دست می دهند و اندرزگویان دل سوز و خیرخواه جامعه را از خود می رانند. در حالی که هر کس از خرد بهره ای داشته باشد، می داند که «اللَّجَّاجُ يُفْسِدُ الرَّأْيَ؛ لجج بازی اندیشه را تباه می کند.» (۲) و «اللَّجَّاجُ عُنْوَانُ الْعَطَبِ؛ لجاجت، آغاز زمین خوردن و هلاکت است.» (۳)

لجاجت، صفتی دشمن ساز و برافروزنده آتش جنگ و درگیری است که

اللَّجَّاجُ يُنْتِجُ الْخُرُوبَ وَ يُوعِزُّ الْقُلُوبَ. (۴)

لجاجت، به جنگ ها می انجامد و کینه ها در دل می اندازد.

و باز بنا بر آموزه های روایی، انسان سالم و خردمند از آن می پرهیزد:

۱- غررالحکم، ج ۲، ص ۳۶۰.

۲- غررالحکم، ج ۲، ص ۴۰۲.

۳- غررالحکم، ج ۲، ص ۴۶۴.

۴- غررالحکم، ج ۲، ص ۶۵.

«خَيْرُ الْأَخْلَاقِ أَبْعَدُهَا عَنِ اللَّجَاجِ؛ بَهْتَرِينَ خَلْقٍ وَ خَوْهَا، دَوْرَتَرِينَ أَنَّهُا از لَجَاجَتِ اسْت.» (۱)

نیرنگ و فریب کاری

نیرنگ و فریب کاری

از جمله کج روی های انسان، نیرنگ زدن به دیگران و فریب دادن آنها است. فریب به هر شکل و در هر موقعیتی که باشد نکوهیده است: فریب در معامله، دوستی، ازدواج و... که بدترین نوع آن فریب کاری در برابر خداوند است؛ یعنی بنده ای بخواهد به گمان باطل خود، با عمل ریاکارانه اش با خداوند معامله کند. (۲) پس خداوند می فرماید: «مکر کردند و خدا هم مکر کرد، که او بهترین مکرکنندگان است.» (آل عمران: ۵۳). خداوند با کسانی هم که بخواهند با بندگانش از در فریب و نیرنگ در آیند، مکر می کند و انسان نمی تواند با او که قادر و توانای مطلق است، مکر ورزد. اساسا فریب و نیرنگ در شأن هیچ انسان عاقل و باوجدانی نیست. امام صادق علیه السلام می فرماید:

سه چیز است که اگر در کسی باشد به زیان اوست: نیرنگ، پیمان شکنی و ستم. خداوند می فرماید: فریب زشت کار جز به صاحبش آسیب نمی رساند، پس به فرجام کسانی بنگر که مکر کردند و ما آنها و پیروانشان را سرنگون کردیم. (۳)

۱- غررالحکم، ج ۲، ص ۶۵.

۲- سیدمجتبی زنجانرودی، زمزمه های زندگی در سیر و سلوک، صص ۸۹ و ۹۰.

۳- تحف العقول، ص ۳۱۷.

آنان که طبعی سرکش و پست دارند، برای به دست آوردن مال یا مقام و ریاست به حيله روی می آورند؛ ولی انسان های شریف و پاک فطرت، هیچ گاه از این روش برای رسیدن به اهدافشان استفاده نمی کنند. پیامبر گرامی اسلام فرمود:

مسلمان، نه مکر می کند و نه نیرنگ می زند. من از جبرئیل شنیدم که فرمود: حيله گر و نیرنگ باز در آتش هستند. (۱)

همچنین امام علی علیه السلام در یکی از سخنرانی های خود فرمود:

ای مردم! اگر فریب و پیمان شکنی بد نبود، من سیاست مدارترین مردم بودم. به هوش باشید که هر پیمان شکنی و فریبی، هرزگی و نابخاری ها دارد و هر هرزگی و نابخاری، کفر و ناسپاسی به بار آورد. هشدار! که نیرنگ و هرزگی و خیانت در آتش هستند. (۲)

خرافه گرایی و فال زنی

خرافه گرایی و فال زنی

اعتقاد به خرافات، همواره بلائی جان انسان های بی خرد و بی فرهنگ است. اصلی ترین دلیل روی آوری به این امور بی اساس، نادانی است. هر چه نادانی بیشتر باشد، اعتقاد به خرافات نیز قوت می یابد. البته منظور از نادانی بی سوادى نیست، بلکه منظور، نداشتن قدرت فهم و درک بالای فرهنگی است. در میان کسانی که به فال بد و خوب یا به سرنوشت معتقدند و همواره در پی سحر و جادو، دعانویسی، فال نخودی و مانند آن هستند، اشخاص به

۱- زمزمه های زندگی، ص ۹۱، به نقل از: مرآه الکمال، ج ۲، ص ۵۰۱.

۲- اصول کافی، ج ۵، ص ۲۸۷.

ظاهر باسواد و با مدارک بالا- نیز یافت می شوند. اصولاً اعتقاد به مسائل خرافی، مانع پیشرفت و سبب مسئولیت گریزی و ایستایی فکر می شود.

متأسفانه گاهی خرافات را به دین نسبت می دهند، ولی در دین اسلام خرافه پرستی کاری ناشایست و خلاف فرهنگ دینی است و با آن آشکارا مخالفت می شود. در احادیث، از «طیره» یا همان «فال بد زدن» نکوهش شده و از ستاره بینی و ادعای نحوست یا سعد بودن ستاره ها و نیز از تفأل به صدای پرنده یا حتی عطسه کردن، به شدت نهی شده و همه آنها نمودهای خرافات است. در روایتی می خوانیم: «إِذَا تَطَيَّرْتَ فَأَمْضِ؛ اِغْرِ بِشَيْءٍ مِنْ مَاءٍ بَرْدٍ» (برخوردی و) فال بد زدی (یا به دلت بد آمد اعتنا مکن و) به کار خود ادامه بده. (۱) از رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز نقل است: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَطَيَّرَ؛ اِغْرِ بِشَيْءٍ مِنْ مَاءٍ بَرْدٍ» (کسی که اهل فال بد زدن است.) (۲) همان گونه که در روایتی می فرماید: «أَلَطَّيْرُهُ شِرْكٌ؛ كَيْفَ تَطَيَّرُ؟» (کسی که به فال و خرافات اعتقاد دارد، به خدا شرک آورده است.) (۳)

نجوا کردن و بلند صحبت کردن

نجوا کردن و بلند صحبت کردن

از دیگر ناشایستگی های اخلاقی، در گوشی و آهسته با یکدیگر صحبت کردن در حضور دیگران است. این عمل ممکن است برای دیگران ذهنیت

۱- بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۵۳.

۲- بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۵۳.

۳- بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۳۲۲.

منفی ایجاد کند و در نتیجه مایه کدورت شود. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:

إِذَا كَانَ الْقَوْمُ ثَلَاثَةً فَلَا يَتَنَاجَى مِنْهُمْ اِثْنَانِ دُونَ صَاحِبَيْهِمَا فَإِنَّ ذَلِكَ يَخْزُنُهُ وَيُؤْذِيهِ. (۱)

هنگامی که سه نفر با هم هستند، نباید دو نفر آنان با هم در گوشی صحبت کنند که این کار، نفر سوم را اندوهگین می سازد و آزارش می دهد.

از سوی دیگر، در قرآن مجید از بلند کردن صدا نزد دیگران نیز نهی شده است؛ زیرا سخن گفتن با صدای بلند و شبیه داد و فریاد، نشانه سبک عقلی است. در صحبت با دیگران باید ملایم و آرام صحبت کرد. از سفارش های حضرت لقمان به فرزندش نیز پایین آوردن صداست. همچنین امام علی علیه السلام می فرماید:

خَفَضُ الصَّوْتِ وَ غَضُّ الْبَصْرِ وَ مَشَى الْقَصْدِ مِنْ أَمَارَةِ الْإِيمَانِ وَ حُسْنِ التَّدْوِينِ. (۲)

پایین آوردن صدا، فرو انداختن دیدگان و در حد میانه راه رفتن، از نشانه های دین داری و ایمان نیکو است.

برخی در صحبت های معمولی خود نیز عادت دارند صدایشان را چنان بلند کنند که گویا فریاد می زنند. این کار از سنگینی و وقار آنان می کاهد. بلند کردن صدا، به ویژه در برابر بزرگان، نشانه بی ادبی است.

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۶۰.

۲- غررالحکم، ج ۱، ص ۶۶۱.

حسادت، از خانمان سوزترین بیماری های روحی و آفت های اخلاقی است. حسادت یعنی اینکه انسان، زوال نعمت کسی را در دل پیروراند. حسود، هم زندگی خود را تباه می کند و هم زندگی کسی را که به او حسادت کرده است، به آتش می کشد. وی برای رسیدن به مقصود به هر کار زشتی دست می زند. البته مؤمن راستین، هیچ گاه حسادت نمی ورزد و ایمانش او را از این پلیدی بازمی دارد، چنان که امام علی علیه السلام فرمود: «الْأَيُّمَانُ بَرِيءٌ مِّنَ الْحَسَدِ؛ ایمان از حسد بیزار است». (۱)

بنابراین، با تقویت ایمان و آراسته شدن به فضیلت های انسانی و بلندمرتبه ساختن روح، می توان از این بیماری کُشنده فاصله گرفت و ریشه آن را خشکاند. بلندنظری، دوری از حرص و طمع، دنیاگریزی، نگاه به افراد پایین دست و مانند آن نیز در ریشه کن ساختن حسد اثر گذارند. امام علی علیه السلام درباره نتیجه حسادت می فرماید:

الْحَسَدُ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ. (۲)

حسادت، کارهای خوب را می خورد و نابود می کند، همان گونه که هیزم آتش را.

حسادت، افزون بر خسارت های معنوی مانند آنچه امام علی علیه السلام فرمود، بیماری های جسمی نیز به بار می آورد. در آموزه های علوی به این بیماری ها

۱- غررالحکم، ج ۱، ص ۲۹۹.

۲- غررالحکم، ج ۱، ص ۳۰۱.

اشاره شده است: «الْحَسَدُ يُضْنِي؛ حسادت، آدم را رنجور و بیمار می سازد.» (۱) و «الْحَسُودُ كَثِيرُ الْحَسَرَاتِ مُتَضَاعِفُ السَّيِّئَاتِ؛ افسوس های حسود، بسیار و گناهانش چند برابر است.» (۲)

زیاده طلبی و بلندپروازی

زیاده طلبی و بلندپروازی

خردمند کسی است که حد و مرز خود را بشناسد و از بلندپروازی و زیاده خواهی بپرهیزد. کسانی که پا از گلیم خود فراتر می نهند، در اجتماع سرخورده می شوند و مورد بی مهری و سرزنش دیگران قرار می گیرند و به بی خردی هم متهم می شوند. امام علی علیه السلام می فرماید:

لَا عَقْلَ لِمَنْ يَتَجَاوَزُ حُدَّهُ وَ قَدْرَهُ. (۳)

کسی که از حد و مرز خود فراتر رود و منزلت خود را نداند، اهل خرد نیست.

ایشان در کلامی دیگر می فرماید:

رَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا عَرَفَ قَدْرَهُ وَ لَمْ يَتَعَدَّ طَوْرَهُ. (۴)

خدا رحمت کند کسی را که قدر و اندازه خویش بشناسد و از حد نگذرد.

آن حضرت همگان را به شناخت منزلت خود و پرهیز از افراط و تفریط سفارش می کرد و می فرمود: «مَنْ وَقَفَ عِنْدَ قَدْرِهِ أَكْرَمَهُ النَّاسُ؛ کسی که در جایگاه خود

۱- غررالحکم، ج ۱، ص ۳۰۰.

۲- غررالحکم، ج ۱، ص ۳۰۱.

۳- غررالحکم، ج ۱، ص ۲۲۵.

۴- غررالحکم، ج ۲، ص ۲۲۵.

بایستد، مردم او را گرامی می دارند.» (۱) و «هَلَكَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْ قَدْرَهُ؛ کسی که اندازه خود را نشناسد، هلاک می شود.» (۲).
 انسانی که منزلت خویش را دریابد، هیچ گاه برای امور بی ارزش دنیا خود را خوار نمی سازد، چنان که امام علی علیه السلام فرمود:

مَنْ عَرَفَ قَدْرَ نَفْسِهِ لَمْ يُهِنِّهَا بِالْفَانِيَاتِ. (۳)

کسی که قدر خویش را بشناسد، خود را برای امور فانی دنیا خوارنگرداند.

پس چه بهتر که هر کس به سهم و اندازه خود بسنده کند تا گرامی و باوقار بماند.

خشم

خشم

از صفات نکوهیده اخلاقی که می تواند بسیار زیان بار باشد، خشم است. البته خشم گاه پسندیده است، مانند خشم در برابر شکسته شدن حدود الهی که گونه ای غیرت دینی است یا خشم در برابر ستم به ناتوان. خشمگین نشدن در چنین مواردی، کاستی به شمار می آید، ولی در امور جاری زندگی باید خشم را مهار کرد. مهار خشم و استفاده درست از آن، مانند بهره بردن از آب مهار شده برای سدسازی ها یا آتش مهار شده برای صنعت است که

۱- غررالحکم، ج ۲، ص ۳۰۴.

۲- غررالحکم، ج ۲، ص ۳۰۴.

۳- غررالحکم، ج ۲، ص ۲۳۳.

بسیار مثبت و کارساز است. اگر خشم مهار نشود، همچون آتشی خانمان سوز یا سیلی بنیان کن همه چیز را نابود می کند. واکنش های تند و جنون آمیز و برخوردهای نابخردانه و ناشایست با همسر، فرزند، دوست، زبردست، کارفرما، دانش آموز، استاد و... که زندگی را تلخ می کند، نتیجه مهار نکردن خشم است. از این رو، باید با قدرت ایمان و بردباری و شکیبایی، آتش چنین خشم هایی را فروشانند. امام علی علیه السلام می فرماید:

أَقْوَى النَّاسِ مَنْ قَوِيَ عَلَى غَضَبِهِ بِحِلْمِهِ. (۱)

نیرومندترین مردم کسی است که با حلم خود بر خشم پیروز شود.

همچنین امام صادق علیه السلام فرمود:

مَنْ لَمْ يَمْلِكْ غَضَبَهُ لَمْ يَمْلِكْ عَقْلَهُ. (۲)

کسی که نتواند بر خشم خود مالک شود، مالک عقل خویش نیست.

در آموزه های دینی آمده است که در هنگام خشم، تصمیم مگیر، قضاوت مکن و کاری انجام نده. برای فرونشاندن خشم، حالت خود را عوض کن؛ یعنی اگر نشسته ای برخیز یا بخواب و اگر ایستاده ای، چند قدم راه برو تا آرام تر شوی که به فرموده امام صادق علیه السلام: «الْغَضَبُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ؛ کلید همه بدی ها خشم است». (۳)

۱- غررالحکم، ص ۲۸۵.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۰۵.

۳- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۵۵.

سرزنش کردن دیگران

سرزنش کردن دیگران

سرزنش خطاکار اگر از اندازه لازم بگذرد، جسارت او را به ارتکاب گناه بیشتر می کند.

امام باقر علیه السلام درباره توجه به خویشان به جای سرزنش دیگران، می فرماید:

لَا تُعَيِّرَنَّ بِخَطِيئَتِهِ وَابِكِ عَلَى خَطِيئَتِكَ. (۱)

هیچ کس را به دلیل خطایی که کرده است، سرزنش مکن، بلکه بر خطاهای خود گریه کن.

در حدیثی از رسول بزرگوار اسلام آمده است:

لَا تُظْهِرِ الشَّمَاتَةَ بِأَخِيكَ فَيُؤَخِّمَهُ اللَّهُ مَوْ يَبْتَلِيكَ. (۲)

برادر دینی ات را [در گرفتاری اش] سرزنش مکن که خدا به او ترحم خواهد کرد و تو را گرفتار.

با توجه به آموزه های دینی، نکوهش بی رویه خطاکار، سبب لجاجت و جبهه گیری آنان می شود و هیچ جنبه مثبت تربیتی ندارد، بلکه آثار منفی دارد. اگر منظور، تربیت و اصلاح است، باید تمام جوانب کار را سنجید، آن گاه اقدام کرد؛ زیرا روش سرزنش در همه جا پاسخگو نیست. امام صادق علیه السلام در روایتی می فرماید:

مَنْ أَنْبَ مُؤْمِنًا أَنَّ اللَّهَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (۳)

کسی که مؤمنی را سرزنش کند، به سرزنش خدا در دنیا و آخرت گرفتار می شود.

۱- بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۸۴.

۲- میزان الحکمه، ج ۷، ص ۱۵۵.

۳- بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۸۴.

رسول اسلام نیز در پرهیز از سرزنش مؤمن می فرماید:

مَنْ عَيَّرَ مُؤْمِنًا بِدَنْبٍ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرْكَبَهُ. (۱)

کسی که مؤمنی را به خاطر خطایش سرزنش کند، نمیرد مگر اینکه خود مرتکب همان شود.

و در حدیث دیگر فرمود:

اگر کنیز شما کار خلافی کرد، او را حد بزنید، ولی ملامتش نکنید. (۲)

بنابراین، این اصل تربیتی در برخورد با اشتباه دیگران، باید بجا اعمال شود تا نتیجه بخش باشد. در غیر این صورت، اثر منفی خواهد داشت.

سخن چینی

سخن چینی

سخن چینی، نوعی بیماری اخلاقی با پی آمدهای زیان بار است که مهم ترین آنها، اختلاف افکنی، ایجاد دشمنی، حرمت شکنی و حتی گاه خونریزی است. سخن چین، سخن هر کسی را به گوش دیگری می رساند و با برانگیختن آنها علیه یکدیگر، زمینه انتقام و جدال را فراهم می آورد. در حقیقت سخن چینان، آتش بیار معرکه اند. از این رو، امام علی علیه السلام در هشدار می فرماید:

إِيَّاكَ وَالنَّمِيمَةَ فَإِنَّهَا تَزْرَعُ الضُّغَيْنَةَ وَتُبْعِدُ عَنِ اللَّهِ وَ عَنِ النَّاسِ. (۳)

از سخن چینی پرهیز که تخم کینه را در دل می کارد و انسان را از خدا و مردم دور می سازد.

۱- بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۸۴.

۲- میزان الحکمه، ج ۷، ص ۱۵۵.

۳- غرر الحکم، ص ۲۲۲.

انسان سخن چین، قابل اعتماد نیست؛ زیرا همان گونه که سخن دیگران را برای ما می آورد، سخن ما را نیز برای دیگران خواهد برد. به قول سعدی:

هر که عیب دگران پیش تو آورد و شمرد

بی گمان عیب تو نزد دگران خواهد برد

امام علی علیه السلام در این باره نیز فرمود: «مَنْ نَقَلَ إِلَيْكَ نَقْلَ عُنْكَ؛ کسی که سخن دیگری را برای تو نقل کند، سخن تو را نیز برای دیگران نقل خواهد کرد.»^(۱) حضرت به مالک اشتر در آستانه حکومتش بر مصر، درباره خطر سخن چینان که خوبان را بد و بدان را خوب جلوه می دهند، چنین هشدار می دهد:

وَلَا تَعْجَلَنَّ إِلَى تَصْدِيقِ سَاعٍ وَإِنْ تَشَبَّهَ بِالنَّاصِحِينَ فَإِنَّ السَّاعِيَ ظَالِمٌ لِمَنْ سَعَى بِهِ غَاشٍ لِمَنْ سَعَى إِلَيْهِ. (۲)

در باور کردن ادعای سخن چینان شتاب مکن، هر چند خود را به شکل و لباس خیرخواهان در آورند؛ زیرا سخن چین در حق کسی که سخن او را آورده ستم کار و درباره کسی که سخن را برایش آورده، خیانت کار است.

ناسپاسی و کفران نعمت

ناسپاسی و کفران نعمت

کفران نعمت، از گناهان بزرگی است که عقوبت آن به سرعت دامن گیر انسان می شود، چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

۱- غررالحکم، ص ۲۲۱.

۲- غررالحکم، ج ۲، ص ۵۲۲.

أَسْرَعُ الذُّنُوبِ عُقُوبَهُ كُفْرَانُ النُّعْمَةِ (۱)

عقوبت کفران نعمت، [از عقوبت] دیگر گناهان سریع تر به انسان می رسد.

گاه مجازات کفران نعمت، نابودی آن نعمت است. گواه این ادعا، سخن امام علی علیه السلام است که فرمود:

مَنْ كَتَمَ الْإِحْسَانَ عُقِبَ بِالْحَرَمَانِ (۲)

کسی که نیکی را بپوشاند (و از آن سپاس گزاری نکند) به محروم شدن از آن مجازات می شود.

پاداش شکر نعمت نیز افزایش آن در کوتاه ترین مدت است. امام صادق علیه السلام فرمود:

أَيُّمَا عَبْدٍ أَنْعَمَ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ وَ حَمِدَ اللَّهَ - عَلَيْهَا بِلِسَانِهِ لَمْ يَنْفَدْ حَتَّى يَأْمُرَ اللَّهُ لَهُ بِالزِّيَادَةِ (۳)

وقتی به بنده نعمتی داده می شود، اگر به آن اعتراف کند و به خاطر آن خدا را سپاس گوید، پیش از پایان آن نعمت، خداوند امر می کند نعمت او زیاد شود.

هر عبادت و اطاعتی که بنده در پیشگاه خداوند انجام دهد، به گونه ای شکر و سپاس نعمت های اوست، بلکه همین توفیق عبادت و اطاعت، نعمتی است که آن را شکری می باید. حتی اگر بنده، تمام عمر را در عبادت و

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۴۱.

۲- غررالحکم، ج ۵، ص ۲۷۵.

۳- بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۴۲.

اطاعت به سر آورد، نمی تواند کمترین متی بر خداوند داشته باشد؛ زیرا خداوند به او پاداش می دهد، چنان که در قرآن کریم می فرماید:

فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ. (انبیاء: ۹۴)

هر مؤمنی که کار نیکی انجام دهد، بی پاداش نمی ماند.

نتیجه سپاس گزاری و ناسپاسی انسان به خود او بازمی گردد. در قرآن کریم از زبان حضرت سلیمان نقل شده است که فرمود:

مَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ. (نمل: ۴۰)

هر کس شکر گزارد، نتیجه اش به خود او بازمی گردد و هر کس ناسپاسی کند، به درستی که پروردگار من بی نیاز و بزرگوار است.

کتاب نامه

کتاب نامه

۱. نهج البلاغه، ترجمه: فیض الاسلام، تهران، انتشارات فقیه، ۱۳۷۵.

۲. نهج البلاغه، صبحی صالح، بیروت، چاپ اول، ۱۳۸۷.

۳. ابن هشام، ابومحمد عبدالملک، سیره ابن هشام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

۴. ابوالقاسمی، محمدجواد، جلوه گاه حضور، نشر یاس کبود، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۵. الاحسائی، محمد بن علی بن ابراهیم، عوالی اللئالی، تحقیق: مجتبی عراقی، قم، ۱۴۰۳ هـ. ق.

۶. ایزدی، شیخ عباس، اخلاق ایزدی (۲۰ گفتار اخلاقی _ عرفانی) تهیه و تدوین: محمدعلی خزائلی، قم، اجر، چاپ اول، ۱۳۸۴.

۷. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، قم، مؤسسه انصاریان، ۱۳۷۹.

۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۷ هـ. ق.

۹. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ هـ. ق.

۱۰. حر عاملی، وسائل الشیعه، تحقیق: عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ پنجم، ۱۴۰۲ هـ. ق.

۱۱. حکیمی، محمدرضا، محمد و علی، الحیاه، ترجمه: احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۱۲. رحیمی، عباس، زندگی موفق، نشر جمال، چاپ هفتم، ۱۳۸۶.

۱۳. سیوطی، جلال الدین، جامع الصغیر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۰ هـ. ق.

۱۴. صدوق، محمد بن علی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، منشورات الرضی، چاپ دوم، ۱۳۶۸.

۱۵. _____، خصال، محقق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۳ هـ. ق.

۱۶. _____، معانی الاخبار، تحقیق: علی اکبر غفاری، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱.

۱۷. _____، من لا يحضره الفقيه، تحقيق: علي اكبر غفاري، انتشارات اسلامي، ۱۳۶۱.
۱۸. طباطبائي، سيد محمد حسين، سنن النبي، ترجمه: محمد هادي فقهی، قم، مؤسسه النشر الاسلامي، چاپ دوم، ۱۴۲۲ هـ. ق.
۱۹. طبرسي، احمد بن علي، احتجاج، ترجمه: حسن مصطفوي، قم، دارالاسوه، ۱۳۸۰.
۲۰. طبرسي، فضل بن حسن، مكارم الاخلاق، بيروت، مؤسسه الاعلى للمطبوعات، ۱۳۹۲ هـ. ق.
۲۱. طوسي، محمد بن حسن، امالي، تحقيق: مؤسسه البعنه، قم، دارالثقافه، چاپ اول، ۱۴۱۴ هـ. ق.
۲۲. فيض كاشاني، ملامحسن، المحججه البيضاء، قم، انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين، ۱۳۶۱.
۲۳. قمي، شيخ عباس، سفينه البحار و مدينه الحكم و الآثار، قم، مؤسسه انتشارات فراهاني، ۱۳۷۳.
۲۴. كليني، محمد بن يعقوب، اصول كافي، تهران، نور، ۱۳۶۲.
۲۵. متقي هندی، حسن، كنز العمال، تصحيح: صفوه السقاء، بيروت، مكتبه التراث الاسلامي، چاپ اول، ۱۳۸۹ هـ. ق.
۲۶. مجلسي، محمد باقر، بحار الانوار، بيروت، دار احياء التراث العربي، چاپ سوم، ۱۴۰۳ هـ. ق.
۲۷. محمدی ری شهری، محمد، ميزان الحكمه، قم، انتشارات دفتر تبليغات، ۱۳۶۲.

۲۸. مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، فضایل و رذایل، قم، اداره آموزش های عقیدتی _ سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، چاپ سوم، ۱۳۷۳.

۲۹. مطهری، مرتضی، سیره نبوی، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۱.

۳۰. منذری، زکی الدین عبدالعظیم، الترغیب و الترهیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

۳۱. موسوی زنجانرودی، سیدمجتبی، زمزمه های زندگی در سیر و سلوک، قم، انتشارات میثم تمار، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۳۲. نراقی، محمدمهدی، جامع السعادات، تحقیق: محمد کلانتر، نجف، منشورات جامعیه النجف الدینیه، چاپ دوم، ۱۳۸۳ هـ _ ق.

۳۳. نراقی، ملااحمد، معراج السعاده، تهران، انتشارات رشیدی، بی تا.

۳۴. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البیت، چاپ اول، ۱۴۰۷ هـ _ ق.

۳۵. ورام، مسعود بن عیسی، تنبیه الخواطر و نزهه النواظر (مجموعه ورام)، بیروت، دارالتعارف، بی تا.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

